

جوانان

تو را من چشم در راهم
کلاس متفاوت مهرماه
درس های اخلاقی در خطابه غدیر
استقبال گرم
از داشته هایمان لذت ببریم
مراقبت در فصل برگریزان

سیر تحول نمایشی
در تئاتر دفاع مقدس

آغاز سال تحصیلی ...

فصلی نو برای با هم بودن ...



برای انسان‌های بزرگ بن‌بستی
وجود ندارد
زیرا آنها بر این باورند
که یا راهی خواهند یافت یا راهی
خواهند ساخت



جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۲۲ مهر ماه ۹۴

قیمت: ۱۳۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیرمسئول: سیدحسن مؤذنی
سرمدیر: محبوب شهبازی
مدیر اجرایی: نادر دقیقی

دبیر تحریریه: آمنه آدینه
طراح و مدیر هنری: امید بهزادی
مدیر داخلی: سیده زینب اسکندریان
ناظر فنی چاپ: شاپور محمد حسن زاده
حروفچین: ویدا امیدی
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعرای
بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷
آدرس الکترونیکی: Email:javan@shahedmag.com
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال
منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده
آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

- حرف اول: ۴ / کلاس متفاوت مهرماه
یادداشت: ۵ / توکل به فضل خدا
برداشت آزاد: ۶ / درس های اخلاقی در خطابه غدیر
دخترانه، پسرانه: ۸ / برای با هم بودن و با هم ماندن
مادرانه، پدرانه: ۱۰ / تکرار کودکانه
اجتماع: ۱۲ / زیستن در حاشیه های حماسه
حماسه آفرین: ۱۴ / بازخوانی مظلومیت پاهو و وصالی
راه و چاه: ۱۶ / بخشش پای چوبه دار
مهارت: ۱۸ / از داشته هایمان لذت ببریم
مطبخ: ۱۹ / لبو پلو
لبخند: ۲۰ / استقبال گرم
جدول: ۲۱ / جدول
زندگی به سبک دیگر: ۲۲ / تغییر بر مدار فناوری
سرچشمه: ۲۴ / پا به پای امام حسین علیه السلام در عرفه
عافیت: ۲۶ / مراقبت در فصل برگریزان
سلامت: ۲۸ / در جستجوی بیماری
خانه دوست: ۳۰ / میبد شهر خورشید
موج سازان: ۳۲ / تو را من چشم در راهم
نور و نقره: ۳۴ / ایده پردازی یک مأمور ویژه
نقد و نظر: ۳۶ / سیر تحول نمایش در تئاتر دفاع مقدس
علمی: ۳۸ / دستاوردهای نظامی ایران زمین
رو به رو: ۴۰ / رمز موفقیت کشور
یک، دو، سه: ۴۲ / تلاش برای کنترل بدن
حرکت: ۴۴ / نام ها و نیت های خیر
بین الملل: ۴۶ / برجام گامی به سوی سند چشم انداز ۱۴۰۴
دریچه: ۴۸ / خرید اینترنتی بدون واهمه سرقت
داستان: ۵۰ / عطر سیب های سرخ
شعر: ۵۲ /
بازار کتاب: ۵۳ /
باشگاه مهربانی: ۵۴ /
تفأل: ۵۶ /
انگلیسی: ۵۸ /

کلاس متفاوت مهر ماه

همکاری مردمان یک کشور برای دفاع در مقابل مهاجمانی بی رحم باشد.

درسی که سال هاست باید در همین حوالی تاریخی و هر سال برای جوانان و نوجوانان این کشور مرور شود تا مفاهیم ارزشمند و عمیقی از آن استخراج شود. هفته‌ای ابتدایی از حماسه‌ای ماندگار که در همه‌ی هشت سال دفاع مقدس و در جای جای جغرافیای دفاع مقدس یادآور درس‌های گرانبهایی در همه‌ی زمینه‌ها بود و جدا از درس همدلی و همراهی، درس مرام و مردانگی و ایستادگی و سرافرازی و همه‌ی آنچه می‌شود در کلاس‌های معارف و شیوه‌ی زندگی به جوانان آموخت را از آن کسب کرد. کلاس بزرگ و ماندگاری به نام جبهه و سال‌های دفاع مقدس که سی و پنجمین سالگرد آغازش را به امید درس گرفتن در همه‌ی تاریخ پس از این باید از آن آموخت.

برسانند. حکایت اول مهر ۱۳۵۹ در واقع یک نمونه و روایتی ماندگار در زمینه حضور مردمانی از چهار گوشه‌ی کشور در بخش غربی کشورشان است، مردان و زنانی که گاه هزار کیلومتر و گاه بیشتر از آن را با تعجیل و هر وسیله‌ای طی کردند تا روایتگر روایتی باشند که امروز بخش‌های اندکی از آن در قالب ده‌ها جلد کتاب و صدها سکانس سینمایی قابل دسترسی است تا هر کس با هر هنری که دارد راوی حماسه‌ای باشد که سی و پنج سال پیش به وقوع پیوست.

آنچه در بخشی از جغرافیای وسیع ایران و در مقطعی از تاریخ این کشور و در ۳۱ شهریور و همه‌ی روزهای مهر ۱۳۵۹ به وقوع پیوست برای هر کشوری می‌تواند موجب فخر و مباهات نسل‌های متمادی و برای همیشه‌ی یک تاریخ باشد و به عنوان یک درس ماندگار از همدلی و همراهی و

اول مهر، جدا از اتفاقات ریز و درشتی که در همه‌ی سال‌های پرفراز و نشیب تاریخ ایران در آن به وقوع پیوسته است. یادآور آغاز پاییزی است که امسال سی و پنجمین سالگرد آن را در خاطر هموطنانمان زنده خواهد کرد. هنگامی که در اول مهر سی و پنج سال پیش و درست یک روز پس از غافلگیری حمله‌ای همه‌جانبه و تنها پس از کمتر از ۲۴ ساعت کسانی از سراسر ایران خودشان را به نقاطی در جنوب غرب و غرب کشورمان رساندند تا در کنار نیروهای رسمی و موظف برای دفاع و حمایت از مرزهای کشورمان در مقابل هجومی سراسری به عنوان نیروی داوطلب مردمی نقش آفرینی کنند. در همه‌ی دنیا حفاظت از مرزها و تمامیت ارضی یک کشور به عهده نیروهای نظامی و گاه انتظامی یک کشور است. مگر اینکه اتفاقی ناخوشایند و ناگهانی و خارج از عرف رخ بدهد که نیاز باشد مردمانی با هر سن و پیشه خودشان را به میانه‌ی معرکه‌ای



توکل به فضل خدا

۵

شاهد جوان / شماره ۱۲۲

کرده است. «فضل» از جمله صفاتی است که در قرآن کریم به خداوند نسبت داده شده و اموری به عنوان «فضل» خداوند بر بندگان شمرده شده است. خداوند دارای اوصاف و اسماء بسیاری است که همگی برخاسته از کنه ذات وی است. خدا عادل است و بر اساس معیار دقیق عدل خویش اندازه‌گیری می‌کند و به حساب و کتاب می‌بخشد و کتاب رسیدگی می‌کند و بر آن معیار عذاب قرار می‌دهد، اما در مقابل عدل الهی، فضل او قرار داشته و فضل و رحمت او بر عدلش پیشی دارد و در واقع اصل بر فضل است. ذات اقدس اله، خدای مهر و محبت و گذشت است و تا آن که جا ممکن است می‌بخشاید و خود خواستار نجات بشر از ظلمت است. در قرآن بالغ بر ۱۰۴ بار این واژه را به کار رفته است.

همین تکرار واژه فضل در قرآن و آیات و احادیث نشان می‌دهد که درست در تنگناها باید به خودش، فضلش و گره‌گشایی‌اش امیدوار بود.

تبدیل به سقفی کوتاه بر روی سرمان و ما در این میانه همچون زندانی‌ای هستیم گرفتار در این چهارچوب تنگ و تلخ. اما با همه‌ی این وجود نباید از فضل و بزرگی خداوند ناامید شد، در چنین شرایطی پیام اینستاگرامی مقام معظم رهبری تلنگری در این زمینه برای همه‌ی جوانان کشورمان به شمار می‌آید که یادآور بزرگی و فضل خداست. به پیام ایشان یکبار دیگر به دقت توجه کنید:

رهبر انقلاب:
جوانها می‌گویند، اگر ازدواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ فرمود: «إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»
۱۶/۰۸/۱۳۸۶

این بخشی از پیام رهبری در آبان ۱۳۸۶ است که پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له در میانه‌ی شهر یور با طرحی گرافیکی در صفحه اینستاگرام پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب به دو زبان فارسی و عربی منتشر

درست در لحظه‌های گرفتاری، آنجایی که مستاصل می‌شوی در بزنگاه‌هایی که تکلیف بخشی یا تمام زندگیت مشخص می‌شود. آنجا که احساس می‌کنی زمین و زمان دست به دست هم داده‌اند تا تو را درگیر و دار چرخ‌های بی‌رحم مشکلات له کنند؛ ممکن است ندایی فرا برسد و تو را به چیزی فراتر از مسائل مادی امیدوار کند.

برای بسیاری از ما پیش آمده که در برهه‌هایی از زندگی مانند وقتی که درگیر امتحانات مدرسه هستیم، وقتی درگیر کنکور می‌شویم، وقتی پس از پایان دانشگاه در آستانه‌ی اعزام به خدمت سربازی هستیم، وقتی در جستجوی کاریم، وقتی در آستانه‌ی ازدواج قرار گرفته‌ایم، وقتی پس از ازدواج دنبال خانه می‌گردیم، وقتی فرزندان در آستانه‌ی تولد است و بسیاری از موقعیت‌های این چنینی احساس کنیم که زمین و زمان در صدد کارشکنی و ایجاد مشکل برای ما هستند. آن جاهایی که احساس می‌کنیم زمین با این همه بزرگی برایمان تبدیل به زندان شده و آسمان با این همه فراخی

ما نیز چنانچه بتوانیم از توانایی‌های خود در جهت رفع گرفتاری افراد جامعه استفاده کنیم و... اینها یعنی: رنگ خدایی گرفتن و طی طریق الهی کردن و به دستورات او جامه عمل پوشاندن ما انسان‌ها اگر بخواهیم متخلق به اخلاق الله شویم باید این صفات را داشته باشیم.

درس های اخلاق در

خطابه غدیر

اخلاق یعنی تخلیق به اخلاق الله، و حلقه روابط بین اعتقادات و احکام الهی است. البته باید گفت: بعضی از صفات فقط و فقط برای خداوند متعال «جل عزه» بکار می‌روند. و برای هیچ شخصی یا کس دیگر استفاده نمی‌شود و منحصر در ذات اوست مثل:

رب، الله، حی و رحمان کاربرد این صفات در خطابه‌ها و سخنان بزرگان دینی (اهلبیت - علیهم السلام) - فقط به منظور تمجید است.

«درس دوم: چگونه نصیحت کنیم؟»

این نکته را بانوان خانه‌دار بهتر متوجه می‌شوند که:

یک کدبانو و بانوی خانه دار هنگامی که می‌خواهد از وسایل پاک کننده (مثل وایتکس و غیره) استفاده کند همواره آن را رقیق می‌کند (کمی با آب مخلوط می‌کند) و سپس برای سفید کردن البسه از آن استفاده می‌کند. چرا؟

زیرا که می‌داند یک مایع سفید کننده و یا شوینده اگر به طور خالص استفاده شود ممکن است به لباس صدمه زده و تار و پود آن را از هم بگسلد.

نصیحت نیز چنین است. نصیحت به خودی خود تند و تیز و برای افراد غیر قابل تحمل است. افراد نسبت به شنیدن نصیحت عکس العمل منفی از خود نشان می‌دهند. حال اگر این نصیحت مقداری نرم و ملایم و لطیف و با شگرد خاصی عنوان شود نه تنها مخاطب آن را با کمال میل می‌پذیرد بلکه هدف از ارائه نصیحت نیز محقق می‌شود.

یکی از برترین تکنولوژی‌هایی که خطابه غدیر از آن بهره گرفته استفاده از تذکرات غیر مستقیم است.

۲- رنگ الهی گرفتن به واسطه‌ی برشمردن صفات او: بعضی از صفات الهی از لحاظ لفظ با صفات مخلوق مشابه است مثلاً خدا علیم است مخلوق هم علیم است، خدا قادر و رحیم است مخلوق هم می‌تواند رحیم و قادر و... باشد البته هیچ سنخیتی بین صفات الهی (علیم، قدیر، رؤف و...) با صفات بشری نیست ولی این الفاظ مشترکاً استفاده می‌شود. حال از تذکر این صفات چه درسی خواهیم آموخت؟ باید اشاره کرد که با تذکر صفات الهی این مطلب برای انسان روشن می‌شود که: خداوند علیم است، بشر نیز باید برای بهره‌گیری بهتر از سرمایه عمر و استفاده مطلوب از آن راه علم و دانش را فرا گیرد.

• خداوند رحیم است

خداوند دارای رحمت خاصی است، ما نیز به خواص مهربان باشیم، با همسر و فرزندان و والدین کمال رأفت و رحمت اسلامی را بکار بندیم.

• خداوند قادر است

ما نیز چنانچه بتوانیم از توانایی‌های خود در جهت رفع گرفتاری افراد جامعه استفاده کنیم و... اینها یعنی: رنگ خدایی گرفتن و طی طریق الهی کردن و به دستورات او جامه عمل پوشاندن ما انسان‌ها اگر بخواهیم متخلق به اخلاق الله شویم باید این صفات را داشته باشیم.

«درس اول: رنگ خدایی»

«صبغة الله و من احسن من الله صبغة»
آیا تا به حال فکر کرده‌ایم که چرا خطابه‌ها و فرمایشات اهل بیت - علیهم السلام "و در رأس آنها پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - و حضرت صدیقه کبری - علیها السلام - با برشمردن صفاتی از خالق متعال آغاز می‌شود؟ این نوع گویش حاصل دو پیام برای ما است:

۱- حمد الهی به واسطه برشمردن این صفات:

وقتی مخلوق صفات خالق را بر می‌شمرد و با پی‌بردن به صفات خالق عظمت او برای مخلوق متجلی می‌شود، هر شنونده‌ای با شنیدن این صفات لب به تمجید خالق باز می‌کند و حمد خالق می‌گوید و لذا شروع با صفات الهی یک نوع تذکر است از جانب اهلبیت - علیهم السلام "که خالق دارای چنین صفاتی است که اوج این بلاغت و شیوایی را در خطابه غدیر می‌توان یافت، که در فراز اول حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - پس از ذکر صفات الهی می‌فرمایند:

«ذلکم الله ربکم»

ربّی که نعمت می‌دهد، هدایت می‌کند پس مستحق شکر و حمد است. تمام مخلوقات اعم از فرشتگان "نباتات" جمادات و حیوانات شکر خدا را به جای می‌آورند چون رب العالمین است و خدای جهانیان، پس شکر وظیفه ماست.
"الذی استحق من کل من خلق"



پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در خطابه غدیر تذکراتی را به صورت مستقیم و غیر مستقیم مطرح فرمودند که در صفات غیر مستقیم با اشاره به صفات برجسته امیرالمؤمنین - علیه السلام - نتیجه می‌گیرند که چون ایشان امام هستند شما مأموم، پس باید از امامتان در نکات اخلاقی پیروی و تبعیت کنید

شما را آموزش می‌دهد.
پس: تقوا زمینه علم است و علم مقدمه تقوا است چرا که خداوند در جایی دیگر در قرآن مجید می‌فرماید:
"انما یخشی الله من عباده العلماء" همانا فقط بندگان عالم از خداوند می‌ترسند.

پس دانش سبب خداترسی است. پس با یک نتیجه‌گیری منطقی با این دو آیه مشخص است که تقوا باعث نشو و نمای علم و علم نیز زمینه خداترسی است. پس این رابطه رابطه‌ی دو طرفی است. علم باعث ایجاد تقوی و تقوی زمینه علم بیشتر است.

علمی که منتهی به تقوا و تقوایی که منتهی به علم شوند به خدانشناسی و پیغمبرشناسی خلاصه می‌شوند علمی که خدا ترسی می‌آورد، علمی است که به تقوا منتهی می‌شود و علمی است که به خدانشناسی منتهی و به تذکر به قیامت منتهی می‌شود. علمی که وارد جزگهی خدانشناسی نشود هیچ وقت تقوا نمی‌آورد.

پیامبر در خطابه می‌فرماید: تمام علوم را به امام متقین دادم. پس چون امام متقین بود یعنی سر سلسله‌ی همه متقیان بود، من تمام علوم را به او دادم. چرا که تقوای زیاد او تحمل درک تمام علوم را به او داده بود. لذا نزول قرآن در شب قدر به صورت یک لحظه بود چرا که قرآن در... معادل لقب نورانی پیامبر قرار گرفت و چون آن زمینه‌ی قلبی برای پیامبر فراهم بود (تقوای شدید الهی) خداوند توانست تمام قرآن را در یک لحظه بر قلب نازنین او نازل فرماید. مطلب بالاترین که:

پیامبر - صلی الله علیه و آله - در خطابه می‌فرماید:

"من تمام علوم را در امیرالمؤمنین - علیه السلام احصاء کردم."

احصاء یعنی شمردن و دانه دانه تحویل دادن. یعنی حضرت علی - علیه السلام "تنها فرمول‌ها را باید نیستند بلکه به ریزه کاری‌های علوم نیز آگاهند.

اینجاست که به این حقیقت پی می‌بریم که تنها وجودی که جرأت داشتند که این مطلب را عنوان کنند، فقط شخص شریف ایشان است که فرمودند:

"سلونی قبل أن تفقدونی... تا مرا از دست نداده‌اید از من سوال کنید (و مجهولات خود را با وجود من به معلوم مبدل کنید) که به خدا والله من به راه‌های آسمان از طرق زمین آگاه‌ترم..."

چرا که علم او علمی بود که از طریق پیامبر - صلی الله علیه و آله - به صورت ریزه به ریزه در ایشان احصاء شده بود که خطابه غدیر به ظرافت این مطلب را عنوان می‌کنند.

نتیجه: اگر امیرالمؤمنین امام المتقین است، پس باید از او پیروی شود تذکر غیر مستقیم پیامبر - صلی الله علیه و آله - این است که اگر می‌خواهی در چتر و حمایت امامت و ولایت باشی، باید در زمره با تقوایان باشی چون او امام المتقین است.

و اساس آن حکمت عملی است چرا که امام صادق - علیه السلام "می‌فرمایند: تمام ایمان به عمل است.

پیامبر نیز در خطابه در فراز دوم پس از حمد الهی می‌فرماید:

"و اقر له علی نفسی بالعبودیه و اشهد له بالربوبیه" چرا که به مردم نشان دهد ارتباط بین عبد و رب را که این رابطه به وسیله حلقه عبودیت به هم متصل است. چرا که اگر انسان عبد باشد، عجز و فقر را به خود در می‌یابد. عبودیت مقدمه پرواز است (اشهد ان محمد عبده و رسوله) پیامبر ابتدا عبد شد سپس رسول الله. لذا آن اعتقادی مفید فایده است که زمینه اعتقاد عملی را فراهم آورد و آن اخلاقی مفید است که مقدمه اخلاق عملی باشد و در متن احکام عملی (فقه) بدون عمل به آنها دانستن بی فایده است. پس هر سه حلقه به اسلام حالت عملی پیدا می‌کند و باید این سه حلقه به صورت عملیاتی در اجتماع پیاده شود. اینجا لزوم تبلیغ بیشتر مشخص می‌شود. چرا که اهمیت تبلیغ در آن است که مبلغ پس از ارائه اعتقادات و مفاهیم نظری، این اعتقادات و مفاهیم را به صورت کاربردی در اجتماع پیاده کند.

پس آن دسته از افراد که اعتقادات و اخلاق و احکام را در حالت قبلی و زبانی محدود می‌کنند در حقیقت از اسلام پوسته‌ای را گرفته و به کنه و مغز آن نرسیده‌اند چرا که امام علی - علیه السلام "در این حدیث شریف مراحل اسلام را به شیوه‌ای زیبا بیان فرموده‌اند:

"السلام هو التسليم و التسليم هو التصديق و التصديق هو الاداء و الاداء هو العمل... یعنی اینکه الاسلام هو العمل پس باید اخلاق و اعتقادات و احکام به فرمایش حضرت عملیاتی شود تا مایع سعادت فردی و جمعی ما شود تا راه نجات را دریابیم."

درس چهارم: رابطه علم با تقوا

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در خطابه غدیر تذکراتی را به صورت مستقیم و غیر مستقیم مطرح فرمودند که در صفات غیر مستقیم با اشاره به صفات برجسته امیرالمؤمنین - علیه السلام - نتیجه می‌گیرند که چون ایشان امام هستند شما مأموم، پس باید از امامتان در نکات اخلاقی پیروی و تبعیت کنید. یکی از برجسته‌ترین این تذکرات رابطه تقوا با علم است در جایی که می‌فرمایند:

"و کل علم علمت فقد احصيته فی امام المتقین، هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند در جان من نوشته و من تمامی آن را در جان علی امام پرهیزگاران ضبط کرده‌ام (دانشی نبوده مگر اینکه به علی آموخته ام)."

در این بخش امیرالمؤمنین با دو صفت معرفی شده‌اند یکی علم دیگری تقوا.

رابطه علم و تقوا نیز در سوره بقره آیه ۲۸۲ عنوان شده است:

"واتقوا الله و یعلمکم الله، اگر تقوا پیشه کنید خدا

در خطابه تذکرات به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند.

۱- تذکرات مستقیم به طور غیر واسطه سفارش و توصیه می‌کند:

"یا ایها الناس اتقوا الله، مردم تقوای الهی پیشه کنید."

۲- تذکرات غیر مستقیم "در این روش با استفاده از حلقه‌های روابط، منظور خود را بیان می‌فرماید: مثلاً در خطابه امام امیرالمؤمنین "علیه السلام" را، امام معرفی می‌کنند. پس چون حضرت علی - علیه السلام "امام است پس ما باید مأموم این امام باشیم. و لازمه‌ی مأموم تبعیت از امام است.

این شیوه تذکر غیر مستقیم در اعمال نصایح و تذکرات و هدایت افراد نقش مهم و اساسی دارد امروزه علم روانشناسی نیز این مطلب را اثبات کرده و در علوم نوین نیز این مطلب مطرح و مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً علم روابط انسانی در مدیریت نوین امروزی حائز اهمیت است و به روابط افراد در محیط کار و رابطه مدیر با کارمندان اشاره دارد.

درس سوم: اخلاق در خطابه

این حدیث شریف منقول از قول پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - مورد تأیید همه فرق اسلام است که فرمودند:

"انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ابداً"

پس اسلام دارای دو ثقل گرانبها است که یکی قرآن و دیگری عترت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - است قرآن در بیان جامعی سه حلقه را برای سعادت و کامیابی بشر معرفی می‌کند:

۱- حلقه اعتقادات ۲- حلقه اخلاق ۳- حلقه احکام عملیه یا احکام شرعی (فقه)

عترت نیز که پیرو راستین بیان خداوند متعال (قرآن) است این سه حلقه را به انسان‌ها گوشزد کرده‌اند. نمونه آن بیان کامل و خالی از نقص خطابه غدیر است که پیامبر - صلی الله علیه و آله - در گفتار خود بیان می‌فرماید:

۱- حلقه اعتقادات ۲- حلقه اخلاق ۳- حلقه فقه اخلاق حلقه واسطه است. اصل اعتقادات اسلامی تنها در حکمت نظری خلاصه نمی‌شود بلکه ریشه



همیشه همسران را از اتفاق‌هایی که در زندگی‌تان می‌افتد، مطلع کنید. صادق باشید و آنچه را که احساس می‌کنید باید همسران بدانند، از او پنهان نکنید این باعث محکم‌تر شدن پیمان زناشویی شما می‌شود

تمرین وفاداری در ازدواج

برای با هم بودن و با هم ماندن

بسیاری از مسائل ریز وجود دارند که در نهایت عامل مشکلات بزرگی در زندگی می‌شوند. آنچه امروز به عنوان چیزهای ریز در رعایت آنها نکوشید ممکن است در آینده منجر به مشکلات و اشتباهات بزرگ شود. بعضی‌ها از همان دوران نامزدی یا عقد نمی‌دانند که چطور باید مرز دنیای مجردی و متأهلی را پیدا کنند و همین باعث می‌شود حد و مرز روابط شان را گم کنند. چطور؟ مثلاً فردی که تا پیش از این دوستان و همکاران و معاشران زیادی داشته، حالا نمی‌داند باید کدام یک از این روابط را تعدیل کند و کدام را حفظ کند. داشتن برخی روابط با این که برای شما معنای عاطفی و عاشقانه‌ای ندارند اما ممکن است برای نامزد یا همسران حساسیت برانگیز باشد و این دامی است که خیلی از زوج‌های تازه کار در آن می‌افتند و وفاداری در ازدواج از بین می‌رود.

آیا راهی برای وفاداری در ازدواج وجود دارد؟ این توصیه‌های اساسی را به خصوص در اولین روزهای زندگی دست کم نگیرید. ۱- زمانی که ازدواج می‌کنید مطمئن باشید همسران تنها فردی است که باید نیازهای احساسی، حمایتی، مادی و جنسی‌تان را برطرف

کند. وفاداری به همسر مهم‌ترین رکن یک زندگی است و اگر عشق، اعتماد و احساسات شما به اندازه کافی قوی باشد، می‌توانید روابط دیگران را مدیریت کنید.

۲- این واقعیت را بپذیرید که شما دیگر مجرد نیستید، بلکه ازدواج کرده‌اید و مسئولیت دارید که به پیمان زناشویی‌تان احترام بگذارید. ازدواجتان را از هیچ‌کس پنهان نکنید. به همکاران و دوستانان بگویید که زندگی مشترک شادی دارید و در هر فرصت مناسبی، همسران را با خودتان همراه کنید.

۳- یکی از تمرین وفاداری در ازدواج این است که به جنس مخالف خود هیچ فرصتی ندهید که از طرز نگاه، رفتار یا حرف‌هایتان گمان کند که به او احساسی دارید. وقتی با فردی که همسران نیست، خیلی خودمانی حرف می‌زنید و رفتار می‌کنید به یاد داشته باشید که به نحوی در حال خیانت هستید یا باب آن را باز کرده‌اید.

۴- یکی از راه‌های وفاداری به همسر این است که خودتان را در شرایطی قرار ندهید که در مکانی نامناسب با جنس مخالف تنها بمانید. چنین شرایطی می‌تواند شما را به دردسر بیندازد و همسران را دلخور کند یا باعث شود مورد

سوءاستفاده قرار بگیرید.

۵- اگر کسی به هر نحوی می‌خواهد با شما ارتباط صمیمانه برقرار کند، به او بگویید هیچ علاقه‌ای به چنین روابطی ندارید، چون ازدواج کرده‌اید و زندگی شادی دارید و در واقع عاشق همسران هستید. این نشانه‌ی وفاداری در ازدواج است باید خیلی محکم و قاطعانه عمل کنید و احتمال ایجاد هرگونه ارتباطی را با او از بین ببرید.

۶- همیشه همسران را از اتفاق‌هایی که در زندگی‌تان می‌افتد، مطلع کنید. صادق باشید و آنچه را که احساس می‌کنید باید همسران بدانند، از او پنهان نکنید این باعث محکم‌تر شدن پیمان زناشویی شما می‌شود.

۷- همسران را در اولویت قرار دهید. ازدواج موفق به‌طور اتفاقی رخ نمی‌دهد، بلکه باید برای رسیدن به آن تلاش کنید؛ به ویژه وقتی زوجین درگیر کار و مسئولیت‌های خانه هستند، رعایت این نکات بسیار مهم به شمار می‌آید؛ اما اولویت با همسر و نیازهای اوست.

۸- درباره مشکلاتی که با همسر خود دارید، با جنس مخالف صحبت نکنید. مسائل شما باید میان خودتان دو نفر حل شود. این تمرین وفاداری در ازدواج است. هر نوع درد دل کردن، چاره‌جویی کردن و صحبت با جنس مخالف در این رابطه می‌تواند خطری برای ارتباط شما با همسران به حساب بیاید.

۹- برای وفاداری در ازدواج همسران را در جمع‌های دوستانه وارد کنید. چه لزومی دارد که بعد از ازدواج همچنان به صورت مجردی به جمع‌های دوستانه‌ای بروید که قبلاً می‌رفتید؟ به ویژه اگر بقیه دوستانتان با همسرانشان به این جمع‌ها می‌آیند یا ترکیب دوستانتان به گونه‌ای است که از هر دو جنس در آن حضور دارند.

۱۰- اطمینان همسران را جلب کنید. مرزهایتان را تا حد ممکن باز بگذارید و اجازه دهید هر تردیدی پیدا کرد، به یقین برسد. پیامک‌ها، ایمیل‌ها یا تماس‌های مخفیانه نداشته باشید و همه چیز را مقابل یکدیگر و خیلی عادی انجام دهید تا وفاداری در ازدواج را به همسر خود ثابت کنید.

منبع: نوجروس / تبیان





به ارتباطات مجازی همسرتان مشکوکید؟

توصیه‌هایی برای آرامش زندگی

در همسر ما بیشتر باشد، به همان نسبت او درباره ارتباطات مجازی ما حساسیت بیشتری نشان خواهد داد. بنابراین در گام دوم سعی می‌کنیم با ابراز عشق نامشروطمان احساس امنیت را در او تقویت کنیم.

۳- وضع قوانین ارتباطی برای خود

قانونگذار خود باشیم، آن هم بر مبنای شفافیت و صداقت.

* قانون اول: برای صرف وقت در شبکه‌های مجازی، برای خود برنامه‌ریزی کنیم؛ نیازهای واقعی‌مان را اساس کار قرار دهیم.

* قانون دوم: در انتخاب گروه‌هایی که عضو می‌شویم با دقت عمل کنیم. اگر کسی یا عاملی در آن گروه حضور دارد که همسر ما به آن حساس است، در ارزش رد کردن آن شک نکنیم.

* قانون سوم: در تعداد گروه‌هایی که عضو می‌شویم، معتدل رفتار کنیم.

* قانون چهارم: افراد ناشناس را تایید نکنیم.

* قانون پنجم: بیش از آن که وقت صرف دیگران کنیم با همسرمان حرف بزنیم.

* قانون ششم: در هنگام استفاده از شبکه‌های اجتماعی کنار همسرمان باشیم، سعی نکنیم چیزی را از او مخفی کنیم.

* قانون هفتم: سر سفره، در رختخواب، سفر و گفتگوهای دوفره، وسایل ارتباطی را از خود دور کنیم.

۴- ارائه اطلاعات واقعی از وضعیت تأهل خود در پروفایل

کسی که متأهل است و در پروفایلش مجرد را علامت می‌زند، بدون شک کار حساسیت برانگیزی انجام داده است. برخلاف این فرد مثالی، یکی از دوستان واقعی ما در توضیح پروفایلش اضافه کرده بود، متأهل خوشبخت. فکر می‌کنید اضافه کردن این کلمه چقدر در کاهش حساسیت همسر او مؤثر بوده باشد؟

۵- رفتارهای حساسیت برانگیز نکنیم

فرض کنیم آنچه در شبکه اجتماعی می‌نویسیم، می‌خوانیم یا عکسی که برای دیگران می‌فرستیم، همه قرار است در یک مجله پرتیراژ چاپ شود. آیا باز هم آن رفتارها را انجام می‌دهیم؟

۶- رازدار باشیم

زندگی مشترک فراز و نشیب‌های زیادی دارد. بیان کردن مشکلات زندگی در فضاهای مجازی، حتی اگر در چنان لفافه‌ای باشد که جز خود و همسرمان کسی معنای آنها را متوجه نشود، عامل مهمی در تخریب آرامش همسر و ایجاد حساسیت در او خواهد بود.

۷- از لایک‌های حساسیت برانگیز پرهیز کنیم

حواس‌مان باشد که چه مطالب، عکس‌ها یا خبرهایی را لایک می‌کنیم. بدیهی است اگر این موارد جزء حساسیت‌های همسرمان باشند، ماییم که برانگیزاننده آن بوده‌ایم.

منبع: سپیده‌دانایی

شده، گسیل کنیم و به سرزنش‌اش بپردازیم؛ چرا که به نظرمان او بی‌دلیل و مدرک همسرش (ما) را قربانی حساسیت‌های خود کرده و علیه او برنامه‌های نظارتی تدارک دیده است اما اگر از فاصله‌ای دورتر و کمی واقع بینانه‌تر به کل قضیه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که در تشکیل و تقویت این مسئله، رفتار حساسیت برانگیز یک طرف (که پیش فرض ما این است که ناآگاهانه است) به اندازه حساس شدن طرف دیگر مؤثر و مقصر بوده است.

برای رفع این حساسیت‌ها، در ادامه چند راهکار ساده و کاربردی پیشنهاد می‌شود:

۱- روشن کردن برداشت ذهنی خود و همسرمان از ارتباط در فضای مجازی

عضو شدن در شبکه‌های اجتماعی برای ما چه معنایی دارد؟ برای همسرمان چه معنایی دارد؟ آیا معنای پست گذاشتن و لایک کردن برای هر دوی ما یکسان است؟ یا شاید هم خیلی متفاوت؟ همسر ما به کدام بخش این قضایا بیشتر حساس است؟ چه چیزهایی حساسیت‌های او را بیشتر می‌کنند؟ عادات رفتاری ما در فضای مجازی کدام است؟ عادات همسرمان کدام است؟ چه مقدار ارتباط مجازی برای هر کدام از ما لازم و خوب است؟ اینها برخی از سوالاتی است که برای شناخت حساسیت‌های همسرمان از او می‌پرسیم و نظرات او را به خاطر می‌سپاریم.

۲- تأمین احساس امنیت در همسر

یکی از دلایل مهم حساس شدن همسرمان نسبت به روابط متفرقه، یکدیگر، احساس عدم امنیت روانی و عاطفی کافی است. هر قدر میزان این احساس ناامنی

اگر می‌خواهیم برای رفع حساسیت‌های همسرمان نسبت به ارتباطات مجازی خود، اقدامی بکنیم، باید یک گام به عقب‌تر برگردیم؛ یعنی از زمان و مکانی شروع کنیم که مناطق حساس روانی و عاطفی او تحریک و بیدار شدند.

«لطفاً به لحظه خودت رو بگذار جای من. اگه همسرت سه چهارم وقت تو خونه بودنش رو سرگرم لپ تاپش باشه، اگه نصف شب بیدار بشی، ببینی انگشتش مرتب داره روی تبلتش سُر می‌خوره، اگه تو صدتا گروه اجتماعی عضو باشی، اگه موقع کانکت شدن و کامنت و پست گذاشتن و لایک کردن کارای تعجب برانگیزی بکنی، اگه ببینی تو پروفایلش اطلاعات شخصی‌اش رو قری و قاطی نوشته، انصافاً شما باشی حساس نمی‌شی؟» ما انسان‌ها حس در ارتباط بودن با بقیه را دوست داریم. خوشمان می‌آید وقتی احساس می‌کنیم دیگران به ما توجه دارند و خوشحال می‌شویم وقتی می‌بینیم از ما حمایت می‌کنند، به همین دلایل است که عضو شبکه‌های اجتماعی می‌شویم و برای ماندگار شدن در آنها وقت می‌گذاریم و هزینه می‌کنیم.

تا اینجا قضیه اشکال ندارد که هیچ، خوب هم هست چرا که ما نیازمند ارتباط با جهان و دیگرانیم اما وقتی پای افراط وسط می‌آید و سرو کله غفلت از همسر، زندگی مشترک و اهمیت‌های دیگر پیدا می‌شود، مسئله‌ای جان می‌گیرد که اگر به موقع حل نشود می‌تواند آنقدر پیچیده شود که رابطه را پله پله تا اضمحلال بکشاند.

شاید اگر طرف افراط کننده آشنایمان باشد یا این شخص خود ما باشیم به دلیل شناخت و آگاهی که از عدم سوءنیت او یا خود داریم، بی‌درنگ حس مقصر یاب ذهن‌مان را به سمت طرف دیگر که حساس



رفتارهایی که کودکانمان از ماکپی می‌کنند

تکرار کودکانه

الگو برمی‌دارند و دانستن این واقعیت، مسئولیت سنگینی را به دوش والدین می‌گذارد. سایت «گود من پروجکت» به نقل از پدرانی که برخی از تجارب خود از بزرگ کردن فرزندانشان را با مخاطبان این سایت به اشتراک گذاشته‌اند در این باره به هفت رفتاری که کودکان مشخصاً از والدین کپی می‌کنند، اشاره کرده که به شرح زیر است:

۱. کودکان به دقت به نحوه رفتار شما بزرگترها با والدین خودتان توجه می‌کنند و از شما الگو می‌گیرند و در نهایت شبیه همان رفتار را به شما بازمی‌گردانند.
۲. آنها در عین حال رفتار شما را با دیگر افراد تحت نظر دارند و اگر با افرادی که با شما در تماس هستند رفتار نامناسبی داشته باشید، شک نکنید که فرزندتان نیز با دیگران همان رفتار را خواهد داشت.
۳. کودکان توجه می‌کنند که شما چگونه پول و مسائل مالی خود را مدیریت می‌کنید.
۴. کودکان همواره تحت نظر دارند که والدین‌شان با افراد مسئول و بالادست به لحاظ موقعیت اجتماعی مانند مامور پلیس یا رئیس شرکت چگونه رفتار می‌کنند و چه اندازه به این افراد

کودکان مانند صفحه‌های سفید کاغذ هستند که رفتارهای بزرگترها روی آنها تکثیر می‌شود. به نوعی ما بزرگترها به عنوان مرجعی برای کودکانمان به حساب می‌آییم. کودکان از سخاوتمندی و بخشندگی شما نیز الگو می‌گیرند. پس از کمک کردن به مردم با رضایت قلبی غافل نشوید تا فرزندتان نیز از نعمت زندگی کردن با قلبی سرشار از عشق و بخشندگی نسبت به انسان‌ها و کمک به دیگران بهره‌مند شود. یکی از مهمترین نکاتی که والدین در روند تربیت فرزندانشان باید همواره به خاطر داشته باشند این است که هر روز از سوی کودکانشان به دقت تحت نظر هستند. آنها نه تنها تک تک رفتارهای والدین را زیر نظر دارند بلکه به تمام حرف‌هایی که پدر و مادرشان می‌زنند و جملاتی که به زبان می‌آورند نیز به دقت گوش می‌دهند. توجه به این نکته مهم که تمام رفتارهایمان به عنوان پدر و مادر زیر نگاه دقیق کودکانمان است، سرنخ مهمی را در زمینه تربیت آنها به دستمان می‌دهد. هر تصمیمی که ما بزرگترها می‌گیریم، هر لغتی که به زبان می‌آوریم و هر عملی که انجام می‌دهیم به دقت مورد توجه فرزندمان است و در واقع کودکان، در هر لحظه از رفتارهای ما بزرگترها

احترام می‌گذارند و در صحبت کردن درباره این اشخاص، چقدر ادب را رعایت می‌کنند. اگر شما این موضوع را رعایت نکنید فرزندتان نیز در طول زندگی‌اش هرگز به مقامات و اولیای امور که البته خود شما را نیز شامل می‌شوند، احترام نخواهد گذاشت.

۵. کودکان با دقت به درجه نظم و انضباطی که شما به عنوان پدر و مادر او در جنبه‌های مختلف زندگی دارید، توجه دارند. بنابراین اگر پر خوری کنید، زیاد بخوابید، صورت حساب‌هایتان را به موقع پرداخت نکنید و به نظم در کارهایتان اهمیت ندهید، انتظار نداشته باشید که فرزندتان خلاف این رفتار کند و فرد منظمی شود. مگر اینکه رویه خود را تغییر دهید تا کودکان نیز الگوی بهتر

مشاهده تلویزیون نیز به تدریج بیشتر می‌شود. برای دیدن تأثیر این رویه مخرب نیازی نیست جای دوری بروید؛ کافی است نوجوانان امروزی را نگاه کنید! نوجوانان امروزی نمی‌توانند روابط خوبی را در دنیایی واقعی به وجود آورند. آنها به جای اینکه به صورت حضوری با دوستانشان حرف بزنند، در حال صحبت با گوشی شخصی خود هستند که در اغلب موارد غیرضروری است.

آمار بالای تولید

مگرو: تقریباً در تمام خانه‌ها می‌توان تلویزیون، گوشی، تبلت، لپ‌تاپ و یا ترکیبی از آن‌ها را مشاهده کرد. بنابراین کودک به راحتی می‌تواند بین گزینه‌های فراوان موجود یکی را انتخاب کند، زیرا هر طرف که سرش را می‌چرخاند می‌تواند یک وسیله الکترونیکی دارای نمایشگر را ببیند. کارخانه‌های تولیدکننده نیز کار را برای کودکان راحت‌تر کرده‌اند. آن‌ها برای کسب سود بیشتر دستگاه‌های متناسب باعلاقه‌ی کودکان را تولید کرده‌اند. چه بلایی سر کودکان می‌آید؟

تبلت چه بلایی سر کودکان می‌آورد؟

جنبه‌های دیگر آن نیز نگاه کرد. اگر والدین بیش از حد به کودکان خود اجازه کار کردن با گوشی و تبلت را بدهند، آن‌ها از دنیای واقعی فاصله خواهند گرفت.

«خبره شدن به صفحه نمایشگر»

خود نمایشگر شاید مسئله اساسی نباشد. زیرا پیش از گوشی و تبلت، کودکان به تلویزیون عادت می‌کنند. بنابراین نمایشگر گوشی و تبلت چیز عجیبی نیست. مشکل زمان استفاده از آن است. انجمن متخصصین اطفال آمریکا می‌گوید که کودکان پیش از دو سالگی نباید به هیچ نمایشگری نگاه کنند. اما تقریباً ۹۰ درصد کودکان تا قبل از دو سالگی به طور منظم تلویزیون نگاه می‌کنند. زمان

بازی کودکان با تبلت، مضراتی انکارناپذیر دارد. دنیای تکنولوژی با وجود فوایدش، دارای مضراتی نیز هست. درست است که این وسایل می‌توانند در امر سرگرمی و آموزش به کار بیایند، اما باید به



روش‌های افزایش رفتارهای خوب در فرزند

یک عامل مهم است. تقویت فوری اثر بخشی بیشتری از تقویت همراه با تأخیر دارد و گاه تقویتی که با تأخیر انجام شده هیچ فایده‌ای ندارد. اصل سوم: مقدار تقویت را توصیه می‌کند. کودکان اگر ببینند والدین همیشه و در هر مورد با دلیل و بی‌دلیل همه را مورد تشویق و تمجید قرار می‌دهند. رفتار تقویت کننده اثر تقویتی‌اش را از دست می‌دهد بنابراین لازم است مقدار و میزان مناسب تقویت رعایت گردد.

اصل چهارم: توصیه می‌کند که از موقعیت‌ها و تقویت کننده‌های تازه‌تر استفاده شود. افراد موقعیت‌های جدید یادگیری و انجام فعالیت‌های تازه را به موقعیت‌ها و فعالیت‌های تکراری ترجیح می‌دهند.

روش تقویت منفی برای افزایش رفتارهای مطلوب تقویت منفی نیز سبب افزایش رفتار می‌شود. تفاوت این روش با تقویت مثبت در آن است که در تقویت مثبت ارائه یک تقویت کننده مثبت مثل یک جایزه، یک آفرین و ... رفتار مطلوب را نیرومند می‌سازد. در حالی که در تقویت منفی حذف یک عامل منفی یا فرار از آن منجر به نیرومندی رفتار می‌شود. نام دیگر تقویت کننده منفی محرک آزارنده است زیرا حضور آن در موقعیت موجب آزار فرد می‌شود و لذا حذف آن از موقعیت یا به تعویق افتادن آن سبب تقویت رفتاری از فرد می‌شود که به حذف یا به تعویق افتادن آن منجر شده است. تقویت منفی مانند تقویت مثبت از پدیده‌های معمولی زندگی روزانه است. کودکی که تازه راه رفتن را آموخته است اگر هنگام راه رفتن قدم اشتباهی بردارد زمین خواهد خورد و بخصوص عضوی از بدنش درد خواهد گرفت و بعد برای احتراز از زمین خوردن خواهد کوشید تا از انجام حرکت غلط جلوگیری به عمل آورد.

منبع: دانشنامه رشد

گاه دیده می‌شود که فرزند شما از عهده انجام کاری برمی‌آید اما آن کار را به دفعات لازم انجام نمی‌دهد. مثلاً سلام کردن را یاد گرفته است اما به ندرت به افراد بزرگتر از خود سلام می‌کند یا می‌تواند تکالیفش را انجام دهد اما در این کار سستی نشان می‌دهد. در این گونه موارد با استفاده از روش‌های افزایش رفتار می‌توان رفتار دلخواه را در او افزایش داد.

روش تقویت مثبت تقریباً همان روش متداول پاداش است که همه با آن آشنا هستند و غالباً آن را مورد استفاده قرار می‌دهند. با این حال بین پاداش و تقویت مثبت اندک تفاوتی وجود دارد که روان‌شناسان را بر آن داشته است تا به جای پاداش از اصطلاح دقیق‌تر تقویت مثبت استفاده کنند.

در پاداش دادن افراد هدف ما بطور عمده قدردانی و سپاسگذاری از اعمال گذشته آنهاست و گرچه پاداش یک رفتار معمولاً به تکرار آن می‌انجامد هدف ما از پاداش دادن رفتار ضرورتاً تکرار آن رفتار در آینده نیست.

اما در تقویت مثبت هدف الزاماً تکرار رفتار است یعنی اگر پس از تقویت یک رفتار احتمال وقوع آن رفتار در شرایط همسان آتی افزایش نیابد گفته می‌شود که تقویت صورت نگرفته است. تقویت مثبت بهترین و مؤثرترین روش افزایش رفتار است. فرایندی که در آن ارائه تقویت کننده مثبت بعد از رفتار منجر به نیرومند شدن آن رفتار می‌شود. وقتی والدین تصمیم می‌گیرند هر وقت فرزندش سلام کند یا لبخند زدن به هنگام جواب دادن به سلام، او رفتار سلام کردن آنها را تقویت کند در واقع از تقویت مثبت استفاده می‌کند.

اصول تقویت رفتارهای مثبت

اصل اول: از تقویت کننده مناسب استفاده کنید. تقویت کننده‌های مختلف بر افراد مختلف تأثیرات متفاوتی دارند. همچنین

تأثیر یک تقویت کننده واحد بر یک فرد معین در شرایط مختلف متفاوت است. بنابراین لازم است در استفاده از تقویت کننده‌ها در شرایط گوناگون و با افراد مختلف این نکته به خوبی مورد توجه قرار گیرد.

اصل دوم: فوریت تقویت



و سالم‌تری را مقابل چشمانش داشته باشد و با آن الگو، بزرگ شود.

۶. کودکان به عمق شخصیت و صداقتی که شما در زندگی به نمایش می‌گذارید، دقت می‌کنند. اگر تقلب کنید و اگر حرفتان با عملتان یکی نباشد و قصد فریب آدم‌های اطرافتان را داشته باشید و هرچند نامحسوس این کار را انجام دهید باز هم کودکان درک می‌کنند و متأسفانه از این رفتار سوءالگو می‌گیرند.

۷. کودکان از سخاوتمندی و بخشندگی شما نیز الگو می‌گیرند. پس از کمک کردن به مردم با رضایت قلبی غافل نشوید تا فرزندان نیز از نعمت زندگی کردن با قلبی سرشار از عشق و بخشندگی نسبت به انسان‌ها و کمک به دیگران بهره‌مند شود.

مؤثرات الکترونیکی و بازی‌ها اصلاً برای کودکان در

سنین پایین مناسب نیست. در واقع می‌توان گفت که کودکان هنگام کار با وسایل الکترونیکی هیچ چیزی نمی‌آموزند. آن‌ها در عوض با بازی کردن و خواندن و شنیدن مطالب، چیزهای بیشتری می‌آموزند. کودکان باید در سنین پایین اجتماعی شوند و آن‌ها این کار را با تقلید از رفتار والدین خود انجام می‌دهند. اما اگر قرار باشد که مدام به گوشی و تبلت خیره شوند، دیگر زمانی برای یادگیری باقی نمی‌ماند.

علاوه بر این موارد به مهره‌های گردن، توانایی کلامی، شور و شوق اجتماعی، میزان تمرکز و روابط عاطفی کودکان آسیب وارد می‌شود. اوتیسم نیز یکی دیگر از عواقب احتمالی استفاده بیش از حد وسایل الکترونیکی است. بنابراین، اگر دفعه بعد خواستید برای ساکت کردن کودک، به او گوشی یا تبلت بدهید حتماً به عواقب آن فکر کنید؛ شاید نیاز باشد در تصمیم خود تجدیدنظر کنید.



هشت سال جنگ تحمیلی عراق بر ایران در واقع طولانی‌ترین جنگ تاریخ معاصر دنیاست که متأسفانه عوارض اقتصادی، جسمی و مخصوصاً روانی بسیاری را بر جا نهاد و دو نسل از هموطنان ما را مستقیماً درگیر کرد

بازماندگان جنگ

زیستن در

فرح ستوده

حاشیه‌ی حماسه

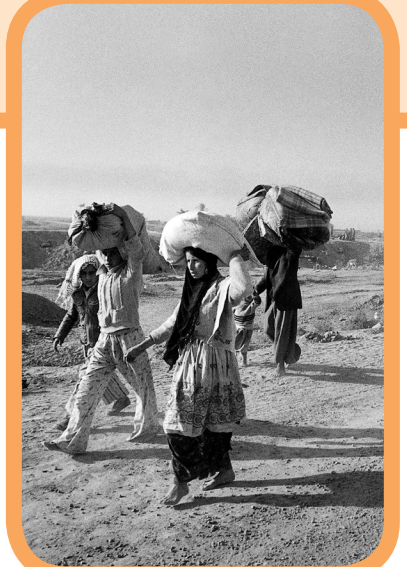
تاریخ بشری پر از حملات کشورهای زورگو به کشورهای ضعیف بوده و انسان فجایع زیادی را به چشم دیده و از پیامدهای آنها رنج برده است. غیر از جنگ گاهی فجایع طبیعی مثل زلزله، سیل، آتشفشان و... هم انسان‌های زیادی را به کام مرگ می‌فرستد و جامعه را دچار اختلالات روانی بسیاری می‌کند. واقعیت این است که بشر امروز گویی به شکلی ناگزیر درگیر احساس ناامنی و اضطراب است. فجایعی که در گوشه و کنار عالم رخ می‌دهند، متأسفانه به سرعت برق در تمام دنیا پخش می‌شوند و اخبار بد از آنجا که وسیله ارتزاق رسانه‌های جمعی هستند، همواره تیرتیرهای اصلی آنها را به خود اختصاص می‌دهند، در حالی که اخبار امیدوارکننده و شادی‌بخش ظاهراً بازار ندارند و کمتر به گوش مخاطب می‌رسند.

در میان فجایع دنیا جنگ ظالمانه‌ترین و مخرب‌ترین آنهاست، زیرا ریشه در افزون‌طلبی قدرت‌های بزرگی دارد که حرص و طمع آنها تمامی ندارد و ملت‌های مظلوم همواره قربانی مطامع آنها هستند. هشت سال جنگ تحمیلی عراق بر ایران در واقع طولانی‌ترین جنگ تاریخ معاصر دنیاست که متأسفانه عوارض اقتصادی، جسمی و مخصوصاً روانی بسیاری را بر جا نهاد و دو نسل از هموطنان ما را مستقیماً درگیر کرد.

همواره این پرسش مطرح بوده است که کشورهای درگیر با جنگ برای بازماندگان جنگی چه می‌کنند و در ایران چه برنامه‌هایی برای آنها اجرا شده است. در این میان متأسفانه گاهی شنیده می‌شود عده‌ای حتی نسبت به همین اندک کمک‌هایی که به این قشر مورد ظلم واقع شده می‌شود، اعتراض دارند، غافل از اینکه کشورهای دیگر، از جمله آمریکا که خود مسبب راه‌اندازی اغلب این جنگ‌هاست امتیازات ویژه‌ای را برای این قشر از جامعه قابل است و تاکنون هم نه تنها کسی به این امتیازات اعتراضی نداشته است، بلکه برعکس نهادهای مردمی تلاش می‌کنند امتیازات بیشتری را برای بازماندگان جنگ‌هایی که مبنای اغلب آنها تجاوز به کشورهای مظلوم بوده است بگیرند. اشاره مختصری به این امتیازات شاید انصاف افرادی را که طی این سال‌ها با انواع و اقسام نیش و کنایه‌ها همین خدمات محدود و غالباً ناکافی به جنگ‌زدگان ایران را زیر سؤال برده‌اند، بار دیگر به یادشان بیاورد و از منتظر جدیدی به موضوع نگاه کنند.

با اینکه آمریکا سردمدار کشورهای متجاوز به خاک دیگران است، به بازماندگان جنگ‌های خود امتیازات ویژه‌ای را اختصاص می‌دهد که برخی از آنها عبارتند از:





- ۴- برنامه‌های هنری برای حفظ و گسترش و فرهنگ اسلامی در بین جنگ‌زدگان
- ۵- برنامه‌های پزشکی و بهداشتی
- ۶- تلاش برای کارایی برای مهاجران جنگی

غیر از مسائل رفاهی، پزشکی و آموزشی مهم‌ترین پیامدهای جنگ اختلالات روحی و روانی هستند که هم تشخیص و هم درمان آنها بسیار دشوار است. یکی از راه‌های بسیار مؤثری که کشورهای پیشرفته برای درمان عوارض ناشی از حوادث و فجایع پیشنهاد می‌کنند تحرک جسمی، به‌خصوص در قالب ورزش‌های جمعی است، موضوعی که به‌شدت در جامعه ما مورد غفلت قرار گرفته و چاقی همگانی گواه صادقی بر آن است. ورزش آستانه تحمل انسان را بالا می‌برد، خلاقیت را تقویت می‌کند و به انسان‌ها تعادل روحی و جسمی می‌دهد.

از یاد نبریم شهدای ما و خانواده‌های آنان بهای امنیت و آرامش کشور ما را آن هم در منطقه‌ای به‌شدت بحران‌زده و ناامن با جان و سلامتی خود و با تحمل عوارض جسمی و روانی بسیار پرداخته‌اند.

غربی، از جمله انگلستان، فرانسه و آلمان هم تقریباً به همین شکل است.

طبق آخرین آمارگیری که در سال ۶۱ در ایران انجام شد، جنگ‌زدگان ایران حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر برآورد شد. متأسفانه متولیان امور جنگ‌زدگان آمار دقیقی از وضعیت آنها، چگونگی مهاجرت و محل اسکان آنها ندارند. اگر هم گاهی در فیلم و سریال‌ها به این گروه اشاره می‌شود، تصویر روشنی نیست و نمی‌توان از این طریق به وضعیت واقعی آنها پی برد. بنیاد امور مهاجرین جنگ تمحیلی که مدتی تحت نظر وزارت کار و امور اجتماعی کار می‌کرد، وظایف خود را بر این محورها متمرکز کرد:

- ۱- برنامه‌های رفاهی شامل پرداخت مستمری، حمایت اقتصادی از طلاب و دانشجویان
- ۲- برنامه اسکان جنگ‌زدگان شامل تدارک شهرها، مجتمع‌ها و خوابگاه‌ها، پرداخت اجاره بها و هزینه تعمیرات.
- ۳- برنامه‌های آموزشی.

برگزاری مراسم یادبود و تقدیر از کشته‌شدگان و بازماندگان جنگ، این مراسم هر سال در آخرین دوشنبه ماه می به طرز باشکوهی برگزار می‌شود. در این روز برای گرامیداشت این گروه، فیلم‌های مهم جنگی تاریخ سینمای آمریکا به نمایش گذاشته می‌شوند، از جمله فیلم‌های «از اینجا تا ابدیت» و «نجات سرباز رایان». همه ساله مدال افتخار به قهرمانان جنگ داده می‌شود که بالاترین نشان ارتش امریکاست و تاکنون فقط ۹۵ نفر موفق به دریافت این مدال شده‌اند. نکته حیرت‌انگیز آن است که در مراسم تقدیر حتی از حیواناتی هم که به نوعی در کنار نیروهای نظامی با دشمن روبرو شده و آسیب دیده‌اند، با لوح و مدال تقدیر و امکانات نگهداری از آنان به بهترین نحو ممکن فراهم می‌شود. از جمله به سگی که چند تن از دشمنان را زخمی کرده و سرباز امریکایی را نجات داده بود، مدال داده شد.

بازماندگان جنگ در آمریکا از تحصیل و خدمات پزشکی رایگان تا آخر عمر بهره‌مند هستند و به کسانی که در جنگ‌ها آسیب جسمی یا روحی دیده‌اند تا پایان عمر حقوق پرداخت می‌شود. این افراد از تسهیلات مسکن هم برخوردار هستند. در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، بیوه‌زنان بازمانده از سربازان کشته شده در جبهه‌ها کلاً از پرداخت مالیات معاف هستند. وزارت مسکن و شهرسازی آمریکا برای تأمین مسکن کمک هزینه‌های خوبی را به بازماندگان جنگ می‌پردازد و در مورد اجاره، ۷۰ درصد مبلغ اجاره را پرداخت می‌کند و بقیه به عهده بازمانده جنگی است. پرای اینکه به خانواده‌ای مقرری تعلق بگیرد، ضرورتاً سرپرست خانوار نباید در جنگ کشته شده باشد، بلکه ۹۰ روز حضور او در جبهه‌های جنگ کافی است. اینها گوشه‌هایی از خدماتی هستند که به بازماندگان جنگ در آمریکا ارائه می‌شوند، با تمام اینها همان‌طور که اشاره شد، بسیاری از مؤسسات و نهادهای خصوصی معتقدند در حق این افراد ظلم شده است و تلاش می‌کنند به آنها کمک کنند. این وضعیت در سایر کشورهای



یکی از ویژگی‌های اخلاقی شهید چمران این بود که نمی‌خواست به تنهایی رویدادهای پاره را بر عهده بگیرد، لذا به من گفت: «فرمانده سپاه منطقه، آقای وصالی بوده و شما بروید و از او بپرسید»

حماسه آفرین...

گفتگو با مریم کاظم زاده، خبرنگار دوران جنگ

بازخوانی مظلومیت پاه و وصالی

○ سیده زینب اسکندریان



شناخت مختصری از او به من دادند که ایشان فردی سخت‌گیر و بسیار جدی است؛ من با این ذهنیت، با آقای وصالی روبه‌رو شدم؛ هر چه که دوستان گفته بودند در نظر من توان گرفت؛ او فردی بسیار سخت‌گیر و جدی بود و با توجه به شرایط جوانی نمی‌توانستم این را بپذیرم که کسی به درخواستم پاسخ «نه» بدهد.

وقتی که جریان پاره را از شهید وصالی پرسیدم، او در حالی که با من رو در رو نشد و به کار خود ادامه می‌داد، به من گفت: «اصلاً شما خبرنگارها برای چی به اینجا آمدید؟» گفتم: «حُب، حرفه و کارم اینجا می‌کند از نزدیک ماجراها را ببینم» ایشان گفتند: «اگر می‌خواستید از نزدیک از این ماجراها باخبر شوید، باید شب‌ها و روزهای پاره را در اینجا حضور داشتید. بعد هم بیشتر خبرنگارها کسانی هستند که پشت میز می‌نشینند و خبرها را مخابره می‌کنند. شما به تهران بروید و پشت میزتان بنشینید و از طریق تلکس‌ها راحت‌تر اخبار را پیگیری کنید».

از این حرف شهید وصالی خیلی ناراحت شدم و گفتم: «من الان در شرایط خطرناک مریوان هستم و انصاف نیست که شما به من نه بگویید و اینگونه برخورد کنید».

با دلخوری به پادگان برگشتم؛ صبح روز بعد، دکتر چمران من را با یک گروه برای دیدن منطقه راهی کردند، اما نمی‌دانستم که سرپرست گروه، شهید وصالی است.

دکتر چمران وقتی که می‌خواست ما را راهی کند به شهید وصالی گفت: «من این خانم خبرنگار را سالم تحویل دادم، ایشان را سالم برمی‌گردانید» شهید چمران به من گفت «استی مصاحبه پاره را گرفتید؟» گفتم: «خیر، رفته با آقای وصالی مصاحبه بگیرم اما ایشان حرفی نزدند».

به همراه گروه شهید وصالی راهی منطقه شدیم؛ مأموریت سختی بود؛ اما پا در میانی شهید چمران، آن سردی و خشکی ارتباط را رفع کرد. و اواخر پاییز ۱۳۵۸ ازدواج کردیم.

– از مهمترین خصوصیات فردی ایشان؟

اگر زندگی شهدا را با دقت بررسی کنیم بعضی از ویژگی‌هایشان مشترک است. مثل صداقت،

شده و دوره‌های چریکی را در میان مبارزان فلسطینی بگذرانند. بعد به ایران آمد و زندگی مخفی خود را شروع کرد تا این که بازداشت شد.

اول به اعدام و بعد با یک درجه تخفیف به حبس محکوم شد؛ در اواخر سال ۵۶ هم بعد از پنج سال و نیم حبس، از زندان آزاد شد.

با پیروزی انقلاب، انتظامات زندان قصر را تشکیل داد و در سال ۵۹ وارد سپاه شد. از بنیان‌گذاران اصلی بخش اطلاعات سپاه بود و مدتی هم فرماندهی بخش اطلاعات خارجی سپاه را به عهده گرفت. ولی از آن جایی که روحیه اش با امور اداری و سستادی سازگار نبود، مسئولیتش را در ستاد کل سپاه رها کرد و وارد مبارزه مستقیم با ضد انقلاب‌ها شد.

– نحوه آشنایی‌تان با شهید وصالی؟

بعد از مدتی درگیری‌های کردستان شروع شد؛ این درگیری‌ها فرصتی بود که از نزدیک کار خبرنگاری و عکاسی را تجربه کنم؛ برای کسب اطلاعات درست از اوضاع کردستان و تطبیع آن با اخبار رسانه ملی کشور راهی کردستان شدم.

بنده در مریوان با دکتر چمران آشنا شدم؛ بعد از جریان پاره دوست داشتم ماجرای پاره را از دکتر چمران بپرسم. یکی از ویژگی‌های اخلاقی شهید چمران این بود که نمی‌خواست به تنهایی رویدادهای پاره را بر عهده بگیرد، لذا به من گفت: «فرمانده سپاه منطقه، آقای وصالی بوده و شما بروید و از او بپرسید» و بعد از شام من هم صحبت‌های آقای وصالی را کامل می‌کنم و مفصل‌تر برای شما از آنچه که منظر من بوده تعریف کنم».

دوربین و ضبط را برداشتم و به پادگان مریوان رفتم؛ قبل از مراجعه به اصغر وصالی، در ابتدا دوستان

– در ابتدای صحبت خودتان را معرفی فرمایید. مریم کاظم زاده، متولد شیراز هستم. ابتدا ریاضی و سپس در رشته هنر تحصیل کرده‌ام.

– شهید اصغر وصالی را معرفی کنید؟

علی اصغر وصالی طهرانی فرد (اصغر وصالی) در اسفند سال ۱۳۲۹ ماه محرم در منطقه دروازه دولاب تهران به دنیا آمد. دوران کودکی پر از تحرک و شیطنیت داشت. در سن ۱۳ سالگی همگام با درس و کلاس‌های قرآن مبارزات سیاسی خود را آغاز کرد و در واقعه سال ۵۲ شرکت کرد. در جریان انقلاب، چون در چاپخانه کار می‌کرد، اعلامیه‌های حضرت امام (رحمه الله) را منتشر کرد و بعدها توانست به سختی از ایران خارج





وصالی خیلی مظلوم واقع شدند حتی بین دوستان و همزمانش. اصغر وصالی مظلوم‌تر از آن است که حالا حالا شناخته شود.

- دستمال سرخ‌ها چه کسانی بودند؟

دستمال سرخ‌ها عده‌ای یار باوفا و با اعتقاد که نقطه مرکزیت‌شان شهید وصالی بود. این گروه در سال ۵۸ یارگیری کردند. یک گردان پنجاه نفری با فرماندهی اصغر که همه اعضای این گروه، دستمال سرخی به گردن‌شان می‌بستند. به قول جهانگیر جعفرزاده: «این دستمال که ما می‌بندیم، جزء قرارمونه. طوقیه که به گردن‌مون می‌فخته. یادگار خون رفقا؛ می‌خواهیم تا وقتی زنده هستیم یادمون باشه که بچه‌ها برای چی شهید شدن و راهشون چی بود.»

از عمده ویژگی‌های این گروه اعتماد دو طرفه بین اعضا و فرمانده گروه بود و اعتقاد و آگاهی از راهی که انتخاب کرده بودند. هر چه بود، جبهه‌های سومار و بازی دراز و گیلان غرب جولانگاه دستمال سرخ‌ها بود. عرصه را بر ضد انقلاب تنگ کرده بودند.

- و حرف آخر؟

درد ناگفته خانواده شهید این است که فقط به نام شهید بسنده نکنیم برای ما راه شهید مهم است. شهید ما خیلی مظلوم هستند. مظلومیت آنها درست مانند واقعه کربلاست و همین امر باعث تأثیرپذیری جامعه می‌شود.

با وجود قهرمانی و رشادت‌های اصغر وصالی ایشان به فراموشی سپرده شده بود تا اینکه آقای حاتمی کیا توانست ایشان را در کنار یک قهرمان دیگر آن هم در ۴۸ ساعت به جامعه معرفی کند. و با این اثر یاد اصغر وصالی در کشور جان گرفت.

خانواده شهید احتیاجی به عکس شهید ندارند برای ما راه شهید مهم است که متأسفانه در جامعه ما جای اهم و مهم عوض شده، در جامعه‌ای که احتیاج به معرفی قهرمانان جنگ برای نسل جدید دارد چرا ۳۵ سال اصغر وصالی نادیده گرفته شد؟ و از ایشان یاد نمی‌شد؟ این روزها نیاز جامعه ما راه شهید است.

سرشان بودم. شب قبل، خواب دیده بودم یک سید قد بلند بستمای را که مال من بود و می‌گفتند امانت است را از من می‌گیرد، ابتدا مخالفت می‌کردم، اما در آخر با بغض گفتم: «بگیرید بردارید، دیگر مال من نیست». خواب را فراموش کرده بودم. و درست بالای سر شهید وصالی خاطر امدم. گفته‌های خود وصالی را هم در مورد شکنجه‌هایی که در زندان شاه در ظاهر عاشورایی به او داده بودند به خاطر امدم. اصغر وصالی می‌گفت: وقتی آن روز بعد از شکنجه‌های ساواک به هوش آمدم خدا می‌داند چقدر اشک ریختم که چرا خداوند مرا لایق شهادت ندانسته است. همه اینها در ذهنم به حرکت در آمده بود. نفسم تنگ شد، هوا سنگین بود، دیدم وصالی نمی‌تواند نفس بکشد. داد کشیدم. هی روی سینه‌اش فشار دادم. قلبم گرفت. یاد روز عاشورا افتادم. روز شهادت اصغر مصادف شده بود با چهلم برادرش اسماعیل. مزارش در قطعه ۲۴ بهشت زهراي تهران، کنار برادرش و در میان یارانش یعنی گروه دستمال سرخ‌ها است.

- ماندگارترین خاطره از روزنامه

تمام لحظات یک خبرنگار پر از خاطره است. ماندگارترین کار خبرنگار به خصوص در آن دوران همان کارهایی است که نمی‌تواند بنویسد و تا آخر عمر با آن شخص می‌ماند.

- اصغر وصالی فیلم «ج» چقدر به اصغر وصالی دنیای واقعی نزدیک بود؟

آقای بابک حمیدیان به لحاظ چهره و وضعیت بدنی نقطه مقابل شهید وصالی بود. ولی ایشان خیلی سعی کرده بود ۴۸ ساعت پر از التهاب پاوه را همان‌طوری که اصغر وصالی در آن حضور داشت را نقش‌آفرینی کند. ای کاش در آن ۴۸ ساعت، مهربانی‌ها و تنهایی وصالی بعد از شهادت نیروهایش را نیز به بیننده نشان می‌دادند.

- کدام کتاب را برای معرفی شهید وصالی بهتر می‌بینید؟

من معتقدم هنوز کتابی در مورد شهید وصالی نوشته نشده که کوچکترین حق مطلبی را در مورد ایشان ادا کرده باشد. با صدای بلند اعلام می‌کنم که شهید اصغر

ایمان خودشناسی، خودباوری و آگاهی از کاری که می‌خواهند انجام بدهند. شهیدای رده اول ما به دلیل دارا بودن این ویژگی‌های اخلاقی توانستند مقام والای شهادت را از آن خود کنند و راه را برای کسانی که تابع آن‌ها هستند باز کنند. اگر شهدای اول جنگ این ویژگی‌های را نداشتند به طور قطع ۸ سال مقاومت آن طوری که ما شاهدش بودیم و تاریخ گواهی‌ها هست نمی‌توانست شهید پرور باشد.

- فعالیت شما در زمینه دفاع مقدس از کی شروع شد و چرا؟

من در خانواده مذهبی بزرگ شدم که در بطن جریانات سال ۴۲ قرار داشت. خانواده‌ام برای دور کردن من از فضای سیاسی بعد از گرفتن دیپلم، مرا برای ادامه تحصیل به انگلیس فرستادند. در آنجا با خانم مرضیه حدیدیچی (خانم دیباغ) آشنا شدم و فعالیت‌های سیاسی من شروع شد. برای ملاقات با امام (ره) راهی فرانسه شدم. اولین چیزی که به ذهنم رسید این بود که از امام پرسیم، آیا یک دختر مسلمان می‌تواند خبرنگار باشد یا خیر؟ امام با خط خودشان برام نوشتند: «اصل رشته اشکال ندارد، مگر اینکه حجاب رعایت نشود» این پاسخ یعنی انتخاب راه.

- ماندگارترین خاطره شما از شهید وصالی؟

ماندگارترین خاطره من بر می‌گردد به همان روزهایی که با هم به سرپل ذهاب رفته بودیم، اولین روزهای جنگ در منطقه که نیروها با دست خالی ولی با اعتقاد، رشادت و شجاعت با دشمنی که مجهز به انواع سلاح بود مقابله کردند و توانستند باعث عقب‌نشینی عراقی‌ها از سرپل ذهاب تا چند کیلومتری قصر شیرین شوند.

- زمان شهادت شهید وصالی همراه ایشان بودید؟

نزدیک ظهر عاشورا بود در منطقه گیلانغرب بودیم اصغر وصالی و علی قربانی برای شناسایی قبل از عملیات به منطقه ای به نام «تنگه حاجیان» می‌روند. از صبح التهاب عجیبی داشتیم. از ناحیه سر مجروح شده بود که بعد از نماز مغرب و عشا به من خبر دادند. به بیمارستان اسلام آباد رفتم. و تا زمان شهادت بالای

شرایط عفو یا قصاص قاتل و دیه

بخشش پای چوبه‌دار

اولیای دم به چه اشخاصی گفته می‌شود؟

اولیای دم به کسانی گفته می‌شود که قصاص و عفو قاتل در اختیارشان است و در واقع اولیای دم همان ورثه مقتول هستند به استثنای شوهر یا زن که در قصاص یا عفو نقشی ندارند. البته اگر اولیای دم با قاتل به سازش رسیدند سهم زن یا شوهر از دیه محفوظ خواهد بود.

اگر مقتول مردی باشد و علاوه بر پدر و مادر دارای همسر هم باشد و همسرش گذشت کند آیا برای اجرای حکم قصاص، پدر و مادر متوفی باید سهم دیه زوجه (همسر) را بدهند؟

خیر، همسر مقتول چه گذشت کند و چه گذشت نکند سایر اولیای دم می‌توانند قاتل را قصاص کنند و نباید برای اجرای قصاص مالی به زوجه مقتول بدهند.

اگر اولیای دم متعدد باشند برای مثال مقتول دارای دو فرزند، پدر و مادر باشد و عده‌ای از آنان خواستار قصاص و عده دیگر خواهان دیه باشند چه باید کرد؟

اگر اولیای دم متعدد باشند موافقت همه آنها برای قصاص لازم است و اگر همگی خواهان قصاص باشند قاتل قصاص می‌شود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، شخص یا اشخاصی که خواهان قصاص اند هنگامی می‌توانند قصاص کنند که سهم سایر اولیای دم را که خواهان دیه هستند بپردازند و اگر بعضی از اولیای دم به طور رایگان عفو کنند دیگران می‌توانند پس از پرداخت سهم عفوکنندگان به قاتل، او را قصاص کنند.

آیا اگر یکی یا چند نفر از اولیای دم که حق قصاص دارند قبل از قصاص قاتل، فوت کنند، قصاص ساقط می‌شود؟

با فوت هر یک از اولیای دم در هر مرحله از رسیدگی کیفری به پرونده (چه در دادسرا و چه در دادگاه) حق اجرای قصاص به ورثه متوفی منتقل می‌شود و در واقع همان حقی را که برای قصاص یا عفو مورث‌شان داشته، آنان دارا هستند.

خیر، هرگاه قاتل بمیرد قصاص و دیه هر دو ساقط می‌شود. اما اگر اولیای دم خواهان قصاص قاتل باشند و دادگاه عمل قاتل را غیرعمد تشخیص دهد و قاتل فوت کند اولیای دم می‌توانند از ورثه قاتل، دیه اخذ کنند.

اگر قاتل پس از ارتکاب جنایت و قتل عمد فرار کند آیا قصاص تبدیل به دیه می‌شود؟

اگر قاتل فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ قاتل، قصاص تبدیل به دیه می‌شود و ورثه‌اش باید دیه به خانواده مقتول بپردازند. اما اگر قاتل پس از انجام قتل و تا قبل از آنکه مرگش فرارسد، فرار نکرده باشد ورثه‌اش مسئولیتی برای پرداخت دیه نخواهند داشت یعنی فرار قاتل و عدم دسترسی به او تا زمان مرگ موجب خواهد شد تا پس از مرگ، وراث او مسئول پرداخت دیه به ورثه مقتول باشند. البته باید توجه داشت دیه ابتدا از مال قاتل پرداخت می‌شود و اگر مالی نداشته باشد از اموال نزدیک‌ترین خویشان او پرداخت می‌شود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد و یا اینکه نزدیکان او قدرت مالی نداشته باشند، پرداخت دیه از طریق بیت‌المال صورت می‌گیرد.

اگر مردی، زنی را بکشد قصاص یا تراضی و توافق برای میزان دیه چگونه است؟

در این حالت اولاً: اولیای دم مقتول می‌توانند با پرداخت نصف دیه کامل قصاص کنند. ثانیاً: در صورت اعلام گذشت، قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن با آنها مصالحه نماید.

قتل یکی از گناهان کبیره محسوب می‌شود و در شرع حرام شناخته شده و مرتکبان آن مستوجب مجازات هستند. در عین حال صاحبان خون یا اولیای دم به عفو و بخشش نیز سفارش شده‌اند. قتل عمد موجب قصاص است ولی با رضایت ولی دم، قاتل قصاص نمی‌شود و با موافقت او قصاص تبدیل به دیه می‌شود.

دیه ای که قاتل باید بپردازد به چه میزان است؟

گرچه دیه کامل معادل بهای یکصد شتر است ولی اولیای دم و قاتل می‌توانند به مقدار دیه کامل یا کمتر و یا بیشتر از آن توافق کنند.

آیا با رضایت اولیای دم و گذشت آنان قاتل از زندان آزاد می‌شود؟

هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده و اولیای دم رضایت دهند در صورتی که عملش موجب اخلاف در نظم جامعه شود یا بیم آن رود که دیگران نسبت به قانون متجری شوند دادگاه می‌تواند قاتل را به حبس از سه تا ده سال محکوم کند. فرقی نمی‌کند که رضایت اولیای دم بعد از صدور حکم قصاص باشد یا قبل از آن و حتی پس از صدور حکم قصاص و قطعیت حکم. لذا چنانچه اولیای دم رضایت دهند دادگاه کیفری استان، قاتل را از حیث جنبه عمومی جرم محاکمه می‌کند که البته این رأی در دیوان عالی کشور قابل اعتراض و تجدید نظر خواهی است.

اگر قاتل بمیرد می‌توان از ورثه قاتل دیه گرفت؟

چنانچه یکی از اولیای دم مقتول در زمان قتل دختری ۱۴ ساله باشد آیا سرپرست قانونی او باید درخواست قصاص کند؟

چون در زمان قتل این شخص بالغ زیر ۱۸ سال می‌باشد و اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال برای امور مالی‌شان فقط وابسته به سرپرست قانونی خود مانند قیم یا ولی قهری هستند و در غیر امور مالی از جمله قصاص مستقل عمل می‌کنند لذا قیم یا ولی قهری این شخص که در زمان قتل بالغ بوده نمی‌تواند به جای او تصمیم‌گیری کنند و گذشت آنها تأثیری ندارد و تصمیم‌گیری در مورد قصاص با همان دختر است.

اگر مقتول ورثه و اولیای دم نداشته باشد آیا قاتل از قصاص معاف می‌شود؟

چه مقتول ورثه نداشته باشد و چه داشته باشد ولی ورثه‌اش شناخته نشوند یا به آنها دسترسی نباشد (برای مثال ورثه او در افغانستان باشند و در منطقه‌ای زندگی کنند که دسترسی به وی ممکن نباشد و ...) ولی دم مقتول مقام معظم رهبری یعنی ولی امر مسلمین است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از ولی امر و تفویض اختیار به دادستان‌ها نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه اقدام می‌کند.

آیا اگر مقتول قبل از فوت، قاتل را ببخشد اثری دارد؟

اگر مقتول قبل از مرگ، اعلام گذشت کند و قاتل را از قصاص عفو نماید حق قصاص از ورثه او ساقط می‌شود و اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ مورث‌شان تقاضای قصاص کنند و حتی عده‌ای معتقدند که اگر مقتول قبل از

مرگ، قصاص و دیه را ببخشد و قاتل را عفو کند ورثه حتی حق مطالبه دیه هم ندارند.

اگر شخصی قاتل را فراری دهد، چه مسئولیتی دارد؟

اگر شخصی که قاتل را فراری داده موظف است او را تحویل دهد و هرگاه به تشخیص قاضی، شخص فراری دهنده در انجام وظیفه‌اش کوتاهی کرده باشد می‌تواند تا زمان معرفی قاتل او را در حبس نگاه دارد و اگر قاتل قبل از تحویل بمیرد فرد فراری دهنده ضامن دیه مقتول است.

اگر قاتل پس از ارتکاب جرم به کشور دیگری فرار کند چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟ آیا فرار او موجب سقوط حق قصاص می‌شود؟

اگر بتوان متهم فراری را از طریق اعمال مقررات استرداد مجرمین به کشور بازگرداند و محاکمه کرد (به شرط آنکه قاتل تبعه کشور ایران باشد) او به کشور بازگردانده می‌شود و اگر دستگیری و استرداد متهم مقیم خارج از کشور به جهت عدم وجود قرارداد استرداد مجرمین با کشوری که قاتل به آنجا گریخته، امکان پذیر نباشد، از آنجا که قاتل در قید حیات است نمرده و نمی‌توان گفت که قصاص تبدیل به دیه شده و ورثه مقتول می‌توانند از اموال قاتل برداشت کنند یا ورثه قاتل و یا دولت و بیت‌المال را مسئول پرداخت دیه دانست.



در اینکه عوامل بیرونی در شادی و اندوه انسان مؤثرند و انسان از محیط خود تأثیر می‌پذیرد هیچ‌گونه تردیدی نیست، ولی نکته مهم این است که انسان باور کند درون خود جهانی دارد که جهان بیرون در مقایسه با آن بسیار حقیر و کوچک است

از داشته‌هایمان لذت ببریم

● تهمینه مهربانی

«من که نابینا و ناشنوا هستم، به تمام کسانی که می‌توانند ببینند و بشنوند و از این نعمت‌های بزرگ برخوردار هستند می‌گویم از چشم‌هایمان طوری استفاده کنید انگار همین فردا نابینا خواهید شد. صداها، نغمه پرنده، آوای شکوهمند جویبار، ملودی دل‌انگیز یک ارکستر و تمام صداها زیبا و جهان را طوری بشنوید که گویی همین فردا ناشنوا خواهید شد. همه دنیا را به گونه‌ای لمس کنید انگار همین فردا حس لامسه‌تان را از دست خواهید داد. عطرهای تمام گل‌های دنیا را ببویید و هر لقمه‌ای را که فرو می‌دهید با شوق، شور و عشق مزه کنید گویی از فردا دیگر نمی‌توانید چیزی را ببویید یا بچشید. از هر حس، لحظه و فرصتی نهایت بهره را ببرید تا ببینید دنیا چگونه در پیچه‌های شادی و زیبایی خود را به روی شما می‌گشاید و شکوه و جلال زنده بودن را حس خواهید کرد.»

در اینکه عوامل بیرونی در شادی و اندوه انسان مؤثرند و انسان از محیط خود تأثیر می‌پذیرد هیچ‌گونه تردیدی نیست، ولی نکته مهم این است که انسان باور کند درون خود جهانی دارد که جهان بیرون در مقایسه با آن بسیار حقیر و کوچک است و به عنوان جانشین خداوند روی زمین می‌تواند همه صفات خدایی را در ابعادی محدود به توانایی‌های بشری خود داشته باشد. عوامل بیرونی مهم هستند، اما بالاتر از آن چگونگی برداشت ما از این عوامل هستند که سرنوشت و چگونگی خود ما و دنیای پیرامونی ما را رقم می‌زنند. اگر این باور در ما نهادینه شده باشد که «دنیا مزرعه آخرت است» در آن بذر شادمانی، امید، مهربانی، خوش‌بینی و زیبایی می‌کاریم، چون هر عقل سلیمی باور دارد «گندم ز گندم بروید جو ز جو».

در این تردیدی نیست که انسان‌های واخورده، بدبخت، افسرده و ناتوان بسیار دوست دارند تا دیگران هم به باشگاه آنها بپیوندند تا بتوانند ملودی‌های دردناک و زنجیره‌های بی‌پایان خود را هر چه رساتر به گوش مردم دنیا برسانند. آنان شبانه‌روز روی این سناریو کار می‌کنند که به دیگران بقبولاند دنیا جای خوبی نیست، همه آدم‌ها بد هستند، انسانیت مرده است و همه سوءاستفاده‌چی هستند و خلاصه زندگی ارزش ندارد. طرفه این است که اتفاقاً این آدم‌ها بسیار بیشتر از دیگران به «همه چیز» می‌چسبند و وابستگی به هر چیز و هر کسی در آنان به حد اعلاست. آدم‌های بدبخت از اینکه کسی را راضی، شاد، موفق و خوشبخت ببینند دق می‌کنند. به همین دلیل بهترین پادزهر برای مقابله آنان بحث و گفتگو نیست، بلکه موفق و شاد بودن است. دنیا سرشار از گنجینه‌ها و نعمت‌های الهی است که به دلیل بدبینی بودن از آنها غافل می‌شویم. بزرگ‌ترین داشته نعمت حیات است. اگر لحظه‌ای به این نکته بیندیشیم که چه سرمایه عظیمی به نام زندگی داریم که به امکان عشق ورزیدن، محبت کردن، تلاش، همدلی و... می‌دهد، هر روز صبح که دیده می‌کشاییم، از صمیم دل خدا را شکر می‌کنیم که

البته گاهی طبیعی است به قدری مشغول دغدغه‌ها و افکار خود باشیم که متوجه پیرامون خود نشویم و یا به حوادثی که در دنیای ما روی می‌دهند توجه نکنیم، اما اگر این نحوه زندگی برای ما به صورت اعتیاد در آید و همواره در خود فرو رفته و غافل باشیم، از چیزی لذت نمی‌بریم و تا وقتی که نعمت‌های زندگی را از دست می‌دهیم، متوجه داشته‌هایمان نمی‌شویم.

خواندن زندگی‌نامه هلن کلر و انسان‌های بزرگ مثل او به شکلی مستمر و به قول بزرگی سه بار در روز می‌تواند مهارت دیدن داشته‌ها و نیمه پر لیوان را به ما بیاموزد. هلن کلر در نوزده ماهگی در اثر یک بیماری شنوایی و بینایی‌اش را از دست داد، در خاطراتش می‌نویسد اگر فقط سه روز این نعمت‌ها را به او باز می‌گرداندند چه کارهایی انجام می‌داد. او با حیرت از دوستی حرف می‌زند که پس از یک پیاده‌روی یک ساعته در جنگل به دیدار او می‌آید. وقتی هلن از دوستش می‌پرسد: «خب! در جنگل چه دیدی؟» او پاسخ می‌دهد: «چیز خاصی ندیدم!» هلن کلر غرق حیرت می‌شود که چگونه ممکن است انسان یک ساعت در جنگل قدم زده باشد و هیچ «چیز خاصی» که ارزش بازگویی و یادآوری داشته، ندیده باشد؟ سپس می‌نویسد منی که نه چشم دارم و نه گوش می‌توانم هزاران نکته از یک گردش یک ساعته در جنگل برای شما بگویم. می‌توانم از بازی نسیم روی پوست صورتم ساعت‌ها برای شما حرف بزنم. می‌توانم جنس تک تک تنه‌های درختان، برگ‌ها، علف‌ها، شن‌ها و... را برایتان توضیح بدهم. می‌توانم از خنکی آبی که از زیر پاهای برهنه من عبور می‌کند ساعت‌ها و بلکه روزها برایتان بگویم. می‌توانم از بوهای لطیف، متنوع و جالبی که شنیده‌ام برایتان حرف بزنم.

هلن کلر پس از توصیف احساسات دلنشین خود از دنیایی که در آن زندگی می‌کند، نهایتاً این توصیه زیبا را به تمامی انسان‌های دنیا می‌کند:

همه ما هلن کلر را می‌شناسیم. او نزدیک به یک قرن پیش به دنیا آمد و توانست خواندن و نوشتن را یاد بگیرد. شاید این‌ها از نظر ما کارهای بزرگی به نظر نرسند، ولی وقتی به این فکر کنیم که هلن کلر هم ناشنوا بود و هم نابینا، آن وقت توانایی خواندن و نوشتن رنگ معجزه به خود می‌گیرد. برای یک لحظه چشم‌هایمان را ببندیم و گوش‌هایمان را محکم بگیریم به طوری که نتوانیم صدایی را بشنویم. هلن کلر در چنین دنیای تاریک و ساکتی زندگی می‌کرد. در دوره هلن کلر برای کودکان نابینا و ناشنوا مدرسه زیادی وجود نداشت و تعداد افراد نابینایی که می‌توانستند بخوانند و بنویسند بسیار کم بود، اما هلن کلر هم توانست این کارها را بکند و هم کارهای عظیمی را انجام داد که کمتر کسی قادر بود انجام بدهد.

زندگی ما بیش از هر چیزی حاصل انتخاب‌های خود ماست. از خود بیرسیم واقعاً هر روز برای دیدن جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، آسمان، زمین، طبیعت، اسرار آنها و مخصوصاً انسان‌های دیگر چقدر وقت صرف می‌کنیم؟ آیا وقتی سر در گریبان سر کار می‌رویم متوجه آدم‌های مشتاقی که فقط منتظر یک سلام ساده و نگاهی محبت‌آمیز از ما هستند می‌شویم؟ آیا به اندازه کافی نگاه می‌کنیم حرکات زیبای کودکی را که شادمانه جست و خیز می‌کند و غمی ندارد ببینیم؟ آیا آن پیرمرد سالخورده را می‌بینیم که کار ساده‌ای مثل عبور از خیابانی پرترافیک برایش تبدیل به یک غیرممکن شده و با اندک توجهی از سوی ما می‌تواند بر این مشکل بزرگ غلبه کند؟



طرز تهیه لبوپلو



فصل پاییز مثل همه فصل‌های دیگر تنوع غذایی خاص خود را دارد. با توجه به اینکه در این فصل دسترسی به لبو زیاد است، بهتر دیدیم طرز تهیه لبوپلو را برای شما عزیزان آموزش دهیم. حتما یک بار شده امتحان کنید.

مواد اولیه برای ۴ نفر:

مرغ ۱ کیلو
لبو ۴ عدد
اسفناج (پخته) ۱۰۰ گرم
برنج ۴ پیمانه
پیاز ۱ عدد
زعفران (ساییده) ۱ قاشق چایخوری
نمک به میزان لازم
فلفل به میزان لازم
روغن به میزان لازم



طرز تهیه:

ابتدا مرغ را با استفاده از افزودنی‌های دلخواه می‌پزیم و بعد به صورت ریش ریش در می‌آوریم. در ظرفی مناسب کمی روغن داغ می‌کنیم و پیازها را نگینی کرده و در آن خوب سرخ می‌کنیم. سپس مرغ و ادویه را هم اضافه کرده و کمی تفت می‌دهیم تا عطر ادویه به مشام برسد. در ظرفی مناسب لبوها را پخته و به صورت نگینی و یا آنها را با رنده مخصوص به صورت خالالی در می‌آوریم. اسفناج پخته را ریز می‌کنیم و به مواد اضافه کرده. سپس در ظرف مناسب برنج را به مرحله آبکشی می‌رسانیم و مواد را به صورت لایه به لایه بین برنج می‌چینیم. در مرحله بعد زعفران آب کرده را روی برنج می‌ریزیم، سپس لبوها را روی برنج می‌چینیم تا زمان دم کشیدن له نشوند و موقع کشیدن برنج در ظرف به آرامی با مواد مخلوط می‌کنیم.

نکات:

۱. می‌توانید از گوشت چرخ کرده یا تکه‌ای هم در پخت غذا استفاده کنید.
۲. اگر لبوهای شما خیلی بی‌مزه هستند موقع پخت به آنها شکر بزنید.
۳. اگر دوست دارید کمی از آب لبو را نگه دارید و به مواد اضافه کنید تا برنج شما خوش‌رنگ‌تر شود.

بار دیگر امکان برخورداری از این تجربه ارزشمند را برای ما فراهم ساخته است.

برای اینکه بتوانیم از داشته‌های فراوانی که در خود و جهان پیرامونی ما وجود دارد بهره ببریم، قبل از هر چیزی باید دست از تحقیر خود برداریم. خشم نسبت به خود، احساس گناه، چسبیدن به خطاهای گذشته، کم‌لطفی درباره جهل و نادانی دیگران، خود را عاقل‌تر و برتر از همه دانستن و ضعف‌هایی از این دست زندگی را به کام انسان تلخ می‌کند. باید با ضعف‌هایمان آشتی کنیم، چون دست‌پرورده خود ما هستیم و خود آنها را ساخته‌ایم. تازه ضعف‌های ما که کل دارایی‌مان نیستند، بلکه فقط جزء کوچکی از وجود ما هستند. در انسان آن قدر مواهب فراوان وجود دارند که با کمک آن می‌توان بر هر ضعفی غلبه کرد. مثل بازنده‌ها زندگی کردن کار راحتی است و کسانی که همواره نقش بازنده و قربانی را بازی می‌کنند، از خشمی پنهان نسبت به خود و دیگران در رنج هستند، عزت نفس ندارند و به خود احترام نمی‌گذارند. سرمشق زندگی از نظر آنها از روی اشعار ناامید کننده شعری است که دائماً آه و ناله سر می‌دهند که «آی زندگی! خسته‌ام! تو با من چه کردی؟ ای روزگار غدار!» و از این قبیل نوشته می‌شود.

در هر لحظه از زندگی باور کنیم که معجزه خلقت و با بهره‌مندی از حق حیات ثروتمندترین هستیم. باور کنیم موجود یگانه‌ای هستیم که از ابتدای خلقت تا آخر دنیا کسی با ویژگی‌های ما خلق نشده است و حتی اگر در همه ابعاد هم کپی یکدیگر باشیم، اثر انگشتمان با هم فرق دارد. شگفت‌انگیز نیست؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌ایم چرا خداوند تک تک ما را این‌قدر منحصر به فرد و یگانه ساخته است؟ آیا قادر نبود همه ما را کپی هم خلق کند؟ و اگر این‌گونه است، چرا سعی می‌کنیم کپی کسانی شویم که جز زهر تلخ ناامیدی به کام انسان‌ها سرازیر نمی‌کنند؟

خداوند انسان‌ها را یگانه خلق کرده است تا هر یک از طریق این یگانگی به سرمنزل مقصود برسند. بزرگ‌ترین مسئولیت ما این است که به‌رغم تمام دشواری‌ها، مصائب، تلخی‌ها و موانع همان چیزی بشویم که به خاطرش خلق شده‌ایم.

باور کنیم هیچ کسی غیر از خود انسان نمی‌تواند او را تحقیر کند. اگر دائماً گرفتار احساس شکست، افسردگی، پریشانی و مظلوم واقع شدن هستیم، به جای سرزنش دیگران به خود برگردیم و ببینیم آیا این ما نیستیم که از داشته‌ها و نعمت‌های فراوانی که هستی در اختیار ما قرار داده است غافل هستیم و فراموش کرده‌ایم چه قدرت عظیمی در تفکر، اراده و دست‌های ما وجود دارد.

هر یک از ما برای خود یک دنیا و یک تاریخ هستیم و تمام زندگی ما حاصل نگاهمان به فلسفه وجودی خود و جهان پیرامونی ماست. هیچ بنی بشری نمی‌تواند از انسان چیزی را بسازد که نمی‌خواهد باشد. همه ما انسان هستیم و انسان لایتناهی است و این یعنی ثروتمند بودن واقعی.

استقبال گرم....

کرمانشاه بودیم. یک سری طلبه نوجوان آمده بودند بازدید از جبهه ۲۰ الی ۳۰ نفر بودند شب که خوابیده بودیم، دو سه نفر بیدارم کردند و شروع کردن به پرسیدن سؤال‌های مسخره و الکی، مثلاً می‌گفتند: «آبی چه رنگیه؟» عصبی شده بودم. گفتند: «بابا بی خیال، تو که بیدار شدی، حرص نخور بیا بریم یکی دیگه رو بیدار کنیم!» دیدم بد هم نمی‌گویند! خلاصه همین طوری ۳۰ نفر را بیدار کردیم! حالا نصفه شبی جماعتی بیدار شده‌ایم و همه‌مان هم دنبال شلوغ کاری هستیم. قرار شد یکی خودش رو به مردن بزند و بقیه در محوطه قرارگاه تشییعش کنند! پارچه سفیدی انداختیم روی محمدرضا و قول گرفتیم که تحت هر شرایطی خودش رو نگه داره. گذاشتیمش روی دوش بچه‌ها و راه افتادیم. گریه و زاری. یکی می‌گفت: «ممدرضا! نامرد! چرا تنها رفتی؟!» یکی می‌گفت: «تو قرار بود شهید شی!» دیگری داد می‌زد: «شهید شده چی میگی؟ مگه تو جبهه نمرده؟!» یکی می‌کشید. یکی غش می‌کرد! در مسیر، بقیه بچه‌ها هم اضافه می‌شدند و چون از قضیه با خبر نبودند واقعا گریه و شیون راه می‌انداختند! گفتیم برویم سمت اتاق طلبه‌ها! جنازه را بردیم داخل اتاق. این بندگان خدا رفتند وضو گرفتند و نشستند به قرآن خواندن بالای سر میت. همین بین من به یکی از بچه‌ها گفتم: «برو خودت رو روی محمدرضا بنداز و یک نیشگون محکم بگیر». رفت گریه‌کنان پرید روی محمدرضا و گفت: «محمدرضا! این قرارمون نبود! منم می‌خوام باهات پیام!» بعد نیشگونی گرفت و محمدرضا از جا پرید و چنان جیغی کشید که هفت هشت نفر از این طلبه‌ها از حال رفتند! بقیه هم هاج و واج مانده بودند. ما هم قاه قاه می‌خندیدیم. خلاصه آن شب با اینکه تنبیه سختی شدیم ولی همه حسابی خندیدیم.

منبع: نشریه طنز هنر و ادب پایداری

وضوی بی نماز!

موقع آن بود که بچه‌ها به خط مقدم بروند و از خجالت دشمن نابکار دربیایند. همه از خوشحالی در پوست نمی‌گنجیدند. جز عباس ریزه که چون ابر بهاری اشک می‌ریخت و مثل کنه چسبیده بود به فرمانده که تو رو جان فک و فامیلت مرا هم ببر، بابا درسته که قدم کوتاهه، اما برای خودم کسی هستم. اما فرمانده فقط می‌گفت: «نه! یکی باید بماند و از چادرها مراقبت کند. بمان بعداً می‌برمت!» عباس ریزه گفت: «تو این همه آدم من باید بمانم و سماق بمکم!» وقتی دید نمی‌تواند دل فرمانده را نرم کند مظلومانه دست به آسمان بلند کرد و نالید: «ای خدا تو یک کاری کن. بابا منم بنده‌ات هستم!» چند لحظه‌ای مناجات کرد. حالا بچه‌ها دیگر دوردور حواس‌شان به او بود. عباس ریزه یک‌هو دستانش پایین آمد. رفت طرف منبع آب و وضو گرفت. همه حتی فرمانده تعجب کردند. عباس ریزه وضو ساخت و رفت به چادر. دل فرمانده لرزید. فکری شد که عباس حتماً رفته نماز بخواند و راز و نیاز کند. وسوسه رهایش نکرد. آرام و آهسته با سر قدم‌های بی صدا در حالیکه چند نفر دیگر هم همراهی‌اش می‌کردند به سوی چادر رفت. اما وقتی کناره چادر را کنار زده و دید که عباس ریزه دراز کشیده و خوابیده، غرق حیرت شد. پوتین‌هایش را کند و رفت تو.

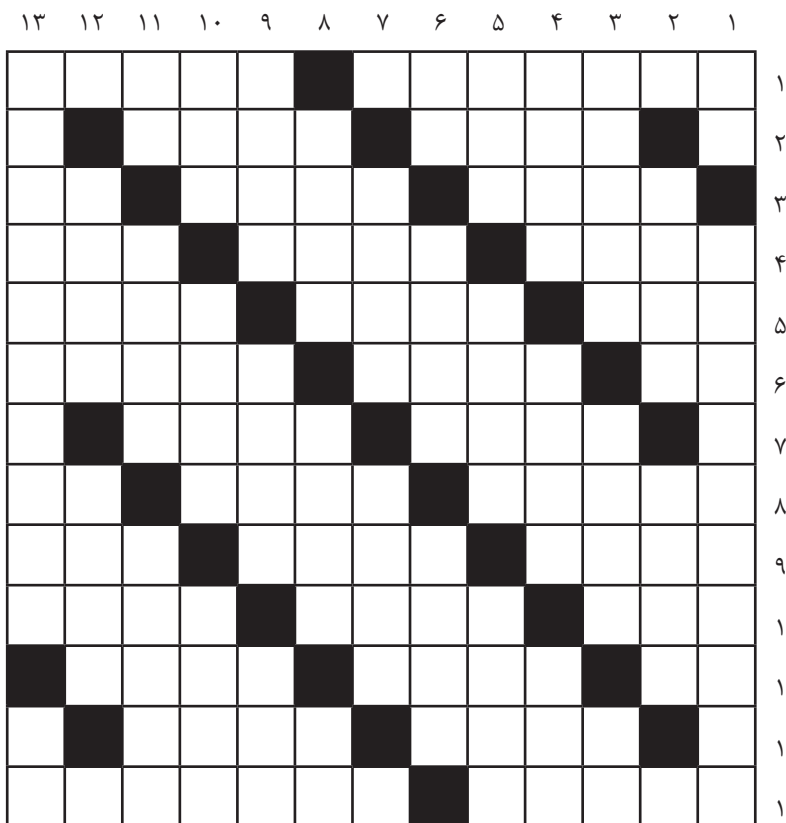
فرمانده صدایش کرد: «هی عباس ریزه خوابیدی؟ پس واسه چی وضو گرفتی؟» عباس غلتید و رو برگرداند و با صدای خفه گفت: «خواستم حالش را بگیرم!» فرمانده با چشمانی گرد شده گفت: «حال کی را؟» عباس یک هو مثل اسپندی که روی آتش افتاده باشد از جا جهید و نعره زد: «حال خدا را. مگر او حال مرا نگرفته؟! چند ماهه نماز شب می‌خوانم و دعا می‌کنم که بتوانم تو عملیات شرکت کنم. حالا که موقعش رسیده حالم را می‌گیری و جا می‌مانم. منم تصمیم گرفتم وضو بگیرم و بعد بیایم بخوابم. یک به یک!»

فرمانده چند لحظه با حیرت به عباس نگاه کرد. بعد برگشت طرف بچه‌ها که به زور جلوی خنده‌شان را گرفته بودند و سرخ و سفید می‌شدند. یک هو فرمانده زد زیر خنده و گفت: «تو آدم نمی‌شوی. یا الله آماده شو برویم.» عباس شادمان پرید هوا و بعد رو به آسمان گفت: «خیلی نوکرتم خدا. الان که وقت رفته. عمری ماند تو خط مقدم نماز شکر می‌خوانم تا بدهکار نباشم!» بین خنده بچه‌ها عباس آماده شد و دوید به سوی ماشین‌هایی که آماده حرکت بودند و فریاد زد: «سلامتی خدای مهربان صلوات!»

منبع: کتاب رفاقت به سبک تانک

۲۰

لبخند...

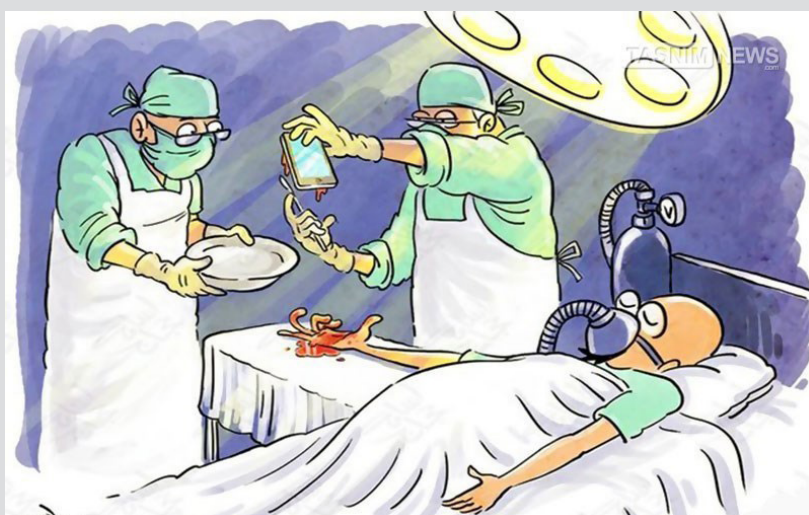


افقی

۱. دیار ماتادورها - صلیب
۲. سمت چپ - ماشین جنگی پولادین
۳. پایتخت جمهوری آذربایجان - نفت شمال - خشکی
۴. سحر - زشت - خانه
۵. جوشن - راست - قشر
۶. حرف ندا - خاتم انگشتر - رمز عملیات مرصاد
۷. گفت و گو - ادویه هندی
۸. ماه خودسازی - مهاجم سابق تیم ملی ایران - سودای ناله
۹. آهنگ نظامی - یقین - اولین پیامبر(ع)
۱۰. دستگیر کردن - یارگیر - رود عراق
۱۱. ساز مولانا - بیابان - نوعی توده
۱۲. ادراه کننده - متاع
۱۳. از مناطق مقاوم در دوران دفاع مقدس - کشور چکمه‌ای

عمودی

۱. واحد سطح - منطقه عملیاتی خیبر
۲. از تیم‌های فوتبال ایتالیا - کشوری آفریقایی
۳. از مهره‌های شطرنج - اصطلاحی در ریاضی - فلز سرخ
۴. شهر آذربایجان شرقی - چهره‌نگار - میوه‌ی تنبل!
۵. کشتی جنگی - واحد نظامی - مزده
۶. برابر - از یاران علی(ع) - بینا
۷. برترین - زمین لم یزرع
۸. علامت صفت عالی - نوعی پوشش ورزشی - چه وقت؟
۹. زرخندان - مددکار - ضربه‌ای در تنیس روی میز
۱۰. از اجزای ماشین - خروس جنگی معروف - فدراسیون جهانی کشتی
۱۱. سرسلسله‌ای اعداد - ملی پوش سابق تکواندو - گسیل کردن
۱۲. خط نابینایان - وسایل
۱۳. اولین فرمانده شهید - ویتامین انعقاد خون



کاریکاتور است: دریافتی

خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. مجله‌ی شاهد جوان ضمن اعلام برندگان به بهترین نوشته جایزه می‌دهد. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.



برنده شماره گذشته:
لیلا گل‌آرایی - اصفهان

هویت داعش برگرفته از موجودیت عربستان و رژیم صهیونیستی است.

طراح جدول: ابراهیم زارعی

حل جدول شماره گذشته:

13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
س	و	س	ن	ت	و	ر	ف	ا	س	ب	د	س
ق	ا	ر	ف	ت	ش	ر	ا	ب	ا	ب	ر	و
ک	ا	و	م	ا	ف	ح	و	ا	ا	ر	ا	س
د	م	م	م	ن	ف	ت	ا	س	ا	ا	ن	ح
ر	د	ی	ر	غ	ح	ه	ف	ت	ف	و	ن	گ
ر	ک	ا	ن	ت	ا	ا	س	م	س	ا	ر	ش
ا	د	ح	س	ی	ن	ل	ا	ش	ک	ر	ی	ا
ا	م	ک	م	ی	ل	م	د	ت	ا	م	ا	م
م	ح	ی	ر	ا	ب	و	ی	ا	ب	ا	ا	ا
ی	ا	د	ک	ن	ی	ز	م	ب	ر	م	ر	م
م	ل	ل	ا	ب	ن	م	ص	ن	و	ع	ل	ع
ک	م	و	د	ا	ز	ی	ل	و	ل	و	ل	ل
ن	ف	ی	ر	ز	ش	ی	خ	ح	س	ی	ن	ی

در جو پرفشار رسانه‌های دنیای معاصر افراد، به خصوص جوانان دچار این توهم هستند که دارند سبک زندگی خود را آزادانه انتخاب می‌کنند، در حالی که چنین نیست و اغلب بر اساس الگوهایی به شکل ماهرانه و با استفاده از انواع ترفندهای روانی و هنری دیکته می‌شوند

عوامل تغییر سبک زندگی

تغییر بر مدار فناوری

● مهتاب کریم‌پور

عوامل تغییر سبک زندگی را می‌توان به‌طور خلاصه به این شرح طبقه‌بندی کرد. در کشور ما و بر اساس آموزه‌های دینی تقابل بین حق و باطل در سطح تئوری‌های دینی و سیاسی باقی مانده و به عرصه‌های اقتصادی نرسیده، در نتیجه نوعی سرمایه‌داری عجیب و غریب در کشور ما حاکم است که شباهتی به نظام سرمایه‌داری مبتنی بر تولیدات و بازاریابی برای کالاهای تولیدشده و نظام‌های موجود در نظام‌های سرمایه‌داری ندارد و در عین حال ربطی هم به نظام مبتنی بر بازارهای سنتی یا احکام اقتصادی مندرج در قرآن و متون دینی ندارد. از آنجا که مسائل اقتصادی به‌طور روزمره و مستمر با زندگی مردم در تماس هستند، بدیهی است هر قدر هم که احکام دینی تبلیغ و ترویج شوند، اما در زمینه اقتصاد دچار آفت‌هایی چون ربا، بیکاری، تکاثر، تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری و... باشیم، تغییری در سبک زندگی به وجود نمی‌آید و جامعه همچنان گرفتار ناامنی روانی ناشی از این تشنگی اقتصادی خواهد بود. تغییر سبک زندگی خانوادگی، به‌خصوص در کلاتشهرها به‌خوبی نشان می‌دهد نظام سرمایه‌داری چگونه توانسته است ساختار سنتی خانواده را در هم بشکند و از طریق

کرده است. برنامه‌ریزان فرهنگی هم بدون توجه به مقتضیات جامعه و به‌ویژه ارتباطات گسترده جهانی طرح‌هایی را ارائه می‌کنند که بیش از هر کسی خود آنان پیشاپیش یقین دارند قابل اجرا نیستند. یکی از این موارد ترویج حجاب صحیح و مبارزه با بدحجابی است که به نظر می‌رسد هر چه طرح‌ها و برنامه‌های بیشتری ارائه می‌شوند، وضعیت وخیم‌تری می‌یابد. دلیل اصلی این است که این طرح‌ها بدون بررسی درباره واقعیت‌های جامعه ارائه می‌شوند و همان سرکنگبینی هستند که اتفاقاً بر صفر می‌افزاید.

بی‌تردید یکی از عوامل فوق‌العاده تأثیرگذار در تغییر سبک زندگی دسترسی همگانی به فناوری‌های نوین ارتباطی است. بشر امروز به مدد گسترش این فناوری قادر است در کمتر از یک ثانیه هر نوع پیامی را به سراسر دنیا ارسال و تا عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی نفوذ کند. بدیهی است این فناوری شگفت‌انگیز در کنار مزایای فراوان خود به سادگی در اختیار شیادان و راهزنان اخلاق و معنویت هم قرار می‌گیرد و آنان با سرعتی حیرت‌انگیز به تخریب هنجارهای اخلاقی نسل جوان می‌پردازند تا از این طریق بتوانند به اهداف پلید خود دست یابند.

بنابراین بیش از هر چیز باید نقش رسانه‌ها در تغییر سبک زندگی را در نظر گرفت، نقشی بسیار مخرب که متأسفانه متولیان فرهنگی ما در برابر تأثیر آنها به‌شدت منفعلانه عمل می‌کنند و دچار این توهم مضحک هستند که مسائل فرهنگی را می‌توان با دستورالعمل و زور بی‌منطق جا انداخت. جالب اینجاست که بیش از سه دهه است که این روش ناکارآمد به کار گرفته می‌شود و باز درس عبرت نمی‌گیریم.

در جو پرفشار رسانه‌های دنیای معاصر افراد، به‌خصوص جوانان دچار این توهم هستند که دارند سبک زندگی خود را آزادانه انتخاب می‌کنند، در حالی که چنین نیست و اغلب بر اساس الگوهایی به شکل ماهرانه و با استفاده از انواع ترفندهای روانی و هنری دیکته می‌شوند، زندگی می‌کنیم و حتی ادبیاتی هم که به کار می‌بریم، نوعی ادبیات دیکته شده است.

سبک زندگی در یک تعریف جامعه‌شناسانه، موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد را تعریف می‌کند، در عین حال که سبک زندگی می‌تواند ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای هویتی افراد را هم نشان بدهد.

سبک زندگی خانواده‌های ایرانی در دهه‌های اخیر حکم شتر - گاو - پلنگ را پیدا و تناقضات موجود در خانواده‌ها، پدر و مادرها و به‌خصوص فرزندان آنان را دچار سرگردانی و اضطراب



تنها راه نجات زندگی ایرانیان مسلمان روی آوردن به سبک زندگی اسلامی است که در آن ترویج فضایل اخلاقی در اولویت قرار دارد. در این سبک تعریف مشخصی در باره بایدها و نبایدها وجود دارد



امور شخصی همچون لباس پوشیدن، نوع غذا، آداب معاشرت و تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش‌ها سبک زندگی دلخواه خود را جایگزین شیوه‌های سنتی کند. غرب با تکیه بر فناوری‌های گسترده ارتباطی تلاش فراوانی می‌کند تا شرق و به‌خصوص جوامع اسلامی را به بازار مصرف کالاها و تفکرات خود تبدیل کند و متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده است.

گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه توزیع فیلم‌های خانگی یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر در سبک زندگی ایرانی‌هاست. این رسانه‌ها به‌خصوص در سال‌های اخیر بر حرص مصرف در خانواده‌های ایرانی به‌شدت دامن زده‌اند و از سوی دیگر حیا و شرم را نشانه گرفته‌اند. این آفت، به‌خصوص دختران و زنان جوان را تحت تأثیر قرار داده و یکی از ترمزهای مهم جلوگیری از روابط جنسی بی‌بندوبار را تضعیف کرده است.

اینترنت هم با امکان دستیابی آسان وقت زیادی را از نسل جوان و نوجوان هدر می‌دهد و عملاً اختیار تربیت آنان را از خانواده‌ها سلب کرده است. از دیگر موارد تغییر در سبک زندگی نوع غذاها و آداب غذا خوردن است. خانواده‌های سنتی ایرانی

و کاهش شدید آمار ازدواج و افزایش خانه‌های مجردی حاصل فردگرایی و تعریف غلط از آزادی است که ظاهراً مترادف با بی‌بندوباری و روابط جنسی لجام‌گسیخته معنا شده است. این وضعیت، به‌خصوص زنان و دختران را در معرض آسیب قرار می‌دهد و به دلیل کاهش آمار ازدواج جامعه را به سمت میانسالی و کهنسالی و محرومیت از نیروی جوان مولد می‌برد.

تنها راه نجات زندگی ایرانیان مسلمان روی آوردن به سبک زندگی اسلامی است که در آن ترویج فضایل اخلاقی در اولویت قرار دارد. در این سبک تعریف مشخصی در باره بایدها و نبایدها وجود دارد و حتی آداب غذا خوردن و لباس پوشیدن را نیز می‌توان بر مبنای متون مستدل دینی به روشنی بیان کرد. زندگی پیامبر(ص)، ائمه اطهار(ع) و بزرگان دینی بهترین الگو برای تعریف سبک زندگی اسلامی است، به شرط آنکه متفکرین و علمای دینی بتوانند آنها را با توجه به مقتضیات روز تبیین و کاربردی کنند.

حرمت خاصی برای سفره و جمع شدن اعضای خانواده دور آن قائل بودند. دور هم جمع شدن اعضای خانواده و اقوام دور یک سفره امکان تعاملات دلنشین و لذت بردن از غذا خوردن را برای همه فراهم می‌ساخت و همین در جمع بودن برکات فراوانی را به همراه داشت، اما امروزه با پراکنده بودن اعضای خانواده عملاً سفره‌ای وجود ندارد و از آن بدتر اینکه خانواده‌ها به مصرف غذاهای فست‌فود عادت کرده‌اند که به خودی خود غذا خوردن فردی به جای استفاده از سفره و برکات آن را از بین برده است.

تغییر ذائقه مردان و زنان جوان در تعریف زیبایی و جایگزینی زیبایی‌های مصنوعی به جای زیبایی‌های طبیعی منجر به افزایش جراحی‌های پلاستیک و مصرف لوازم آرایش در جامعه ما شده است و گرایش به بعضی از مدل‌های غربی نشانه اعتبار و شیکی تلقی می‌شود.

تغییر هنجارهای اخلاقی و سنتی خانوادگی متأسفانه نظام خانواده را مورد حمله قرار داده





پا به پای امام حسین علیه السلام در عرفه

فاطمه ذبیح زاده

الهی! عرفه‌ام، باحسین علیه السلام از عرفات کوچ کرد و رحل اقامت در کربلا گزید؛ پس تو را می‌خوانم به زبانی که امام حسین علیه السلام در روز عرفه و در ودایش با سرزمین عرفات خواند.
الهی تو را می‌خوانم، با اشک‌هایی که به ترنم آخرین نوای آسمانی مولا، حسین علیه السلام در روز عرفه، بر صورت شرمسارم روان شده است.
الهی! تو را می‌خوانم به پاکی و خلوص بندگی در صحرای عرفات، به تکاپوی حاجیان؛ آن‌گاه که جان مشتاق را برای لقای تو روانه آسمان زلال عرفه می‌کنند.

خدای من! دلم برای آشنایی و آشتی با تو، بی‌تاب‌تر از همیشه است و تنها دارایی‌ام در پیشگاه تو، دعایی است که به آن وعده اجابت داده‌ای.
چگونه تو را دریابم و کدام باد موافق، این خس دورافتاده از آستان را به کوی شناخت و دلدادگی به تو رهنمون می‌سازد؟
الهی! تو نوری؛ آشکارتر از آبی که به مدد آثار خلقت، شناخته شوی.
تو نوری و روشن‌تر از آبی که در پناه سایه در آیی.
خدای من! چه وقت از دیده‌ام نهان شدی تا برای اثبات بودن تو، دست به دامن برهان و استدلال ببرم؟

تو آنقدر ظاهری که رسیدن به تو از راه مشاهده آثار، راه دراز پیمودن و به بیراهه رفتن است. پس خدای من! چنان به عشق خود مرا بنواز و باری‌ام کن تا دیده‌ام؛ به فراتر از نشانه‌های دل مشغول دارد و از درک نور تو که آفاق را روشن کرده، بازماند.
بارالها! چنان خود را به من بنما که بی‌واسطه و با شهود قلب، شیفته جمال نورانی تو شوم.

سلام بر غدیر

زهرا ابراهیمی (ثقفی)

سلام بر غدیر، سلام بر سرنوشت رقم خورده تاریخ، سلام بر چشمه همیشه زلال، سلام بر مولا علی بن ابیطالب - علیه السلام - و چه بهتر است بگوییم: «سلام بر مولا امیرالمومنین - علیه السلام -» زیرا که لقب خاص اوست زیرا این لقب را خداوند تعالی به ایشان عطا فرمودند.

سلام بر مولا، سرور، صاحب اختیار، چرا که پیامبر فرمودند: «من کنت مولا فهذا علی مولا»

سلام بر چشمه همیشه زلال تاریخ، چشمه‌ای که از اشک زلال‌تر و از آینه شفاف‌تر است.

غدیر ای سرچشمه پاکی، غدیر ای حقیقت انکارناپذیر، ای حقیقت جاودانه تاریخ، ای صراط مستقیم، مگر نه این که غدیر چراغ همیشه روشن است و هیچ وقت به تاریکی نمی‌گراید؛ پس چرا بعضی‌ها در تاریکی و ضلالت ماندند و جایی را ندیدند؟

شاید که چشمانشان طاقت نور را نداشت و شاید که خود چشمانشان را بستند و نخواستند که ببینند که صد البته این گونه است.

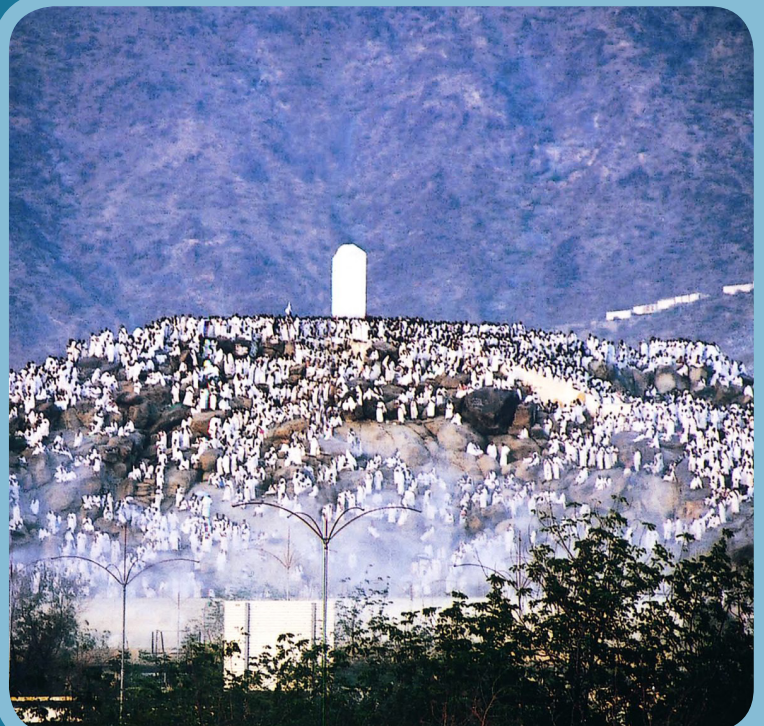
مگر نه این که غدیر حقیقت جاودانه تاریخ است و حقیقتی انکارناپذیر؟ پس چرا منکر شدند و جمع منکران و انکار کنندگان به وجود آمد؟

مگر نه این که غدیر پیمان است و بیعت. پیمان و بیعتی که سعادت انسان در آن بوده و هست و سعادت زندگی انسان‌ها در گرو آن بوده، پس چرا پیمان‌شکنان وجود داشته و دارند.

غدیر ای پیمان‌نامه هنوز باز، ما هم می‌خواهیم با مولایمان عهد و پیمان ببندیم، ما هم می‌خواهیم بیعت کنیم ولی نمی‌خواهیم پیمان بشکنیم.

پس مولا ما را هم قبول کن ما را هم از زمره پیمان بستگان دار و از خدای تعالی به کرم‌ت برای ما یاری جوی و حال هر کس می‌خواهد عهد و پیمان ببندد به قلبش بنگرد و زیر لب زمزمه کند:

«السلام علیک یا مولانا یا امیرالمومنین»



وَفَلَيْبِنَا هَذَا بَدْخٍ عَظِيمٍ

وَعَلَى النَّاسِ الْبَيْتِ طَابَتْ أَلْبَابُهُمْ

تقدیم به مولای عشق

◦ الهام السادات کاظمی

مسافران یک به یک، به میعادگاه عشق نزدیک می‌شوند، و آن گاه فرمانی از سوی قادر متعال نازل می‌گردد و پیامبر رحمت بر تمامی اهل زمین مژده می‌دهد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» و داستان مهربان پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -، داستان با صلابت علی - علیه السلام - را بر فراز آسمان بلند می‌کند و نوری عظیم این کره خاکی را فرا می‌گیرد. مژده باد بر اهل زمین مژده باد بر اهل آسمان‌ها.

علی - علیه السلام - این یکه تاز مردانگی و عدالت، علی - علیه السلام - این مظهر شجاعت و صلابت بر تخت امیری مؤمنان خواهد نشست. او زمین را از عدل پر خواهد کرد و عشق الهی را در دل‌های مؤمنان جای خواهد داد. او بعد از پیامبر رحمت و رافت یگانه حاکم بزرگ بر قلب مسلمین خواهد بود. و پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - این گونه فرمود:

«هر کس من مولای او بوده‌ام علی مولای اوست»

و این گونه بود که خاکیان با نور پیمان بستند و دستان خود را به سوی او بلند کردند. در روزی که خداوند آن را بزرگ داشته و ملائک در آسمان‌ها به جشن و سرور پرداختند، علی امام اول شیعیان، امیرمؤمنان، جانشین پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - شد، در سرزمینی که غدیر نام داشت.

و غدیر در روزی که بوسه بر قدم‌های پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و علی - علیه السلام - می‌زد، شاهد بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین حادثه تاریخ بود، و این گونه بود که غدیر میعادگاه عشق نام گرفت و علی - علیه السلام - به سوی مسلمین دست بیعت بلند کرد.

و اینک بعد از سالیان دراز و از فرسنگ‌ها فاصله هنوز هم نوایی می‌آید، خوب گوش دهید؛ هنوز هم می‌توان صدای شادی ملائک را شنید. هنوز هم می‌توان ندای جبرئیل بر پیامبر رحمت، که در تمامی گستره آسمان‌ها بلند بود، را شنید. هنوز هم نوای مهرانگیز پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -، که علی - علیه السلام - را جانشین خود معرفی می‌کرد، به گوش می‌رسد.

خوب بنگرید، چشم‌هایتان را باز کنید؛ هنوز هم می‌توان داستان مهربان علی - علیه السلام - را، که برای بیعت گرفتن به سوی ما بلند شده، ببینیم و لبخند مهربان او را، وقتی می‌خواهد ما را به سر منزل مقصود برساند. دست‌هایتان را بلند کنید تا رسیدن به نور چیزی باقی نمانده است. خوب بنگرید؛ او هنوز آن جاست، آن جا بر فراز نور ایستاده است و به ما می‌نگرد، و دستانش، هنوز برای بیعت بالا است.

او هنوز آن جا ایستاده، تنها و منتظر، بایاید به سویش رویم، نه به سویش پرواز کنیم. بایاید، ذره ناچیز وجودمان را در اقیانوس بیکرانۀ رحمتش غرق کنیم. بایاید بر دستان منتظرش بوسه زنیم و به او بگوییم که دیگر تنها نخواهد بود. بایاید با او پیمان ببندیم، پیمان عشق، و دل‌هایمان را به پیشگاه مقدسش هدیه کنیم.

خجسته باد بر شما این پیمان مقدس

آزمون عشق

◦ مصطفی پورنجاتی

به سوی عاشقی عزیمت کردی؛ با بال‌هایی که هنوز جوانی می‌کرد، با چشم‌هایی که گسترده می‌شد به روی دشت‌ها و ابراهیم را به شوق می‌آورد. از تبار قله‌های بلند فرزندان یعقوب، نازل شدی و دامن تشنه خاک‌ها تو را در کام گرفت و به شوق کشاند. تو اما بی‌قراری می‌کردی؛ مگر نه این که از جای دیگر بودی؟!

مهر بی‌کرانه پدر در پیشگاه خدایت، دست به کار آزمون تو شد و تو به میعاد بی‌وقفه با دلدار تن سپردی آن روز.

امامت، ردای فاخری بود که در انتهای سفر طولانی ابراهیم، انتظارش می‌کشید؛ اما تقدیر چنین بود که این ردای باشکوه، با دست‌های تو بر شانه‌های پدر بنشیند، در اوج یک گزینش دشوار، میان خواستن تو و اطاعت پروردگار تو.

ناله‌ها و دردها از تو می‌گریختند به وقت لغزش خنجر بُرّان در زیر گلویت، از آن رو که عزم عظیم تسلیم و رضای تو، می‌ترساندشان. پس این بار، تو پشتیبان ابراهیم شدی و دست‌های او را جان دادی برای بریدن.

فرشته‌های ناظر ماجرا، لب می‌گزیدند پنهان: «سرانجام چه خواهد شد؟» نفس در سینه‌های حبس شده بود، نه صدایی بود و نه سکوتی، سراسر، انتظار بود و هول.

جشن شیدایی

چه میعادگاه خلوت و زیبایی! اسماعیل، در دست‌های اراده ابراهیم. سر اسماعیل، در آغوش پدر و نگاه اسماعیل، نه به چشم‌های پدر، که به آن سوی ابرها و آسمان‌ها و خدایی که چند لحظه بعدتر را بهتر از همه می‌دانست.

آن روز، نه گلوئی اسماعیل بریده شد و نه ابراهیم پدری را بر بندگی ترجیح داد. تنها رضایت و سرسپردگی به «او» بود که بیداد می‌کرد، پس به رسم نمایش سرفرازی و قبولی، گوسفندی ذبح شد.

از آن روز بزرگ و باشکوه تاکنون، جشن میعاد اسماعیل و ابراهیم با فرمان پروردگار، هر سال و هر قربان، تکرار می‌شود که جشن دلدادگی و شیدایی است و در دل ایمان مومنان دوست، آذین پرنشاط قرب و دیدار، بسته می‌شود. مبارک باد!



همان‌طور که انسان‌ها و فصل‌ها دارای مزاج‌های خاص خود هستند، غذاها هم دارای مزاج‌اند. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان فهمید که در هر فصل نیز لازم است از غذاهای مناسب آن فصل بهره برد و غذاهای نامناسب را کنار گذاشت

توصیه برای پاییزهای سرد و خشک

مراقبت در فصل برگ‌ریزان

طب سنتی ایران این باور را دارد که هر فصل سال دارای مزاج خاصی است و برای هر فصلی توصیه‌ها و تدابیری در نظر دارد که لازمه سلامتی و تندرستی افراد است. رعایت این نکات علاوه بر حفظ تندرستی از بروز بیماری‌ها پیشگیری می‌کند. فصل پاییز دارای طبیعت سرد و خشک است. البته میزان سردی و خشک این فصل به شرایط جغرافیایی بستگی دارد.

حرکات بدنی زیاد، غم و غصه زیاد، کم‌خوری و پرهیز بی‌دلیل، تعریق بسیار و... همچنین باید تا حد امکان از خواب میانه روز و مصرف زیاد مواد غذایی و نوشیدنی‌ها خودداری کرد و جهت پیشگیری از ابتلا به سرماخوردگی و زکام، در طول شب، سر را پوشاند.

همان‌طور که انسان‌ها و فصل‌ها دارای مزاج‌های خاص خود هستند، غذاها هم دارای مزاج‌اند. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان فهمید که در هر فصل نیز لازم است از غذاهای مناسب آن فصل بهره برد و غذاهای نامناسب را کنار گذاشت. غذاهایی مانند گوشت گاو و گوساله، کنسروها و کمپوت‌ها، سوسیس و کالباس و فست‌فودها، ادویه‌های تند و تیز، ترشی‌ها، سرخ‌کردنی‌ها، بادمجان، عدس، قارچ، پنیر شور، ماست و دوغ ترش، کشک، کلم و گل‌کلم، رب و سس‌ها، غذاهای مانده و گوشت نمک‌سود، چای پررنگ، یخ، شوری‌ها، چیپس و پفک و امثال آنها و... از آنجا که به خشکی مزاج بدن دامن می‌زنند، به‌ویژه برای فصل پاییز نامناسب‌اند.

از سوی دیگر در این فصل باید از زیاده‌روی در مصرف میوه‌های سرد و تر تابستانی، لبنیات، قهوه، نسکافه، کاکائو، سیر و پیاز و... نیز پرهیز کرد. در حالی که متأسفانه امروزه، در همه روزهای سرد سال هندوانه در میوه‌فروشی‌ها و کنار خیابان‌ها به فروش می‌رسد و مصرف خوراکی‌هایی چون خیار و کاهو و مانند آنها نیز ذره‌ای کم نمی‌شود!

همچنین توصیه شده در این فصل خوردنی‌ها و

پائیز نیز با مزاج سرد و خشک خود، برای افراد با مزاج گرم‌تر، مناسب‌تر است و برای افراد با مزاج یا سوءمزاج سرد و خشک، مناسب نیست و می‌تواند موجب تشدید علائم و بروز برخی بیماری‌ها به‌ویژه بیماری‌های سرد و خشک شود. پس می‌توان نتیجه گرفت این فصل چندان مناسب حال سالمندان و افرادی که بیماری‌هایی با طبیعت سرد و خشک دارند نیست.

علت بروز و ظهور زیاد بیماری‌ها در فصل پائیز را می‌توان متغیر بودن هوا در طول روز، وجود مواد زاید باقی‌مانده در بدن از فصل تابستان به جهت خوردن میوه‌های زیاد، ضعف قوت، کاهش تحلیل و دفع مواد زاید به علت سردی هوا و... دانست. برخی بیماری‌های شایع در فصل پاییز عبارتند از خارش پوست، اگزما، شوره سر، ترک پوست، دردهای مفاصل، برخی ورم‌ها، درد و بزرگی طحال، برخی از انواع تب‌ها، ادرار قطره‌ای، سخت‌ادراری، کم‌خونی، جنون، وسواس، افسردگی، ورم لوزه‌ها، دردهای سیاتیکی، انسدادهای گوارشی، سکته، بیماری‌های ریوی و...

توصیه شده برای نگاهداشت تندرستی در فصل پاییز، از برخی کارها پرهیز گردد که از آن جمله است: مواجهه با گرمای سر ظهر و سرمای بامداد و شبانگاه، خوابیدن در جای سرد، استحمام با آب سرد، نوشیدن آب خیلی سرد، نزدیکی جنسی زیاد، خوابیدن با معده پر، مصرف مسهل‌های قوی، فصد و حجامت و هرکاری که خون را کم کند، قی کردن، زیاد خوابیدن و زیاد بیداری کشیدن،

نوشیدنی‌های مایل به گرمی و تری مانند گوشت گوسفند، خربزه شیرین، مویز، هویج، زیتون، خرما، عسل، شیرینی‌های طبیعی، حلوا، طبیعی، مرباهای طبیعی از میوه‌های مناسب، شربت گل‌شکر، شربت عسل، مغز خشکبار به‌ویژه بادام درختی، آش‌های ساده و... بیشتر مصرف شوند. بهترین میوه‌های فصل پاییز نیز انار میخوش، انگور، انجیر، سیب، به، گلابی هستند.

تدابیر خوب این فصل که موجب تندرستی بیشتر و پیشگیری از بیماری‌ها می‌شوند عبارتند از: استفاده از عطرها معتدل، حمام یک روز در میان با آب نیم‌گرم، چرب کردن بدن با روغن‌های مناسب مانند بنفشه بادام، پوشش مناسب در طول روز متناسب با ساعت روز، پوشاندن سر به‌ویژه در هنگام خواب و...

باید توجه داشت که در فصول سرد سال، به خلاف فصول گرم، دستگاه گوارش انسان قوی‌تر می‌شود و بهتر است از غذاهای سنگین‌تر استفاده شود. مصرف سنتی حلیم، آش‌ها، آبگوشت‌ها، کله‌پاچه و... در فصل پاییز و زمستان از همین آموزه پزشکی-بهداشتی ناشی می‌شود که باز هم متأسفانه امروزه فراموش شده و مردم ما بدون توجه به شرایط فصل و اقلیم و سن و مزاج خود می‌خورند و می‌آشامند و در نتیجه می‌بینیم در فصل تابستان برخی مرکبات در دسترس‌اند و اتفاقاً



بیماری‌های پاییزی افسردگی فصلی

روان‌پزشکان سال‌هاست به تأثیر نور در تشدید برخی بیماری‌ها پی برده‌اند و معتقدند برخی انواع افسردگی مثل افسردگی فصلی در فصول پاییز و زمستان به علت کاهش نور دریافتی بدن و در پی آن کاهش هورمون ملاتونین مغز رخ می‌دهد. امروزه با گسترش شهرنشینی و کمبود نور آفتاب در آپارتمان‌ها، تنش‌ها در فصول سرد افزایش می‌یابد از این‌رو رعایت یکسری نکات به بهبود این وضعیت کمک می‌کند. مثلاً پیاده‌روی سبک حدود ۱۰ دقیقه در نزدیک‌ترین پارک، کنار زدن پرده‌ها و استفاده از همان نور اندک، استفاده از مواد غذایی با طبع گرم (گوشت بوقلمون گرم بوده و ماده آرام‌بخش تولید می‌کند) و استفاده از غذای سبک هنگام شب. با رعایت این نکات کوچک تغییرات مهمی در زندگی شما رخ می‌دهد.

سرماخوردگی در پاییز

از شایع‌ترین بیماری‌های این فصل سرماخوردگی است. در طب سنتی ترشحاتی که از بینی خارج می‌شود زکام و ترشحات پشت حلق را نزله می‌نامند. این ترشحات باید از سر و بینی پاک شوند و به هیچ وجه نباید مانع خروج این مواد شود. متأسفانه امروزه با بروز اولین نشانه‌های سرماخوردگی مصرف آنتی‌هیستامین و قرص سرماخوردگی مانع خروج این مواد شده و مدتی بعد سرماخوردگی به صورت حادتر و همراه با عفونت برگشت می‌کند که به دلیل سرکوب اولیه که نامناسب بوده است، اتفاق می‌افتد. در روزهای اول زکام حمام رفتن و تعریق در حمام مضر است ولی در روزهای آخر مفید است. پس از استحمام هم حتماً سر را باید پوشاند.

مصرف حریره‌ای که با نشاسته، شکر و روغن بادام شیرین تهیه شده باشد بسیار مفید است. همچنین آش حاوی اسفناج و ماش پوست‌کنده و نیز آش جو با عناب یا حریره حاوی سیبوس گندم، مغز بادام و عسل همگی مناسب هستند.

بخور با ترکیبی از شوید، بومادران، بابونه و آویشن بسیار مفید است و باعث خروج سریع‌تر مواد دفعی و سبکی سر می‌شود.

خشکی و سودا می‌شوند؛ از این‌رو در مصرف آن‌ها باید دقت نمود.

نکات تغذیه‌ای ماه‌های پاییزی

در ماه مهر که ابتدای فصل پاییز است بهتر است استحمام کمتر شود، خربزه و خیار کمتر میل شود، گوشت‌های معتدل مثل بره و بزغاله مصرف شود و گوشت گاو نباید خورده شود. خوردن انواع مسهل برای سبک شدن مزاج توصیه می‌شود. در ابتدای این ماه انجام حمامت توصیه شده است.

در مراحل اولیه احساس بروز سرماخوردگی قرقره کردن آب ولرم همراه نمک یا جوش شیرین، نوشیدن فراوان مایعات گرم و شیرین، استفاده از هوای آزاد در محیط بیرونو تنفس عمیق و استفاده از بخورهای گیاهی مثل بخور اکالیپتوس توصیه می‌شود.

در ماه آبان که سردی هوا محسوس‌تر است حتماً باید از قرار گرفتن در مکان‌های سرد به خصوص اوایل و اواخر روز اجتناب نمود (به مدت طولانی). مواد مسهل نباید مصرف شود و مصرف انار و میوه فصلی توصیه می‌شود تا مزاج به خشکی نرود. بهتر است آب کمتر میل شود. مصرف مواد غذایی با طبع گرم همچنان مفید است. در این ماه ورزش‌ها و حرکات‌های سنگین مناسب است.

در ماه آذر که سردی هوا غالب شده است استحمام کمتر شود. نوشیدن آب در شب مفید نیست و در اول صبح آب گرم بسیار مناسب است. در پوشاندن بدن از باد و سرما باید دقت کامل شود.

بهای بالاتری هم دارند یا مصرف حلیم گندم و کله‌پاچه و آبگوشت در ظهرهای گرم تابستان شایع شده است و در مقابل در روزهای سرد سال، مردم ما از هندوانه و گوجه و خیار و لبنیات زیاد دست نمی‌کشند!

بایدها و نبایدهای تغذیه‌ای

نوشیدن آب سرد در این فصل مناسب نیست ولی مصرف آب گرم در صبح ضربان قلب را زیاد و اعصاب را تقویت می‌کند.

در طب سنتی حتی برای بیماری‌ها هم طبع در نظر گرفته‌اند به عنوان مثال در بهار که طبع گرم‌تر دارد افزایش جوش‌های پوستی و دمل شیوع بیشتری دارد. از این‌رو شاهد هستیم در فصل پاییز نیز بیماری‌های سرد مثل سرماخوردگی، بیماری‌های مفصل، بیماری‌های عصبی، استرس و افسردگی بیشتر می‌شود.

از آنجایی که تغییر فصل‌ها با تغییراتی در تمام حیات از جمله انسان همراه است تدابیر خاص مناسب هر فصل ضروری است.

با توجه به این که طبع پاییز سرد و خشک است مصرف موادی که باعث سردی یا خشکی بدن می‌شوند باید محدود شود چون تأثیر منفی این فصل را افزایش می‌دهند. موادی مانند سیر و غذاهای حاوی ادویه‌جات مثل سوسیس و کالباس و غذاهای حاوی نمک زیاد مثل انواع شور‌ها و غذاهای حاوی آب‌غوره و سرکه و آبلیمو مثل ترشیجات باعث کاهش رطوبت بدن و افزایش



بیماریات بیهوشی؟

در جستجوی بیماری

۲۸

می‌کنند این است که نکند به بیماری سرطان معده مبتلا شده باشند یا اگر دست‌شان دچار بی‌حسی شود، فکر می‌کنند به ام اس مبتلا شده‌اند.

گاهی فرد حتی بدون تجربه علائم جسمی هم دچار این حالت می‌شود؛ مثلاً به دنبال فوت یکی از اقوام به دلیل بیماری قلبی، نگران می‌شود که شاید او هم بیماری قلبی دارد. این افراد به اختلال خودبیمارانگاری مبتلا هستند.

«» خودبیمارانگاری چیست؟

در یک نگاه وسیع، خودبیمارانگاری در واقع نوعی اضطراب بیش از حد درباره سلامت است. خودبیمارانگاری نوعی اختلال روانی است که با اعتقاد فرد به وجود یک بیماری جدی در خود و نگرانی نسبت به آن شناخته می‌شود.

با این تعریف، خودبیمارانگاری شامل مواردی می‌شود که فرد واقعاً یک بیماری جسمی هم دارد اما بیش از حد معمول در مورد سرانجام آن

به چشمان شنونده می‌نشانند. زمانی که پزشک به آنها اطمینان می‌دهد مشکل جسمی ندارند، برای ۲-۳ روز خوب و خوشحال هستند، روی ایرها قدم برمی‌دارند، دسته گل برای پزشک می‌برند و آگهی تشکر از او چاپ می‌کنند، اما هفته بعد پژمرده و دژم نزد طبیب باز می‌گردند و می‌نالند که بیماری بازگشت و چاره می‌خواهند و هیچ راه خلاصی ندارند.

بیماری یا توهم بیماری! مسئله این است

شاید شما هم گاهی دچار نگرانی درباره ابتلا به یک بیماری خاص شده باشید اما هستند افرادی که این نگرانی در آنها بیش از حد است تا حدی که به دنبال تشخیص یا درمان آن اختلال می‌گردند و به پزشکان و مراکز درمانی مختلفی مراجعه می‌کنند.

البته این نگرانی آنها معمولاً به دنبال تجربه علائمی شبیه علائم یک نوع بیماری خاص به وجود می‌آید. مثلاً اگر دچار درد شکمی شوند، تنها فکری که

گاهی در صحت سلامتی احساس بیمار بودن را در وجود خود احساس می‌کنیم، که برخی لحظات این حس و حال اینقدر زیاد می‌شود که لحظه‌های خوش زندگی را تلخ می‌کند و ما را در بستر جای می‌دهد. این موضوع به مرور می‌تواند مشکلات زیادی را برای فرد ایجاد کند. این اختلال، ما را با کوله‌باری از اندوه و کیسه‌های پلاستیکی پر از دارو از این سو به آن سو می‌برد افراد خودبیمارانگار ۱۰ درصد همه مراجعان به پزشکان را تشکیل می‌دهند. آنها ساکنان همیشگی اتاق‌های انتظار پزشکان، نیمکت‌های آزمایشگاه و تخت‌های بیمارستان‌ها هستند. بیشترشان نگران دستگاه قلبی، عروقی یا دستگاه گوارش خود هستند. با اشتیاقی تحسین برانگیز، از نشانه‌های دستگاه گوارش خود ساعت‌ها می‌گویند، از دردها، شل بودن و سفت بودن مدفوع و رنگ آن و با اندوه، از درد سینه و ضربان قلب پرغصه خود می‌گویند، از جیب و کیف و کیسه، نوار قلب و اکوکاردیوگرام و نتایج آزمون ورزش را بیرون می‌کشند و اشک

خود بیمارانگاری گاهی جزئی از افسردگی است، در این صورت درمان افسردگی باعث ناپدید شدن خود بیمارانگاری می‌شود. درمان مناسب در بیشتر موارد عبارت است از روان درمانی بینش‌گرا که به وسیله روان پزشک انجام می‌شود

روش درمانی اصلی، درمان شناختی - رفتاری است. انواع دیگر روان درمانی‌ها مانند گروه درمانی هم ممکن است مؤثر باشند.

در برخی از موارد، درمان دارویی با داروهای ضدافسردگی هم بسیار کمک کننده است. در صورتی که این بیماری زودتر شناسایی و درمان شود، علاوه بر احساس آرامش و راحتی که برای بیمار ایجاد می‌کند، از صرف هزینه‌های زیاد برای بررسی‌های جسمانی مانند آزمایش‌ها، سونوگرافی و تصویربرداری و اندوسکوپی نیز پیشگیری می‌شود.

«« اطرافیان کمک کنند

اطرافیان این بیماران نقش مهمی در ایجاد یا بهبود این افراد دارند. در برخی موارد، خانواده بیمار بیش از حد نگران هستند و باعث تشدید نگرانی او می‌شوند و حتی به آزمایش‌ها و بررسی‌های بیشتر و مراجعه به پزشکان معروف و صرف هزینه‌های بیشتر تشویق می‌کنند که این حالت اوضاع را بدتر می‌کند.

برخی از خانواده‌ها نیز روش نادیده گرفتن مشکلات بیمار را در پیش می‌گیرند که این رویکرد نیز مناسب نیست و ممکن است منجر به تشدید مشکلات شود. رویکرد منطقی، همراهی و حمایت از بیمار است نه همراهی و تأکید بیش از حد روی علائم بیماری.

عاطفه و محبت را گدایی و با بیمار بودن، ترحم دیگران را جلب کنند یا از طریق بیماری از مسئولیت‌های خود طفره روند.

گاهی فردی که توجه لازم را از دنیای بیرون و دیگران دریافت نمی‌کند، به صورت جبرانی بر جسم خود توجه می‌یابد و کوچک‌ترین نشانه را بیماری می‌انگارد، به زبان بی‌زبانی می‌گوید: «اگر شما به من توجه نکردید، در عوض من با توجه زیاد به خودم آن را جبران می‌کنم.» احساس عدم امنیت هم ممکن است باعث خود بیمارانگاری شود؛ فرد تهدید ناشناخته‌ای را که از محیط نسبت به خود احساس می‌کند، به صورت تهدیدی به سلامت جسمی خود تجسم می‌کند. به همین دلیل افراد سالمند زمانی که با دگرگونی دیدگاه روان شناختی نسبت به زندگی، نارسایی‌های ناگزیر فیزیولوژیک و احساس زوال در توانایی روانی زیستی مواجه می‌شوند، دچار خود بیمارانگاری می‌شوند.

خود بیمارانگاری گاهی جزئی از افسردگی است، در این صورت درمان افسردگی باعث ناپدید شدن خود بیمارانگاری می‌شود. درمان مناسب در بیشتر موارد عبارت است از روان درمانی بینش‌گرا که به وسیله روان پزشک انجام می‌شود و مفهوم نمادین نشانه‌های بیماری را آشکار می‌کند. در صورت وجود نشانه‌های اضطرابی یا افسردگی، مصرف داروهای ضداضطراب یا ضدافسردگی به تجویز روان پزشک، می‌تواند مفید باشد.

«« در ایران این بیماری بیشتر است

در ایران نیز این بیماری وجود دارد. احتمالاً شیوع بیماری در کشور ما بیشتر از کشورهای غربی باشد چرا که بیان مشکلات در قالب بیماری جسمی یا جسمانی کردن در کشور ما بیشتر دیده می‌شود بخصوص اگر مفهوم اضطراب سلامت را به جای خودبیمارانگاری در نظر بگیریم، شیوع آن قابل توجه خواهد بود.

«« همراهی دیگر اختلال‌ها

این بیماری همراهی زیادی با اختلال‌های اضطرابی مانند اختلال پانیک و وسواس دارد. همچنین در افراد مبتلا به افسردگی ممکن است اضطراب سلامت و خودبیمارانگاری دیده شود.

گاهی اوقات اضطراب سلامت ارتباط تنگاتنگی با ترس بیش از حد از مرگ دارد. گاهی هم خود بیمارانگاری مجموعه‌ای از علائم است که همزمان با یک مشکل روانپزشکی دیگر مشاهده می‌شود. مثلاً فردی به افسردگی مبتلا است و این افسردگی ممکن است با نگرانی بیش از حد در مورد سلامت همراه باشد.

«« درمان انواع مختلف دارد

۲ نوع درمان برای اضطراب سلامتی وجود دارد.

احساس نگرانی می‌کند و رفتارهایی را به دنبال این اضطراب در پیش می‌گیرد که ممکن است برای خود و خانواده‌اش تبعاتی داشته باشد.

«« علائم این اختلال چیست؟

علائم فیزیکی همیشه موجودند و فرد براساس یک علامت فیزیولوژیک مانند آبریزش بینی، سردرد، درد شکم، سرگیجه، بی‌اشتهایی و ... که از قضا ممکن است عادی باشند، تصور می‌کند دچار بیماری خاصی شده و آن را به غلط، خطرناکتر از آنچه هست تفسیر می‌کند.

«« ریشه مشکل کجاست؟

این بیماری هم مانند بسیاری از بیماری‌ها و مشکلات سلامت روان دلایل متعددی دارد. عوامل ژنتیک و وراثت در برخی بیماران نقش اساسی ایفا می‌کند. در افراد خانواده این بیماران، بیماری‌های اضطرابی شایع‌تر است.

همچنین یادگیری‌هایی که فرد در محیط خانواده و از دوران کودکی دارد، می‌تواند در بروز بیماری نقش داشته باشد. مثلاً کودکی که مادرش نگرانی بیش از حد در مورد بیماری‌های ساده او دارد، ممکن است در بزرگسالی مدام نگران سلامت خود شود.

گاهی برخی رویدادها در زندگی فرد در بروز یا تشدید این بیماری نقش دارد مثلاً ابتلای یکی از افراد خانواده به یک بیماری یا فوت یکی از افراد خانواده به دلیل بیماری مانند سرطان که باعث نگرانی بیش از حد در مورد این بیماری می‌شود.

یکی از دلایل نگرانی بیش از حد در مورد بیماری‌ها، مطالبی است که در رسانه‌های مختلف در مورد بیماری‌ها تولید و پخش می‌شود. مثلاً اگر تلویزیون برنامه‌های متعددی در مورد بیماری ام‌اس یا سرطان داشته باشد، در گروهی از افراد ممکن است باعث تشدید اضطراب در مورد سلامت شود.

«« دلایل بروز خودبیمارانگاری

افراد خود بیمارانگار اشتغال فکری و نگرانی پیوسته‌ای درباره حالت سلامت یا وضعیت اعضای بدن خود و شکایت‌های متعدد درباره اندام و اجزای بدن خود دارند. در آنها هر کارکرد بدنی که عموم مردم بدیهی می‌دانند و توجهی به آن نمی‌کنند، به صورت نشانه‌ای از یک بیماری خطیر و درمان ناپذیر جلوه می‌کند؛ تندی و کندی نبض، اجابت مزاج، سردرد عادی، حتی خستگی یا بی‌خوابی یا بی‌اشتهایی یا پراشتهایی را اغراق‌آمیز درک می‌کنند و ذهنشان را آشفته می‌کند. در معاینه آنها هیچ فرایند آسیب شناخته‌ای، قابل مشاهده نیست اما توجه‌شان به صورتی غیرطبیعی بر بدن خود متمرکز است. به نظر می‌رسد خود بیمارانگاری ناشی از جابجا شدن اضطراب از منابع ذهنی ناخودآگاه به جسم باشد. افراد خود بیمارانگار در تعامل‌های دوران کودکی آموخته‌اند





سرچشمه و بخشگاه آب قنات



صنایع دستی - سفال

میبد شهر خورشید

سفر در فصل تابستان به مناطق مرکزی شاید دشوار باشد، اما با آمدن فصل پاییز و خنک شدن هوا می‌توان راه کویر را در پیش گرفت. در این شماره به معرفی شهر خورشید خانم می‌پردازیم. شهر میبد در ۴۵ کیلومتری یزد واقع شده است. این شهر دومین مرکز شهری و تجاری استان یزد محسوب می‌شود و به واسطه بافت تاریخی ارزشمند خود تمام شهر در فهرست آثار تاریخی ایران به ثبت رسیده. میبد یکی از کانون‌های اولیه یکجانشینی در ایران است که در واحه پهنای یزد واقع شده است. این شهرستان در حدود ۷۰۰۰ سال قدمت دارد و در جمع قدیمی‌ترین شهرهای دنیا قرار دارد. مهمترین بنای تاریخی این شهر با بیش از ۷۰۰۰ سال قدمت نارین قلعه می‌باشد. این بنا توانسته عنوان قدیمی‌ترین بنای تاریخی را به خود اختصاص دهد و تا کنون هیچ کشوری نتوانسته ادعای بنایی قدیمی‌تر از آن را داشته باشد. برخی از مردم محلی می‌گویند که این بنا متعلق به زمان حضرت سلیمان(ع) می‌باشد و توسط یکی از دیوهای تحت سلطه ایشان ساخته شده است.

مکان‌های دیدنی و تاریخی

آب انبار کلار، روستای بیده میبد، خانه تاریخی سالار میبد، موزه تخصصی سفال و موزه تخصصی زیلو، نارین قلعه، امامزاده میرشمس الحق، چاپارخانه و روستای مزرعه کلاتر، کبوترخانه میبد، کاروانسرای سلطان آباد، کاروانسرای رباط شاه عباسی میبد، یخچال خشتی میبد، برج و بارو و دروازه شارستان، قلعه حسن آباد، مسجد جامع میبد، سرچشمه و بخشگاه آب قنات، روستای بیده، دو روستای چم و مبارکه اشاره کرد.

صنایع دستی

زیلوبافی و خورجین‌بافی را می‌توان از جمله صنایع دستی میبد نامید، اما مهم‌ترین هنر این شهر سفال آن است. در اصطلاح محلی به تولیدات سفال میبد کواره می‌گویند. سفال و سرامیک میبد با نقش‌های اصیل خورشید خانم و مرغ و ماهی شهرت فراوان دارد.



خانه تاریخی سالار

کاروانسرای رباط شاه عباسی میبد

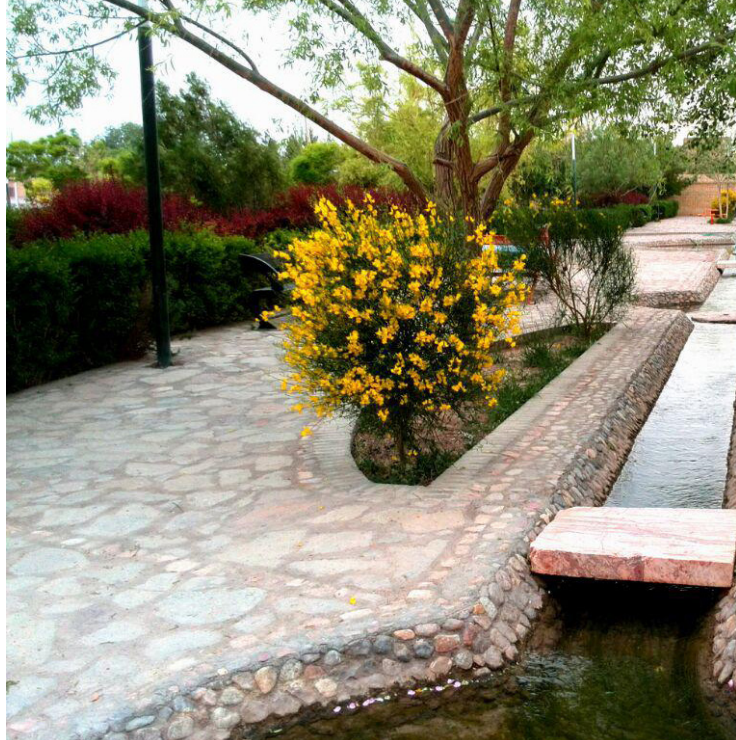


مسجد جامع میبد





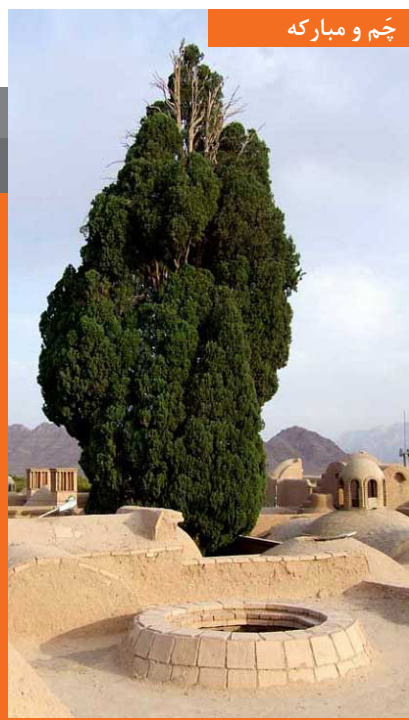
موزه سفال



آب انبار کلار



چاپارخانه میبد



چم و مبارکه



IRAN
MAYBOD

به ایرج گفتم: «تو که این قدر این بچه را دوست داری! جبهه نرو» جوابی به من داد که دیگر نتوانستم حرف بزنم و مانع جبهه رفتنش شوم! گفت: «امام حسین(ع) هم علی اکبر را خیلی دوست داشت! من می خواهم علی اکبر مثل علی اکبر(ع) امام حسین بار بیاید!»

گفتگو با پدر و مادر شهیدان خدمتی

تو را من چشم در راهم

○ سیده زینب اسکندریان

پدر شهید: منوچهر در عملیات شهید نشد. در تاریخ ۲۵ مهر سال ۶۱ در منطقه کوشک خوزستان عراقی ها پاتک زده بودند، منوچهر راننده تانک بود و هم سنگری اش ترکش خورده بود. فرمانده گفته بود از تانک بیرون نیا. اما منوچهر می خواست دوستش را نجات بدهد در مسیر تانک تا سنگر عراقی ها خمپاره زدند و منوچهر به شهادت رسید.

- چگونه از شهادت منوچهر مطلع شدید؟

مادر شهید: صبح بود آن زمان ایرج بخاطر مجروحیت در خانه تحت مداوا بود. در حال آماده کردن صبحانه بودم. صدای در آمد، در را باز کردم یک آقا بود که سراغ منوچهر را گرفت، گفتم: قرار هست که بیاد امروز و فردا باید تهران باشد. منوچهر چون در ارتش اهواز بود می خواست تشکیل خانواده بدهد و با ما در میان گذاشته بود که به خواستگاری برویم. ما رفته بودیم جواب بله را گرفتیم و منتظر برگشتن منوچهر بودیم- آن آقا رفت. چند دقیقه بعد یکی از همسایه ها در زد و گفت می خواهم با ایرج صحبت کنم، به اتاق ایرج رفت و خبر شهادت منوچهر را داده بود. از ایرج هر چیزی پرسیدم گفت چیزی نشده. چهره اش منقلب شده بود. من خیلی اصرار کردم، ایرج گفت: «مادر می توانی تحمل کنی؟ قول بده که خونسرد باشی». گفتم: «ایرج راستش رو بگو، بخدا من خیلی صبر دارم» گفت: «مامان منوچهر مان شهید شده». وقتی این خبر را شنیدم اول جیغ کشیدم ولی بعد نشستم و ساکت شدم. گفتم: «مامان چرا اینجا نشست؟ چادر سرت کن و همین که این حرف را زد چادر سرم کردم و پا برهنه رفتم سر خیابان، سوار ماشین شدم تا معراج شهید. آنجا حاجی را دیدم در اتاق نشسته. در مسیر با خودم صحبت می کردم که ای کاش منوچهر نباشد. ولی با دیدن پیکرش مطمئن شدم منوچهر شهید شده.

- از آخرین خاطرات منوچهر چیزی به یاد دارید؟

مادر شهید: ایرج مجروح بود از بیمارستان مرخص شد و منوچهر گفت باید قربانی کنیم. گوسفند گرفتیم و کباب درست کردیم. در حال خوردن غذا بودیم که منوچهر گفت: «مامان، اگر یک موقعی بهت بگویند منوچهر شهید شد، چکار می کنی؟ گفتم: «منوچهر تو را خدا این حرف را زن من طاقت ندارم».

عکس جدید گرفته بود، می خواست کنار آینه بگذارد که ایرج گفت: «عکس را بیار ببینم». ایرج عکس را نگاه کرد و گفت: «منوچهر این عکس فقط مناسب پای حجله است». ناراحت شدم و گفتم: «ایرج چرا این حرف را می زنی؟ این بچه بعد ظهر راهی جبهه است» ایرج گفت: «مامان شوخی کردم». منوچهر رفت، شهید شد و همان عکس شد عکس حجله اش.

- صحبتمان را با زندگی ایرج ادامه می دهیم، ایرج متولد چه سالی بود و کجا به دنیا آمد؟

پدر شهید: ایرج سال ۱۳۴۲ در شمال به دنیا آمد.

- مهمترین ویژگی اخلاقی ایشان چه بود؟

پدر شهید: ایرج خیلی ساکت، خجالتی و ساده زیست بود.

شهادت یکی از والاترین مقامی است که انسان می تواند به آن برسد. مقامی والا که مستلزم آن دستان زحمتکش پدر و دامان پر محبت و ایمان مادر است. پدر و مادری که نسلی با ایمان تربیت کردند که قدرت ایمانشان ابرقدرت های دنیا را به زانو در آورد. در این شماره گفتگویی داریم با پدر و مادر بزرگوار شهیدان ایرج، منوچهر و محمد خدمتی رشت آبادی.

مادر شهید: منوچهر بسیار پسر پرچنب و جوشی بود. و با یک اخلاق بی نظیر که اگر کنار یک درخت خشک قرار می گرفت با اخلاقی کاری می کرد که آن درخت برگ می داد. خیلی در انجام کارهای خانه به مادرش کمک می کرد، حتی آشپزی می کرد.

- تحصیلات منوچهر را بفرمایید؟

پدر شهید: منوچهر سیکلش را گرفت و بعد از یک سال به ارتش رفت. ایشان زمانی که شهید شد گروهان ارتش بود.

- برای رفتن به جبهه از شما اجازه گرفتند؟
پدر شهید: بله، اجازه گرفتند منم اجازه دادم چون خودم در منطقه عملیاتی فاو حضور داشتم.

- دلپره و نگرانی نداشتید؟

پدر شهید: آمادگی شهادت فرزندانم را داشتم. زمانی که امام (ره) دستور جهاد دادند حجت برای ما تمام شده بود.

مادر شهید: نگرانی و اضطراب به طور ناخودآگاه بود و اینکه این آمادگی را خدا به ما داده بود که با هر صدای زنگ در، منتظر خبر شهادت بچه ها بودیم. می دانستیم جنگ شهادت، اسارت و جانبازی دارد.

- آقا منوچهر در چه عملیاتی شهید شد؟

نادر خدمتی از اهالی رشت آباد در سال ۱۳۲۲ در خانواده ای به دنیا آمد که با وجود وضع مالی نه چندان خوبش اما به تحصیل اهمیت زیادی می دادند. از همان کودکی او را به مکتب خانه فرستادند. نادر تا ۱۳ سالگی در کلاس درس شرکت می کرد ولی به دلیل کمبود امکانات نتوانست به مقاطع بالاتر برود. از سال ۱۳۳۵ در یک شرکت شن و ماسه شروع به کار کرد و در سال ۱۳۳۸ به دلیل نقل مکان شرکت به سنگر مهاجرت کرد. در سال ۱۳۴۱ با ثریا روشنایی ازدواج کرد. حاصل این ازدواج ۵ فرزند (۳ پسر و ۲ دختر) است. که هر سه فرزند پسر این خانواده به بالاترین مقام بندگی یعنی شهادت رسیدند.

- گفتگوی خود را با بررسی زندگی اولین فرزند شهیدتان شروع می کنیم. ایشان را معرفی کنید؟

پدر شهید: اولین شهید از خانواده خدمتی پسر دوم به نام منوچهر خدمتی است. ایشان متولد ۱۳۴۳ در تهران بود.

- منوچهر چه خصوصیات اخلاقی داشت؟





- در دوران مدرسه چطور بودند؟

مادر شهید: فاصله سنی ایرج و منوچهر یک سال بود، به همین دلیل همیشه با هم بودند. هر دو را در مدرسه میدان خراسان ثبت نام کردم و با هم به مدرسه می‌رفتند. کافی بود چند دقیقه دیر کنند چادر سر می‌کردم می‌رفتم دم مدرسه، ایرج با وجود سن کم از آمدن من ناراحت می‌شد و می‌گفت: «مامان چرا آمدی؟ من پیش بچه‌ها خجالت می‌کشم». اما منوچهر تا مرا می‌دیدید ذوق زده می‌شد می‌آمد در آغوشم.

- ایرج در فعالیت‌های قبل از انقلاب حضور داشت؟

پدر شهید: یک روز مدیر مدرسه مرا احضار کرد و گفت ایرج به مدرسه نمی‌آید. وقتی از ایرج پرسیدم کجا میری؟ گفت: «راهپیمایی». ایرج از همان موقع فعالیت‌های انقلابی خود را شروع کرد و بعد از گرفتن دیپلم وارد سپاه شد.

- بارزترین ویژگی اخلاقی ایرج کدام بود؟

مادر شهید: ایرج خیلی مقید بود، بعد از این ۳ پسر خدا به من یک دختر داد. دخترم کلاس اول رفت. ایرج گفت: «مامان چرا اجازه می‌دهی بدون چادر به مدرسه بروی؟» گفتیم: «هنوز بچه است و برایش سخت است» رفت و دوتا چادر برایش خرید. اگر در خانه ما غیبت می‌شد سریع تذکر می‌داد. و به نمازش خیلی اهمیت می‌داد مخصوصاً نماز جماعت و نماز جمعه، همیشه شرکت می‌کرد. سالی که در نماز جمعه بمب گذاری کردند در صف سوم نشسته بود.

- نحوه اعزام شهید ایرج چطور بود؟

پدر شهید: از طرف سپاه اعزام شد. در عملیات رمضان مجروح شد و حدود سه ماه در بیمارستان بستری بود.

- ایرج ازدواج کرده بود؟

پدر شهید: ایرج زخمی شده بود ۴ ماه در بیمارستان بود و ۳ ماه در منزل از ایشان مراقبت کردیم. در همان ایام ازدواج کرد و حاصل ازدواجش یک پسر به نام علی اکبر است.

- بعد از شهادت منوچهر و مجروحیت ایرج، از رفتن مجدد ایشان به جبهه ممانعت نمی‌کردید؟

پدر شهید: ایشان پایش آسیب دیده بود پای سمت راستش دوسانت کوتاه‌تر شده و چون یک فرزندمان شهید شده بود و ایرج یک بچه کوچک داشت ما اصرار کردیم نرو، اما ایرج راهش را پیدا کرده بود. می‌گفت: «من بخاطر جراحت در بستر بودم برادرم شهید شد الان باید بعد از ایشان بروم و جایش را پر کنم».

مادر شهید: یک روز با ایرج بهشت زهرا رفته بودیم، علی اکبر خیلی به ایرج وابسته شده بود و پشت سرش گریه می‌کرد و دائماً او را می‌بوسید! به ایرج گفتیم: «تو که این قدر این بچه را دوست داری! جبهه نرو» جوابی به من داد که دیگر نتوانستم حرف بزنم و مانع جبهه رفتنش شوم! گفت: «مامان حسین(ع) هم علی اکبر را خیلی دوست داشت! من می‌خوام علی اکبر مثل علی اکبر(ع) امام حسین بار بیاید؟!»

- از شهادت ایرج برای ما تعریف کنید؟

سال ۶۷ و در کمتر از دو ماه مانده به پایان جنگ در منطقه شلمچه و در عملیات بیت‌المقدس ۷ شهید شد و ما هنوز اطلاعی از ایشان نداشتیم. شنیده بودیم لشکر محمد رسول الله (ص) در حال برگشت است، داشتیم آمده می‌شدم که بریم، صدای زنگ آمد پستیچی بود به حاج آقا گفته بود نامه‌ای که به جبهه فرستادید برگشت خورده گیرنده‌اش در جبهه نیست.

رفتیم پادگان مالک اشتر و گفتیم به من بگید چه اتفاقی افتاده. گفتند یک سری از نیروها شهید شدند و سوختن جنازه خیلی از بچه‌ها مشخص نیست. محمد هم جز آن دسته از نیروهاست.

برگشتم خونه و جریان را به حاج آقا گفتم. خدا به ما صبر عطا کرده بود. اما منتظر خبر بودیم.

پدر شهید: چند مدت گذشت خبری نشد نتوانستیم بی‌خبر بمانیم رفتیم اهواز دنبال محمد. مادر شهید: رفتیم پایگاه مالک اشتر اهواز به دربان گفتیم: «امدم فرزندم را پیدا کنم». ایشان گفت: «حاج خانم اینجا جنازه هست و دیدن آنها شما را ناراحت می‌کند». گفتیم: «این بچه سومم هست. من صبر دارم».

بنده خدا راضی شد در کانتینر رو باز کرد، شهدای زیادی آنجا بودند یکی یکی پارچه روی شهدا را برمی‌داشتیم. همه را دیدم اما بچه من آنجا نبود. با دیدن لباس‌های یکی از آن‌ها احساس کردم شاید محمد باشد. سوار ماشین شدیم یک مسیری را طی کرده بودیم که گفتیم: «حاج آقا برگردیم» گفت: «چرا؟» گفتیم: «محمد روز آخر رفته بود کوهنوردی و پاش زخمی شده بود این یک نشانه است». برگشتیم رفتیم بالای سر همان شهیدی که شک داشتیم اما پاهایش سلام بود و یک نشانه دیگر در بدن محمد بود که باز آن نشانه نبود.

برگشتیم تهران اما هنوز چشم به راه هستیم، محمد وصیت کرده بود بعد شهادتم ۷ روز جشن بگیرد و فقط شیرینی بدهد و لباس سفید تن کنی. همه وصیت محمد را اجرا کردیم.

- در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

پدر شهید: از مسئولین می‌خواهم کاری نکنند که خون شهدا پایمال شود.

پدر شهید: ایرج بی‌تاب شده بود. خانمش خیلی اصرار کرد که نرو. ایرج گفت اجازه بدید برم و هوایی عوض کنم. دو بار رفت و برگشت، گفتیم: «ایرج این بچه را چه کسی بزرگ می‌کند؟» گفت: «همان کسی که مرا بزرگ کرده پسر مرا بزرگ می‌کند». ایرج راهی جبهه شد و یک هفته بعد از اعزامش در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۶۵ عملیات کربلای ۱ انجام گرفت و از ناحیه صورت ترکش خورد و به شهادت رسید.

- چه کسی خبر شهادت ایرج را به شما داد؟

آن روز برای انجام کاری به میدان فردوسی رفتم. به میدان خراسان رسیدیم و پیاده شدم پسر همسایه به اسم پرویز با موتور آنجا ایستاده بود و اصرار داشت من را به خانه برساند. ازش پرسیدم اتفاقی افتاده؟ اشک از چشمان پرویز جاری شد و گفت که ایرج را به معراج شهدا بردند. کوچه ما پر از جمعیت بود، خانم‌ها دور حاج خانم بودند. دیگر نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده فقط همان جا نشستیم.

- محمد متولد چه سالی بود؟

مادر شهید: محمد متولد ۱۳۴۷ بود و در تهران به دنیا آمد. بعد از گرفتن سیکل حالا نوبت محمد بود که بی‌تاب جبهه شود.

- از رفتن محمد به جبهه ممانعت کردید؟

پدر شهید: بعد از شهادت منوچهر و ایرج، محمد می‌خواست به جبهه برود و اصرارهای ما کاملاً بی‌فایده بود.

مادر شهید: برای نرفتن محمد من خیلی اصرار کردم حتی رفتم پادگان امام حسین(ع) و لباس از تنش درآوردم و آوردمش خونه. بلیط هواپیما مشهد برایش گرفتم بعد از چند روز برگشت و گفت: دیگه نمی‌توانم بمانم. مشهد من را فرستادید به هوایی که من در آن راضی بشم، من میرم.

ایرج قبل شهادت در پخش رازی کار می‌کرد، وقتی شهید شد گفتن محمد بیاد اونجا. هشت ماه آنجا کار می‌کرد، یک ماه سرکار بود، ۴۰ روز جبهه می‌رفت و برمی‌گشت. هر چقدر ما اصرار می‌کردیم نرو، می‌گفت: «با داداشها قرار گذاشته‌ام که منم میام باید برم».

محمد بدون اطلاع به جبهه رفت. در ۲۳ خرداد

نقش نیروهای امنیتی در این سریال ظرافت‌ها و تفاوت‌های خاص خود را با هم داشت. با این حال در ظاهر نقش‌های من و امیر جعفری و داریوش ارجمند نقش نیروهای امنیتی است، اما درجات و سطوح‌های تفکیک شده دارند

- از اینکه مخاطب همچنان شما را با نقش‌های امنیتی و پلیسی در سینما و تلویزیون می‌شناسد راضی هستید؟

من بازیگری هستم که از تئاتر به سینما و تلویزیون آمدم. جایگاه اصلی من تئاتر است و حتی بازنشسته اداره تئاتر هستم. کسانی که مرا با نگاه حرفه‌ای‌تری می‌شناسند متوجه تفاوت در بازی‌های من می‌شوند اما اینکه عده‌ای می‌گویند شخصیت من در یک اثر نسبت به سایر آثاری که در آنها بازی داشته‌ام باید متفاوت باشد را من نمی‌توانم بپذیرم؛ چون تفاوت در نوع بازی یک بازیگر است که نمود پیدا می‌کند. هر چند انتخاب یک نقش به شرایط دیگری هم برمی‌گردد. اینکه آیا نقش دیگری هم وجود دارد که آن را بپذیرم؟ یا برای من چه نقش‌هایی نوشته می‌شود و چه فیلم‌نامه نویسانی برای قاسم زارع نقش می‌نویسند و چه کارگردانی هستند که ریسک می‌کنند و این نقش‌ها را به من به عنوان یک بازیگر می‌سپارند؟

- پس به نظر خودتان تجربه دوباره نقش مأمور اطلاعاتی و امنیتی آن هم در یک سریال ارزشش را داشت؟

نقش نیروهای امنیتی در این سریال ظرافت‌ها و تفاوت‌های خاص خود را با هم داشت. با این حال در ظاهر نقش‌های من و امیر جعفری و داریوش ارجمند نقش نیروهای امنیتی است، اما درجات و سطوح‌های تفکیک شده دارند و اگر از زاویه‌ای دیگر به نقش‌های این سریال نگاه کنیم حتماً آن‌ها را متفاوت از هم خواهیم دید. این نیروها کمتر درگیر برخوردهای فیزیکی می‌شود، ایدئولوژی دارند و خود ایده‌پرداز و طراح هستند. به عنوان مثال نقش پلیسی که در فیلم‌ها و سریال‌ها بر عهده داشتم شاید همه با یک مدل که همان لباس پلیس باشد تعریف شود؛ اما به واقع رفتار این پلیس‌ها به یک صورت نیست و اینجاست که بحث بازیگری معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

- سریال تعبیر وارونه یک رويا چه محاسن و ویژگی‌هایی برای شما داشت؟

داستان سریال یک متن پرتعلیق جذاب با کلی گره‌های داستانی غیرقابل پیش‌بینی است که خواندن و بازی‌اش برایم هیجان‌انگیز بود و اصلاً مسیر داستان و کنش شخصیت‌ها با توجه به فضای داستان قابل پیش‌بینی نبود و همه چیز بشدت طراحی و مهندسی شده بود و نشان از تجربیات سال‌ها نویسندگی فریدون جیرانی دارد که در کارش به تکامل نزدیک شده است و روز اول کاری بن‌مایه اصلی داستان را برایم تعریف کرد.

- همکاری‌تان با فریدون جیرانی در سریال

همراه با قاسم زارع بازیگر سریال «تعبیر وارونه یک رويا»

ایده‌پردازی یک مأمور ویژه

○ نیره رضایی مطلق

قاسم زارع که این روزها در نقش سرگرد احسان پور یکی از مدیران حوزه حراست و امنیت سازمان انرژی اتمی در سریال «تعبیر وارونه یک رويا» به کارگردانی فریدون جیرانی بازی می‌کند بازیگری است که بیشتر در نقش مأموران اطلاعاتی و نظامی ظاهر می‌شود و برای همین دیدن او در نقش سرگرد احسان پور خیلی دور از ذهن نبود. او که هنوز قصد پنهان کردن لهجه همدانی‌اش را ندارد با تن صدای ویژه‌اش همچنان که در فیلم ابراهیم حاتمی کیا یعنی «آژانس شیشه‌ای» ظاهر شده بود در این سریال بازی کرده‌است. البته زارع این شانس را داشته که با کارگردانان خوبی مانند محمدعلی نجفی (زاگرس)، بهمن فرمان‌آرا (خانه‌ای روی آب)، محمد بزرگ‌نیا (جایی برای زندگی)، انسیه شاه‌حسینی (پنالتی)، احمد کاوری (نفوذی) و مسعود نقاش‌زاده (کودک و فرشته) همکاری کند و نقش‌های متفاوتی را تجربه کند. با او درباره حضور و همکاری‌اش با فریدون جیرانی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.



«تعبیر وارونه یک رویا» چگونه بود؟

این اولین همکاری‌ام با جیرانی بود. اما می‌دانستم کارگردان قابل و توانایی است و تا حدی سبک کاری‌اش را می‌شناختم برای همین دوست داشتم با ایشان همکاری کنم که خدا را شکر این همکاری فراهم شد آنهم با فیلم نامه بسیار خوبی که قابلیت بسیاری را دارا بود.

– شیوه کار جیرانی در تلویزیون چطور بود؟

از ابتدای کار آقای جیرانی طرح کلی کار را در اختیار ما قرار دادند اما فیلم‌نامه سکانس به سکانس روزانه نوشته می‌شد و همان روز نگارش در اختیار ما قرار می‌گرفت. برایم فیلم‌نامه مهم است و اگر نویسنده و کارگردان یک نفر باشد مثل همین سریال تعبیر وارونه یک رویا که فریدون جیرانی نویسنده و کارگردانش است. تکلیف من بازنگر با کلیت کار مشخص هست. متن این سریال را خود جیرانی به صورت همزمان با فیلمبرداری می‌نوشت و چون به جزئیات کار بسیار مسلط بود و با دقت متن را طبق شرایط روز فیلمبرداری می‌نوشت. هر کس دیگری جز من هم من با این رویه و دقتی که کارگردان در نوشتن داشت مجاب می‌شد به او و کارش اعتماد کند.

– داستان تعبیر وارونه یک رویا چه محاسن و ویژگی‌هایی داشت؟

روز اول کاری که بن‌مایه اصلی داستان را برایم تعریف کردند حدس زدم که کار می‌گیرد. سریال یک متن پرتعلیق جذاب با کلی گره‌های داستانی غیرقابل پیش‌بینی داشت که هم مخاطب را تا انتهای قصه جذب می‌کرد و هم بازی‌اش برایم هیجان‌انگیز بود به نظرم اصلاً مسیر داستان و کنش شخصیت‌ها با توجه به فضای داستان قابل پیش‌بینی نبود و همه چیز بشدت طراحتی و مهندسی شده بود و نشان از تجربیات سال‌ها نویسندگی فریدون جیرانی داشت که در کارش به تکامل نزدیک شده بود.

– روایت داستانی با پیچیدگی‌ها و گره‌های زیاد چقدر می‌تواند نگاه مخاطبان عام را با خود همراه کند؟

تلویزیون رسانه‌ای عمومی است که بخش‌های مختلفی دارد و باید نیاز سلیقه‌ها و گروه‌های مختلفی از بینندگان را تأمین کند. ممکن است مخاطبی صرفاً با هدف سرگرم شدن پای تماشای تلویزیون بنشیند که این سریال مناسب ذائقه او

– بعد از گذشت این همه سال فعالیت در عرصه بازیگری کوتاهی و بلندی نقش برایتان تا چه میزان اهمیت دارد؟

هیچ وقت خودم را درگیر این مسأله که نقش‌ام کوتاه است یا بلند، نکرده‌ام؛ چنانچه من در فیلم سینمایی بوی پیراهن یوسف به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا نقشی کوتاه را به عهده داشتم. اما همان‌جا هم تلاش کردم نقشی که بازی می‌کنم تأثیرگذار باشد. شک نکنید که تأثیرگذاری و متفاوت بودن نقش از کوتاهی و بلندی آن بیشتر اهمیت دارد.

– در بحث سینمای دفاع مقدس چه نقاطی باید قوی شود و آیا جای خالی آن را در سریال‌های تلویزیون حس می‌کنید؟

من به شخصه به عنوان کسی که تجربه‌هایی در زمینه دفاع مقدس داشته‌ام، تصور می‌کنم اکنون اگر به زوایای دیده نشده و ناگفته‌های جنگ بپردازیم، برای مخاطبان جذابیت‌های بیشتری خواهد داشت تا اینکه صرفاً به جبهه و جنگ بپردازیم. به‌طور نمونه بهترین موضوعی که به صورت مستند می‌توان درباره اتفاقات هشت سال دفاع به آن پرداخت، فتح خرمشهر است که متأسفانه دولت‌های مختلف یا دوره‌های گوناگون مدیریت صدا و سیما با وجود صرف هزینه در راستای آثار هنری جنگی، به آن نپرداخته‌اند. شاید به سمت و سوی این قصه رفتن دشوار باشد اما نگین جنگ ما فتح خرمشهر است که باید در میان آثار هنری ماندگار شود و برای نسل‌های بعدی که قطعاً درباره‌اش سؤالاتی دارند بماند.

این بار فیلم «چهار اصفهانی در بغداد» انتظار مخاطب را می‌کشد. فیلم کمدی از یک کارگردان جوان با نام که داریوش باباییان تهیه کرده است. این فیلم در تم اجتماعی با پس‌زمینه دفاع مقدسی روایت می‌شود.

نخواهد بود اما قرار نیست تلویزیون صرفاً به بعد سرگرمی محدود شود و ما در قالب این سریال به نوعی هدف فرهنگ سازی را هم دنبال می‌کنیم.

– پرداختن به نیروهای وزارت اطلاعات سختی‌های خاص خودش را دارد و البته یک فیلم‌نامه قریص و محکم می‌تواند فداکاری و هوشیاری آنها را به خوبی نشان دهد. به نظر شما کارگردان تا چه مقدار در این کار موفق بود؟

من به چنین داستان‌هایی همواره نگاه ملی دارم و جناحی یا گروهی به آنها نگاه نمی‌کنم. معتقدم سرمایه‌های هر مملکت را دانشمندان آن کشور در هر زمینه‌ای تشکیل می‌دهند که متعلق به آن مملکت هستند. تعبیر وارونه یک رویا اولین و آخرین سریال در این زمینه نخواهد بود. مردم کشور ما حق دارند بدانند پشت پرده چه اتفاقاتی می‌افتد و باید ارزش و اهمیت دانشمندان ما در عرصه‌های مختلف از جمله هسته‌ای نشان داده شود.

– کارنامه شما با تعداد زیادی فیلم در حوزه دفاع مقدس نظیر آژانس شیشه‌ای، موج مرده، اخراجی‌ها و پیک‌نیک در میدان جنگ معرفی می‌شود. آیا به بازی در این آثار علاقه دارید؟

به نظرم هیچ وقت نمی‌توان از شرایط بچه‌های جبهه دور شد، چرا که هنوز با این آدم‌ها زندگی می‌کنیم. این در حالی است که من نیز در دوران جنگ به صورت عینی و نزدیک با جنگ روبه‌رو بودم و آن دوران بخشی از زندگی من است که هیچ‌گاه از یاد نخواهم برد به همین دلیل می‌توان گفت که شرایط حرفه‌ای و پیشینه‌ام، در انتخاب نقش‌های دفاع مقدس تأثیر داشته است هر چند به عنوان بازیگری حرفه‌ای باید نقش‌های مختلفی را تجربه کنم و شخصیت‌های مختلفی را آنالیزه کنم.

سیر تحول مضامین نمایشی

در تئاتر دفاع مقدس

○ سید حسین فدایی حسین

در آورد. کارگردان پیشنهاد ذوالفقاری را به سبب تجربه‌ای نو در عرصه تئاتر می‌پذیرد و وقتی در این بستر پیش می‌رود با ۵ عباس روبه‌رو می‌شود که هر کدام آیین‌های هستند رو در روی هم تا...

نمایش فوق با ساختاری منسجم، ضمن به کارگیری تمامی عوامل و امکانات نمایشی آن دوره، به نوعی تمامی مضامین ذکر شده در بالا رویکرد تبلیغی، حماسی و تهییج‌کننده را مدنظر قرار داده بود.

« ادبیات نمایشی پس از جنگ

پس از پایان جنگ و برقراری آتش‌بس و پی‌ان ایجاد آرامش اجتماعی در کشور، به نظر می‌رسید فضا و موقعیت لازم برای نگاهی دیگرگون و متفاوت به جنگ، فارغ از جنبه‌های تبلیغی و تحریک‌کننده فراهم شده است؛ اما تا سال ۱۳۷۲ و برگزاری اولین دوره «مسابقه نمایشنامه‌نویسی دفاع مقدس»، خبر چندان از رویکرد متفاوت و متناسب با سالهای پس از جنگ در ادبیات نمایشی این دوره مشاهده نمی‌شود. البته نگارنده به صراحت نمی‌تواند چنین ادعایی را داشته باشد، چرا که در درجه اول ممکن است فقدان اخبار و اسناد پژوهشی در این خصوص باعث ایجاد چنین برداشتی از این دوره شده باشد و در درجه دوم نگرش و اجرای نمایش‌هایی مانند «عطا سردار مغلوب» نوشته و کار «علیرضا نادری» در سال ۱۳۷۱ و در «هفتمین جشنواره تئاتر دانشجویان»، نشان از وجود رگه‌های مضمونی متفاوت از جنگ در چنین دوره‌ای است.

«علیرضا نادری» که خود از جوانان نسل جنگ بوده و در جبهه نیز حضور داشته است، در نمایشنامه «عطا سردار مغلوب» با نگاهی انتقادی به شرایط رزمندگان و سرداران زخم‌خورده زمان جنگ، در حال حاضر می‌پردازد:

شکی نیست که شکل‌گیری جریان تئاتر جنگ در کشور ما متأثر از وقایع دفاع مقدس و جریان اجتماعی بزرگی چون جنگ تحمیلی است. این امر اگر چه در ابتدای پیدایش جریان تئاتر دفاع مقدس، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید و نوعی واکنش منطقی نسبت به واقع‌های اجتماعی به حساب می‌آمد، اما با نگاهی به ادامه روند این جریان و تحول مضامین نمایش‌های جنگ در سالهای بعد بخصوص پس از جنگ همچنان شاهد وابستگی ادبیات نمایشی دفاع مقدس به شرایط و مقتضیات زمان از جنبه‌های مختلف اجتماعی، تاریخی و البته گاه سیاسی منشعب از سالهای جنگ هستیم.

دفاع مقدس، در خصوص اولین نمایش‌های اجرا شده با مضمون جنگ چنین می‌نویسد: اولین واکنش نمایشی به حمله عراق و اشغال خاک ایران، نمایش تلویزیونی در سنگر به نویسندگی و کارگردانی بهزاد فراهانی بود. این نمایش در اوایل جنگ تولید شد و به سرعت بر آنتن رفت. نمایش در سنگر نمایشی تهییجی بود و بر عواقب اشغال خاک ایران توسط رژیم بعثی عراق به مردم هشدار می‌داد.

اولین نمایش صحنه‌ای مربوط به جنگ ایران و عراق نیز نمایشی به نام ننه خضیره به نویسندگی محمدرضا کلاهدوزان بود که به کارگردانی حمید مظفری در تالار وحدت بر روی صحنه رفت. این نمایش در سال ۱۳۶۰ ضبط تلویزیونی شد.

نمایش فوق داستانی زنی به نام ننه خضیره است که در جنوب زندگی می‌کند. اشغالگران وارد روستای او می‌شوند. عده‌ای از آنان به سرکردگی یک افسر عراقی به خانه او می‌آیند. ننه خضیره برای آنها نان می‌پزد و نان‌ها را سیمی می‌کند و خود نیز از نان‌های سیمی می‌خورد و همراه با عراقی‌ها کشته می‌شود. این نمایش براساس یک داستان واقعی نوشته شده است.

از جمله آثار شاخص دیگر در این دوره می‌توان به نمایش «مظلوم پنجم» به نویسندگی و کارگردانی «رضا صابری» اشاره داشت که در سال ۱۳۶۲ در دومین جشنواره تئاتر فجر به اجرا درآمد و مورد توجه و استقبال قرار گرفت. داستان نمایش مظلوم پنجم از این قرار است: «عباس ذوالفقاری، عکاس جبهه و جنگ، به دوستش که کارگردان تجربه‌گر و برجسته تئاتر است پیشنهاد می‌کند تا آثار عکاسی او را که براساس کند و کاوش در حول زندگی هم اسام و هم کنیه‌ای به نام «شهید عباس ذوالفقاری» گرفته است به نمایش

در این مجال سعی بر آن است تا با نگرشی جامع در نمایش‌های اجرا شده و یا نمایشنامه‌های چاپ شده با موضوع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، سیر تحول مضامین به کار رفته در این آثار مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

ادبیات نمایشی همزمان با جنگ

گرچه بررسی جامع مضامین آثار نمایشی اجرا شده در مدت ۸ ساله دفاع مقدس، در این مجال امکان‌پذیر نیست، اما با سیری اجمالی در اخبار و اسناد به جای مانده از آن دوره به این نتیجه می‌توان رسید که نمایش‌های اجرا شده در مدت ۸ ساله جنگ خود به دو بخش عمده قابل تقسیم است: نمایش‌های اجرا شده در جبهه جنگ و نمایش‌هایی درباره جنگ.

به قولی دیگر نمایش‌هایی که توسط گروه‌های تئاتری پشت جبهه و یا گروه‌های نمایشی از بین خود رزمندگان به اجرای نمایش در جبهه‌ها و برای رزمندگان می‌پرداختند و نمایش‌هایی که درباره جنگ و رزمندگان برای تماشاگران پشت جبهه به اجرا درمی‌آمد.

نمایش‌های ذکر شده، بسته به شرایط زمانی و مکانی اجرا، از مضامین مختلفی برخوردار بود، اما در اکثر قریب به اتفاق آثار نمایشی این دوره چند مضمون عمده را می‌توان سراغ گرفت که رویکرد تبلیغی، حماسی و تهییج‌کننده و یا مضامینی که به وحدت و عزم ملی برای مقابله با دشمن اشاره داشتند از جمله این مضامین است. این خصوصیت البته لازمه زمان جنگ بوده و به قولی شرایط اجتماعی و سیاسی کشور ایجاب می‌کرده است تا هنرمندان این عرصه، بیشتر به جنبه‌های تحریک‌کننده در جنگ اشاره داشته باشند نه آن که به تحلیل و بررسی پدیده جنگ بپردازند.

جواد اعرابی، کارشناس تئاتر در مطلبی تحت عنوان نگاهی به تئاتر جنگ و شکل‌گیری تئاتر

«عطا رزمنده جانبازی که روزگاری یکه‌تاز میدان‌های نبرد بوده، اکنون در آسایشگاهی به روزمرگی رسیده است. او مدام در گذشته خود سیر می‌کند و...»

هرچند پیش از اولین دوره «مسابقه نمایشنامه‌نویسی و جشنواره تئاتر دفاع مقدس»، جشنواره‌هایی با رویکرد به جنگ و دفاع مقدس برگزار شده بود، اما می‌توان رویکرد جدی و قابل توجه و البته مورد استناد به مضامین متنوع و متفاوت جنگ را در آثار «مسابقه نمایشنامه‌نویسی و جشنواره تئاتر دفاع مقدس» جستجو کرد.

در مقاله حاضر، به منظور ارائه بررسی دقیق و قابل استناد درخصوص مضامین به کار رفته در آثار ادبیات نمایشی جنگ، پس از مراجعه به اسناد مکتوب در زمینه آثار برگزیده دوره‌های مختلف «مسابقات نمایشنامه‌نویسی و جشنواره‌های تئاتر دفاع مقدس»، شامل متن نمایشنامه‌های چاپ شده و شناسنامه نمایشنامه‌های اجرا شده در ۱۱ دوره جشنواره، به تقسیم‌بندی کلی از مضمون‌های مورد توجه نویسندگان آثار جنگ اشاره می‌شود.

با بررسی متن و خلاصه داستان بیش از ۲۵۰ اثر مکتوب نمایشی، برگزیده در «مسابقات نمایشنامه‌نویسی و جشنواره‌های تئاتر دفاع مقدس»، موارد ذیل به عنوان مضامین و رویکردهای اصلی آثار ذکر شده مورد شناسایی قرار گرفت:

- (۱) نگاه تبلیغی و تهییجی به جنگ
- (۲) روایت ایثار، مقاومت و شهادت‌طلبی (نگاه تاریخی و مستند به جنگ)
- (۳) مهاجران جنگی و مسائل مربوط به اردوگاه آوارگان
- (۴) پایان جنگ و عدم پذیرش شرایط جدید (حسرت بازماندگان جنگ)
- (۵) عوارض و تبعات منفی جنگ (آثار ضد جنگ)

(۶) بازسازی و جبران عوارض و خرابی‌های جنگ

(۷) پاکسازی و تفحص پیکر شهدا
(۸) اسارت و مسائل مربوط به آزادگان
(۹) انتظار و مسائل مربوط به مفقودین
(۱۰) تقابل نسل جنگ و پس از جنگ
(۱۱) نگاه تطبیقی جنگ با اسطوره، افسانه و مذهب

(۱۲) نگاه از منظر جبهه مقابل
(۱۳) نگاه فانتزی، شاعرانه، جهان‌شمول و فراواقعی به جنگ

لازم به ذکر است که برخی از آثار بررسی شده، دارای ترکیبی از مضامین عنوان شده هستند که در این رابطه، مضمون اصلی اثر

مورد توجه قرار گرفته است. در ضمن مسائل دیگری همچون «حضور بانوان در جنگ» و «یا «جنگ از منظر زن»، «باز خورد جنگ در نگاه کودکان و نوجوانان»، «خانواده و جنگ»، «موضوع مسائل مربوط به «خانواده شهدا، جانبازان و رزمندگان» و «شرایط زندگی در خانواده‌های درگیر با جنگ»، «مساله بمباران و موشکباران»، «وضعیت پناهگاه‌ها» و غیره نیز در بسیاری از آثار نمایشی مطرح شده است، اما این گونه مسائل عموماً در ترکیب با مضامین ذکر شده در بالا به کار رفته است. به بیانی دیگر این مسائل بیشتر بهانه، بستر و زمینه اثر را شامل شده و منظر و دیدگاه نویسنده مضمون دیگری بوده است.



دستاوردهای نظامی ایران اسلامی

تازه‌های علمی...

تانک چرخدار اقارب

تانک چرخدار اقارب دستاورد جدید نیروی زمینی ارتش که برای نخستین بار در کشور رونمایی شد، این تانک مجهز به توپ ۹۰ میلی متری و دارای ۴ نفر کاربر است. تیربار فرماندهی این تاک ۱۲۰۷ میلی‌متر است و نسبت توان به وزن آن ۳۰ است. تانک اقارب تجهیز شده به آخرین نسل کنترل آتش بوده و سیستم تعلیق آن نیز مستقل است. این تانک دارای ۸ چرخ فعال است.



خودرو رباتیک بدون سرنشین نذیر

ربات مسلح چهار در چهار یکی دیگر از دستاوردهای نیروی زمینی ارتش با حضور فرماندهی ارتش در سال ۹۴ رونمایی شد. فرمانده نیروی زمینی ارتش گفت: همچنین برای نخستین بار از خودرو رباتیک بدون سرنشین نذیر (ربات مسلح چهار در چهار) رونمایی شد که این ربات قابلیت حمل دو موشک و ۶۰۰ کیلو محموله را دارد. این ربات همچنین قابلیت انجام مأموریت‌های شناسایی و رزمی و قابلیت نصب یک سلاح اجتماعی متوسط (تیربار ۷،۶۲ میلی‌متری یا دو موشک پدافند هوایی یا دو موشک ضد زره) را دارد. شعاع عملیاتی این ربات بدون سرنشین در فاز اول ۲ کیلومتر است.



خودرو فلاق

در آستانه روز ارتش در سال جاری نیروی زمینی ارتش خودرو فلاق را به عنوان یکی از جدیدترین دستاوردهایش رونمایی کرد. خودروی فلاق قابلیت حرکت با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در جاده‌های دارای عارضه و ۱۳۰ کیلومتر در جاده‌های شوسه را داراست و از چابکی بالایی برخوردار است. این خودرو قابلیت نصب سلاح اجتماعی (تیربار ۱۲۰۷ م.م) اتوماسیون و استاپ لایزر بر روی پلتفرم با دو درجه آزادی را دارد. سرنشین این خودرو یک نفر و وزن آن نیز ۴ تن است. این خودرو در شعاع عملیاتی ۴۰۰ کیلومتر عمل می‌کند.



ربات رزمی سپاه

در رزمایش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که محوریت با نیروی زمینی سپاه بود، دستاوردهای جدید نیروی زمینی رونمایی شد. یکی از این دستاوردها یک ربات شناسایی با برد ۵ کیلومتر با دوربین‌های ترمال و فنی و همچنین ربات دیگری که مسلح و با قابلیت انهدام اهداف در برد ۵ کیلومتر بود.





ساخت موتورهای پیشرفته وانکل پهپادی در ایران

سپاه پاسداران با تولید ۲ نوع موتور وانکل، جمهوری اسلامی ایران را با تکیه بر توان متخصصان داخلی، عضو باشگاه کشورهای دارنده موتورهای پیشرفته وانکل پهپادی کرد. سال گذشته در محافل خبری، زمزمه‌هایی از دستیابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به یک صنعت پیشرفته در حوزه پهپادی شنیده می‌شد تا این که جانشین فرمانده کل سپاه اوایل اسفند ماه سال ۹۳ اعلام کرد که سپاه به تکنولوژی ساخت موتورهای پیشرفته وانکل در حوزه پرنده‌های بی‌سرنشین دست یافته است. سردار سلامی آن زمان گفته بود که تمام اجزای پهپادها در داخل کشور ساخته می‌شود و از موتورهای وانکل (نوعی موتور دورانی درون‌سوز) تا موتورهای پیستونی و جت پهپادها را با تکیه بر توانایی خودمان تولید می‌کنیم. این سخنان سردار سلامی اگر چه بازتاب آنچنانی در رسانه‌های داخلی و خارجی نداشت، اما کسانی که دستی در عرصه‌های نظامی و صنعت پهپادسازی داشتند، متوجه نکته مهمی شدند و آن این که، حالا پهپادهای سپاه، توان حرکت با ۳ نوع موتور متفاوت را دارا هستند. دستیابی به این تکنولوژی، اهمیت فراوانی در صنایع پهپادی و البته صنایع دیگر دارد.

موشک کروز زمینی سومار

با حضور سردار حسین دهقان، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سردار امیر علی حاجی زاده فرمانده هوا فضای سپاه، مراسم رونمایی و تحویل دهی موشک‌های کروز زمینی سومار و تحویل دهی انبوه موشک‌های بالستیک دوربرد زمین به زمین قدر و قیام به نیروی هوا فضای سپاه برگزار شد. سامانه موشکی کروز برد بلند زمینی سومار به همت متخصصان سازمان صنایع هوا فضای وزارت دفاع طراحی و ساخته شده است. طراحی و ساخت این سلاح که از فناوری‌های پیچیده و نوین در حوزه‌های ناوبری، پیش رانش و سازه برخورددار است، گامی بلند در ارتقاء توان دفاعی و قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. این موشک‌ها توانایی انهدام طیف متنوعی از اهداف را دارد و با توجه به قابلیت‌های تاکتیک‌پذیری بالا، ماندگاری طولانی در صحنه نبرد و رادارگریزی می‌تواند در هر شرایطی اهداف مورد نظر را منهدم کند.

موشک کروز زمینی سومار در مقایسه با تولیدات قبلی ویژگی‌های متفاوتی را از لحاظ برد و دقت اصابت دارد. موشک کروز زمینی محصولی جدید است که از ویژگی‌های متمایزی در مقایسه با قبل در سیستم‌های کنترل، سازه و پیش‌ران برخوردار است و یکی از نقاط افتخارآمیز است که اثر بسیار تعیین‌کننده‌ای در ارتقای توان دفاعی کشور دارد. این موشک در هدف‌گذاری بسیار مؤثر است.



مهمترین رسالت فرزندان شهدا نشر عطر
شهدات در جامعه است البته فرزندان شهدا
باید ابتدا خودشان ایثارگر باشند و در مرحله
بعدی این روحیه را در جامعه نشر دهند

دیروز شهدا، امروز فرزندان شهدا

رمز موفقیت کشور

○ سیده زینب اسکندریان

جامدات) دانشگاه صنعتی شریف قبول شدم. بعد از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی، در سال ۷۹ رشته مهندسی مکانیک (ساخت و تولید) دانشگاه علم و صنعت ایران مقطع کارشناسی ارشد قبول شدم و در سال ۸۱ فارغ تحصیل شدم.

- موفقیت‌هایی که کسب کردید در چه حوزه‌هایی بوده؟

«سرپرست شیفت نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی سیکل ترکیبی نیشابور به مدت ۹ سال»
«مستول امور ایثارگران شرکت مدیریت تولید برق خيام (نیروگاه نیشابور)»
«رئیس آموزش‌شده عالی فنی و حرفه‌ای سما واحد نیشابور»
«عضو نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی»
«عضو هیأت علمی آزاد اسلامی واحد نیشابور از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰»

موفقیت و سربلندی کشور خون بهای جوانان دیروز است که از جانشان گذشتند و امروز فرزندان همان شهدا پای در عرصه‌های علمی و صنعتی نهادند و با دلسوزی در کنار آحاد مردم برای موفقیت این کشور تلاش می‌کنند. تلاشی که بار نشسته و پیشرفت‌های کشور عزیزمان را رقم زده است. در این شماره گفتگوی با یکی از فرزندان موفق شهدا، جناب آقای مهندس محمد رستمی مدیر عامل شرکت پنبه و دانه‌های روغنی خراسان وابسته به سازمان اقتصادی کوثر داریم. محمد رستمی فرزند شهید پاسدار ابوطالب رستمی است. شهید رستمی در اسفند ۱۳۶۲، در عملیات خیبر و در جزیره مجنون عراق به شهادت رسید پیکر ایشان بعد از گذشت ۱۳ سال توسط تیم تفحص کشف و در سال ۱۳۷۵ تشییع شدند.

پدری‌ام، نیشابور برگشتیم. کلاس اول ابتدایی بود که پدرم شهید شد. تحصیلات مقدماتی را در نیشابور گذراندم و دیپلم خود را در رشته ریاضی فیزیک در سال ۱۳۷۴ دیپلم گرفتم. همان سال کنکور شرکت کردم و مهندسی مکانیک (طراحی

- جناب آقای رستمی در ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

بنده محمد رستمی متولد ۱۳ اسفند ۱۳۵۵ متولد تهران هستم. ۵ ساله بودم به شهر





«مدرس آموزش‌شده عالی فنی و حرفه‌ای دکتر شریعتی نیشابور»
 «عضو شورای مشورتی (ایثارگران) فرمانداران - شهرستان نیشابور»
 «عضو شورای مشورتی (ایثارگران) استانداران - خراسان رضوی»
 «عضو هیأت مدیره شرکت خوراک دام و طیور مشهد (وابسته به سازمان اقتصادی کوثر)»
 «عضو هیأت مدیره شرکت خاوردشت (وابسته به سازمان اقتصادی کوثر)»
 «مدیر عامل و نائب رئیس هیأت مدیره شرکت پنبه و دانه‌های روغنی خراسان (وابسته به سازمان اقتصادی کوثر) از سال ۱۳۹۰ تا کنون در خدمت بنیاد شهید هستیم و در حوزه صنعت مشغول به فعالیت می‌باشیم.»

- موفقیت‌های کسب کرده را حاصل همراهی چه کسانی می‌دانید؟

مادری که با جدیت تمام سعی کرد چهار فرزندش ۲ دختر و ۲ پسر - را هم در زمینه تربیت و هم تحصیل عالی ببار آورد و متعالی کند. ایشان در سن جوانی برای ما هم پدر بود و هم مادر. در تمام لحظات زندگی برای تمام فرزندان‌شان بهترین همراه بود. و بنده اگر تا کنون موفقیتی کسب کردم مرهون وجود مادرم است.

- به عنوان یک چهره موفق چه توصیه‌ای برای جوانان دارید؟

کل دنیا در حال تکاپو و حرکت است و کشور ما هم در این سیر رو به جلو یک شتاب گرفته است. همه مردم ما نسبت به موقعیتی که دارند به نوبه خود باید تلاش کنند و هیچ کس نباید دچار رکود شود. سکون و بی‌حرکتی باعث بی‌هدف شدن و هدر رفتن عمر انسان می‌شود. عمری که تنها سرمایه زندگی ماست، هر کس با سعی خودش باید در پیشرفت کشور دخیل باشد تا هم از لحاظ صنعتی و فرهنگی رشد کنیم.

- رسالت فرزندان شهدا در جامعه کنونی چه می‌دانید؟

فرزندان شهدا و خانواده‌های ایثارگر با توجه به لمس فداکاری و ایثارگری در زندگی خود نقش گسترش این فرهنگ را دارند. مهمترین رسالت فرزندان شهدا نشر عطر شهادت در جامعه است البته فرزندان شهدا باید ابتدا خودشان ایثارگر باشند و در مرحله بعدی این روحیه را در جامعه نشر دهند. فرزندان شهدا باید با پاکدستی خود ثابت کنند توانمند هستند و می‌توانند وضعیت موجود را با استفاده از امکانات به سمت رشد و

با توجه به اینکه اکثر نیروها شرکت جوان بودند از خلاقیت و نوآوری پرسنل شرکت استفاده کردیم و تعداد ۴ محصول شرکت را به بیش از ۱۴ محصول رساندیم. تولید روغن کنجد از این دست محصولات است که برای اولین بار با تکنولوژی بالا مراحل روغن‌کشی انجام شده است. از دیگر محصولات ماده اولیه سویای خوراکی مصرف انسانی برای کارخانجات تولید سویا بود که توانستیم انحصار تولید را که در دست شرکتی خاص بود بشکنیم و در امر تولید این محصول نیز موفق باشیم. از دیگر تولیداتی که داشتیم تولید روغن بکر آفتابگردان و کنجد بود.

- و طرح‌های آینده شرکت؟

از طرح‌های آینده می‌توان به تصفیه روغن خام و برن‌سازی اشاره کرد و با پاکدستی و تلاش توانستیم پس از چندین سال سود عملیاتی را در سال جاری داشته باشیم.

- هدف والای شرکت پنبه و دانه‌های روغنی خراسان؟

هدف شرکت تولید با کیفیت‌ترین محصولات است، امیدوارم بتوانیم با سعی و تلاش و در سایه رهنمون‌های رهبر عظیم‌الشان ایران اسلامی پیرامون اقتصاد و تولید در تأمین سلامت جامعه سهیم باشد.

بهبود تغییر دهند و در عهدی که با شهدا کرده‌اند راسخ و پیروز باشند.

- آقای رستمی، تعریفی از فعالیت مجموعه اقتصادی خودتان بفرمایید؟

شرکت پنبه و دانه‌های روغنی خراسان متعلق به سازمان اقتصادی کوثر است که یکی از سازمان‌های اقتصادی وابسته به بدنه بنیاد شهید است. این شرکت یک کارخانه روغن‌کشی با ظرفیت ۵۰۰ تن روغن در روز، تولیدکننده روغن خام انواع دانه‌های روغنی از قبیل (کنجد، آفتابگردان، کلزا و سویا) جهت تأمین مواد اولیه کارخانجات تصفیه روغن نباتی است و کنج‌ال‌ای این دانه‌های روغنی برای خوراک دام و طیور و آبزیان ارسال می‌شود.

شرکت پنبه و دانه‌های روغنی خراسان از شرکت‌های قدیمی است که البته ساختمان جدید الاحداث کارخانه در سال ۸۸ به بهره‌برداری رسیده است. این شرکت از تکنولوژی روز اروپا استفاده کرده و در منطقه خاورمیانه در نوع خود منحصر بفرد است و محصولاتی با کیفیت بالا تولید می‌کند. راندمان تولید شرکت پنبه و دانه‌های روغنی خراسان به اذعان متخصصان این رشته بالا و مطلوب است.

- از دستاوردهای جدید شرکت بفرمایید؟

تمرینات پیلاتس، عبارت از تلاش برای تمرکز فکر و درایت فرد بر روی عضلات بدن و چگونگی و عملکرد آنهاست. به مرور زمان و با اجرای مکرر حرکات، ذهن انسان بدن را بهتر درک می‌کند و آن را توانمندتر و متعادل‌تر می‌سازد

پیلاتس؛

تلاش برای کنترل بدن

از تمرینات ورزشی که انقلابی در کل رشته تربیت بدنی هستند و کتاب دیگر که در ۱۹۴۵ انتشار یافت و عنوانش بازگشت به زندگی از طریق کنترل‌ولوژی (دانش کنترل بدن) بود. این روش پس از مرگ ژوزف پیلاتس نیز توسط گروه کوچک طرفداران وی زنده نگه داشته شد و رفته رفته علوم تازه نیز، به قوانین مورد توجه پیلاتس پی برد. این ورزش ناشناخته به تدریج تبدیل به یک روش تکمیلی ورزشی به شکل همگانی و حتی خانگی شده‌است.

اصول مهم در پیلاتس

پیلاتس بر مبنای شش اصل: تمرکز، کنترل، تحرک، ایجاد نیروی دفاعی، دقت و تنفس (هواگیری)، بنا شده است. این ۶ اصل مهم پیلاتس برای کیفیت عملکرد و نتیجه موفقیت‌آمیز این ورزش، عناصر حیاتی هستند. ورزش پیلاتس همیشه تمامی تکیه خود را بر روی کیفیت گذاشته نه کمیت. بر عکس سیستم‌های ورزشی دیگر که شامل تکرار بیش از حد هر حرکت ورزشی است، در پیلاتس انجام هر کدام از حرکات بطور کامل و با دقت صورت می‌گیرد و این امر باعث می‌شود که ورزشکار در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نتایج دلخواه دست یابد. پیلاتس در واقع یک روش منحصر به فرد ورزشی است که در آن، قوای بدنی و پایداری ستون فقرات، تا زمانی که ۶ اصل اولیه آن

تاریخچه

پیلاتس برای نخستین بار توسط ژوزف پیلاتس، که متولد سال ۱۸۸۰ در آلمان بود، طراحی شد. وی در طول نیمه اول قرن بیستم، نسبت به گسترش و توسعه مجموعه‌ای از تمرینات خاص، که به منظور تقویت بدن و ذهن انسان در نظر گرفته شده بودند، اقدام نمود. جوزف پیلاتس معتقد بودند که سلامت جسمی و روانی ارتباط درونی تنگاتنگی با یکدیگر دارند. او در دوران جوانی خویش با بسیاری از شیوه‌ها و روش‌های تمرین فیزیکی و نرمش بدنی که در آلمان آن روزگار قابل دسترسی بودند، آشنایی پیدا کرده بود، این شیوه همچنین با روش‌های سنتی همچون «ورزش‌ها و تمرینات اصلاحگر» و یا «ژیمناستیک طبی» که توسط پهره‌ریک لینگ مورد توجه قرار گرفته بودند، در ارتباط بود. پیلاتس روشی از تمرینات ورزشی بود که در سال ۱۹۲۰ توسط ژوزف پیلاتس به وجود آمد در اصل جزء برنامه‌های آمادگی جسمانی زندانیان جنگ بود و بعدها به عنوان یکی از وسایل رسیدن به بالاترین سطح زیبایی اندام تبدیل شد. نام این ورزش در ابتدا توسط ژوزف پیلاتس علم کنترل بدن نام‌گذاری شده بود که پس از مرگ وی بدلیل احترام و حفظ یاد و خاطره او توسط بازماندگانش به نام پیلاتس متداول شد. جوزف پیلاتس، در طی دوران زندگی خویش، دو کتاب منتشر نمود که هر دوی آنها به تمرینات مخصوص روش ابداعی او مربوط بود: کتاب نخست که وی آن را در سال ۱۹۳۴ تدوین کرد و عنوان آن «سلامتی شما» مجموعه‌ای اصلاحگر

تعاریف

پیلاتس به مجموعه‌ای از تمرینات ورزشی تخصصی اطلاق می‌شود که بر بدن و ذهن فرد تأثیر گذاشته و ضمن بالا بردن قدرت واستقامت تمام اعضای بدن، عمیق‌ترین عضلات بدن را مورد هدف قرار می‌دهد. تمرینات پیلاتس، عبارت از تلاش برای تمرکز فکر و درایت فرد بر روی عضلات بدن و چگونگی و عملکرد آنهاست. به مرور زمان و با اجرای مکرر حرکات، ذهن انسان بدن را بهتر درک می‌کند و آن را توانمندتر و متعادل‌تر می‌سازد. همچنین حرکات پیلاتس عضلات و مفاصلی را مورد هدف قرار می‌دهد که در فعالیت‌های روزانه درگیر هستند مانند: نشستن، راه رفتن، حمل کردن بار، خم و راست شدن، تمرینات ورزشی پیلاتس طرز صحیح انجام حرکات روزانه در بدن ثبت می‌شود پیلاتس حرکات ورزشی را بشکلی آموزش می‌دهد که مانع ایجاد صدمات ورزشی گردد. کنترل‌ولوژی به ایجاد هارمونی یا هماهنگی کامل بین جسم، ذهن و روح انسان اطلاق شده است. علم کنترل‌ولوژی به فرد می‌آموزد که با مغز و اراده خویش، اختیار کامل جسم را در دست بگیرد. بدین ترتیب که عضلات بدن فرد، از اراده او فرمان ببرند. افراد ابتدا از طریق کنترل‌ولوژی به شیوه هدفمند، کنترل کامل جسم خود را در دست می‌گیرند و سپس از راه تکرار کامل حرکات آن به شیوه تدریجی ولی پیشرفت‌کننده به یک نوع هماهنگی طبیعی دست پیدا می‌کنند. کنترل‌ولوژی باعث پرورش هماهنگ اجزای بدن می‌شود، حالت‌ها و حرکات نادرست بدن را اصلاح می‌کند، نیروی حیات را به بدن باز می‌گرداند و توان ذهنی را افزایش می‌دهد.





رعایت شود، حفظ می‌گردد. وزنه برداری بطور مثال می‌تواند توجه زیادی روی بازوها یا قوای پاها نشان دهد. بدون توجه به این موضوع که این قسمت‌ها در ارتباط با سایر بخش‌های بدن هستند، حتی دویدن یا شنا کردن نیز روی پاها و بازوها و کمی به نرمی روی اعصاب کار می‌کند. در نهایت کسانی در ورزش کردن موفق می‌شوند که بتوانند هسته ماهیچه‌هاشان را به کار بیندازند اما در پیلاتس این دستیابی به کل در آن جا داده شده و از ابتدا یاد گرفته می‌شود.

انسانها تقریباً در دوران کودکی از نعمت رشد طبیعی و متعارف جسمانی برخوردارند اما با شروع دوران بلوغ، جسم افت کرده و شانه‌ها خمیده می‌شوند، عضلات شل و آویزان شده و نیروی حیاتی بشدت رو به تحلیل می‌رود. این قضیه امری فراگیر و طبیعی است و گفته می‌شود انجام حرکات ورزشی کنترولوژی و رعایت دستورالعملهای آن پرورش جسمانی را به ایده آل نزدیک می‌کند.

۸ اصل اولیه پیلاتس

آرامش: تمرینات را با آرامش آغاز کنید و خود را خسته نکنید. البته منظور از آرامش تنبلی نیست.

تمرکز: لازمه کنترل اعمالی که انجام می‌دهید تمرکز در نحوه انجام تمرینات است. تفکر هوشمندانه در انجام درست حرکات به شما کمک بسیار بزرگی خواهد کرد.

هماهنگی: خودآگاهی بیشتر در مورد بدن موجب هماهنگی بیشتر و بهتری در انجام حرکات خواهد بود. با تکرار تمرینات حرکات شما از ظرافت بیشتری برخوردار خواهند شد.

جهت دهی مناسب: به وضعیت درست

باز می‌گرداند و توان ذهنی را افزایش می‌دهد. در عین حال ادعا شده‌است که ورزش پیلاتس دارای فواید ذیل می‌باشد:

- بالا بردن و تقویت سیستم ایمنی بدن
- بالا بردن تمامی قوای بدن در جهت اینکه فکر و ذهن را از افکار منفی آزاد سازد بر خلاف یوگا بدن در حال حرکت می‌باشد.
- کاهش دهنده دردهای مهره‌ای و کمر
- ایجاد کشیدگی در ظاهر اندام
- بوجود آورنده شکل ظاهری بهتر اندام
- شکم ساف و کمر باریک
- پیشرفت انعطاف و تعادل
- افزایش قابلیت تحرک مفاصل
- حجیم کردن فضای ریه و بالا بردن قابلیت تنفس

- تقویت سیستم قلبی عروقی
- بالا بردن دامنه حرکتی مفاصل و عضلات
- از بین بردن درصد احتمالی جراحات و آسیب پذیری
- علاوه بر این کسانی که ورزش پیلاتس را انجام می‌دهند خواب بهتر عصبانیت کمتر استرس و خستگی کمتر خواهند داشت.

از آنجا که این روش تمرینی در وضعیت‌های ایستاده نشسته و خوابیده بدون طی مسافت و پرش و جهش انجام می‌گیرد آسیب‌های ناشی از صدمات مفصلی را کاهش می‌دهد زیرا حرکات ورزشی در دامنه‌های حرکتی در سه وضعیت فوق با اجرای تنفس‌های عمیق و انقباض‌های عضلانی انجام می‌گیرد.

با شروع پیلاتس می‌توان قدم به قدم تغییر ظاهر، اجرای صحیح حرکات، بدن جدید و بهتر، متوازن، صاف و کشیده، بلند تر، باریکتر و انعطاف پذیرتر با یک قدرت پنهانی ساخت. اعتقاد پیلاتس از تقویت قوای بدنی کسب و حفظ بدنی سالم و ذهنی سالم برای اجرای خوب کارهای روزانه و دیگر فعالیت‌های بدنی است.

بدن‌تان توجه نمایید. قبل از شروع هر حرکتی موارد زیر را در ذهن خود مرور نمایید:

۱. به وضعیت قرارگیری شمال- جنوب و شرق - غرب توجه نمایید که در آن نیروها بر روی یکدیگر اثری ندارند.
۲. ستون فقرات را همیشه تا جایی که می‌توانید در وضعیت کشیده قرار دهید.
۳. گردن را کشیده و آرام قرار دهید.
۴. به وضعیت قرارگیری پاهایتان توجه داشته باشید.

تنفس: تنفس عمیق و کامل را فراموش نکنید و در شروع تمرین نفس عمیقی بکشید و در حین انجام تمرین نیز نفس را بیرون دهید.

حرکت: حرکات روان آرام و آهسته را از مرکز به طرف بیرون اجرا کنید

مرکز سازی: یک مرکز ثقل قوی در میانه بدن داشته باشید بطوریکه قبل از هر حرکتی ناف به سمت داخل کشیده شود.

وضع و حالت انجام تمرین: حرکات را با آرامش و حوصله و قدرت انجام دهید و از انجام آنها بصورت شدید پرهیز کنید.

فواید پیلاتس

کسانی که کنترولوژی را برای اولین بار تجربه می‌کنند احساس می‌کنند سر حال آمده و بعد از سالها ذهن آنان از خواب بیدار شده‌است. گفته می‌شود که کنترولوژی باعث پرورش هماهنگ اجزای بدن شده و حالتها و حرکات نادرست بدن را اصلاح می‌کند. این روش همچنین، نیروی حیات را به بدن

ستاره باران در آزادی

نام‌ها و نیت‌های خیر

حمایت از بیماران MS باعث شد تا بسیاری از ستاره‌های نامدار دو دهه اخیر دنیا در ورزشگاه آزادی رودرروی ستارگان ایران قرار بگیرند. اتفاق فرخنده و مبارکی که جدا از چند ده ستاره داخلی و خارجی، بیش از ۴۵ هزار تماشاگر را هم به ورزشگاه قدیمی آزادی کشاند تا در شبی ستاره باران، امری خیر در گوشه‌ای از ایران شکل بگیرد و نگاه بسیاری از رسانه‌های ورزشی دنیا به کشورمان خیره شود.

تنها دیداری خیرخواهانه می‌توانست ستارگانی که برخی از آنها تا دو یا سه سال پیش به فعالیت حرفه‌ای در سطح اول فوتبال دنیا را پی می‌گرفتند را راهی ایران کند. ستاره‌هایی مانند روبرتو کارلوس، لوئیز فیگو، فرناندو هیرو، سالگادو، کاناوارو، ادگار داویدز، ویتور بایا، بودو ایلگنر و ... که سابقه قهرمانی جهان و حضور در تیم‌های ملی و باشگاهی مطرحی را یدک می‌کشیدند.

با وجود همه‌ی حاشیه‌های ایجاد شده در زمینه ورود ستاره‌های بین‌المللی و ناشی‌گری میزبانان در برقراری نظم چه در استقبال فرودگاهی و چه در حواشی ایجاد شده در ورزشگاه آزادی که منجر به ناراضی‌هایی برخی از ستاره‌های جدی و احموی جهان شد، آنچه در ورزشگاه آزادی در جمعه ششم شهریور رخ داد نشانه‌هایی برای امیدواری در دعوت بیشتر و مجدد از ستاره‌های جهان برای شرکت در دیدارهایی بیشتر است.

در نیمه اول این دیدار که تیم ایران با ترکیب

احمدرضا عابدزاده، یحیی گل محمدی، جواد زرینچه، علیرضا نیک بخت، مهدی هاشمی نسب، جواد نکونام، کریم باقری، حمید استیلی، علی کریمی، فرهاد مجیدی و خداداد عزیزی به میدان رفتند.

برای ستارگان جهان هم ویتور بایا، میشل سالگادو، فابیو کاناوارو، روبرتو کارلوس (سازن)، فرناندو هیرو، فرناندو کوتو، گایزکا مندیeta، یورک (لیتمان)، لوئیس فیگو، مارسل دسای (پائولتا)، ادگار داویدز در نیمه اول به میدان رفتند.

نیمه اول این دیدار خیریه در نهایت با سه گلی که روبرتو کارلوس، لوئیس فیگو و سازن به ثمر رساندند به سود ستارگان جهان به پایان رسید.

اوایل بازی تیم ستارگان ایران توسط مهدی هاشمی‌نسب به گل رسید اما این گل توسط داور بازی مردود اعلام شد. بعد از آن یک ضربه ایستگاهی برای تیم ستارگان جهان به دست آمد که روبرتو کارلوس این توپ را وارد دروازه کرد. کارلوس پس از مارسل دسای که خیلی زود تعویض شده بود و دوباره به زمین برگشت، زمین مسابقه را ترک کرد تا نفسی تازه کند.

لوئیز فیگو که آماده به نظر می‌رسید، دومین گل تیم ستارگان جهان را با شوتی فنی از پشت محوطه جریمه به ثمر رساند.

بازی در وقت‌های اضافه نیمه نخست بود که توپ به پائولتا رسید و این بازیکن پس از جا گذاشتن عابدزاده این بار دروازه خالی را باز کرد تا گل سوم

ستارگان جهان به ثمر برسد. در نیمه دوم تیم ستارگان ایران تعویض‌هایی داشت. فرهاد مجیدی از زمین مسابقه بیرون رفت و جای خود را رسول خطیبی داد. عابدزاده هم که سه گل در نیمه اول دریافت کرده بود با ابراهیم میرزاپور تعویض شد و محمدرضا مهدوی جای یحیی گل محمدی را گرفت.

بودو ایلگنر هم در تیم ستارگان جهان جای ویتور بایا گرفت. لوئیز فیگو، مارسل دسای، پائولتا، کاناوارو و سایر بازیکنان ستارگان جهان هم به نوبت تعویض می‌شدند و پس از استراحتی کوتاه دوباره به زمین باز می‌گشتند.

در این بین علی کریمی هم از تیم ستارگان ایران به بیرون رفت و گل محمدی بار دیگر به زمین برگشت و جای او را در ترکیب گرفت. مجید نامجو مطلق، مارکار آقاجانیان، صالح‌پور و هم در ترکیب تیم ستارگان ایران حضور یافتند.

بازی در نیمه دوم از تب و تاب افتاد و هیچکدام از دو تیم موقعیت خطرناکی روی دروازه یکدیگر نداشتند. افشاریان در دقیقه ۷۰ بازی یک بار دیگر استراحتی کوتاه به بازیکنان داد تا با نوشیدن آب نفسی تازه کنند.

در ادامه که بازیکنان کمی شرایط بهتری پیدا کردند و نفسی تازه کردند، تیم ستارگان جهان موفق شد یک گل دیگر به ثمر برساند که این گل آفساید بود.

عادل فردوسی‌پور در اواخر بازی وارد میدان شد و جای کریم باقری را گرفت که آماده‌تر از سایر بازیکنان به نظر می‌رسید و دقایق زیادی در میدان





حضور داشت. هر چند بسیاری از ستارگان ایرانی از شرایط ایده‌آل برای این بازی دور بودند اما باز هم توانستند موقعیت‌هایی روی دروازه حریف نامدار خود که توسط کاناوارو هدایت می‌شدند را هم خلق کنند. هدایت تیم فوتبال ستارگان ایران نیز به عهده علی پروین، محمد مایلی کهن و عباس رضوی بود.

این دیدار نه تنها مورد توجه رسانه‌های ایرانی قرار گرفت که توسط رسانه‌های بین‌المللی هم بازتاب داشت. نشریه «دیلی میل» انگلیس در این خصوص گزارش داد، روبرتو کارلوس، لوئیز فیگو و پائولتا پس از سال‌ها به میادین مسابقه بازگشتند و در دیدار خیریه بین تیم ستارگان فوتبال جهان و تیم منتخب ایران گلزنی کردند. کارلوس، مدافع پیشین رئال مادرید در دقیقه ۲۴ بازی با ضربه ایستگاهی رعدآسا دروازه منتخب ایران را گشود و هم‌تیمی پیشین او یعنی لوئیز فیگو هم با گلزنی‌اش در ادامه اختلاف را به دو گل رساند. پائولتا که در سال ۲۰۱۱ از دوران بازیگری اعلام بازنشستگی کرد پیش از پایان نیمه اول گل سوم ستارگان جهان را به ثمر رساند تا اطمینان حاصل شود که او در تیم برنده این بازی در تهران قرار دارد. عواید حاصل از این بازی در ایران به بیماران «ام اس» تخصیص داده خواهد شد.

سایت پرتغالی «maisfutebol» هم در مورد این بازی نوشت: لوئیز فیگوی پرتغالی که چندین ماه برای احراز پست ریاست فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) تلاش کرد، در دیداری خیریه با هدف جمع‌آوری کمک‌های مالی برای بیماران «ام اس» در ایران شرکت کرد، دیداری که تیم ستارگان فوتبال جهان با نتیجه ۳ بر صفر از سد منتخب ایران گذشت.

شبکه تلویزیونی «رای اسپورت» ایتالیا هم گزارش داد، ستارگان فوتبال جهان در دیداری خیریه در ایران موفق به شکست ۳ بر صفر تیم منتخب ایران شدند که تیمی متشکل از بازیکنان پیشین تیم

ملی ایران بود. در این بازی فابیو کاناوارو، مدافع پیشین تیم ملی ایتالیا هم حضور داشت. در پایان دیدار هم برخی بازیکنان تیم ستارگان جهان در کنفرانس خبری حاضر شدند از جمله فیگو بازیکن تیم ستارگان دنیا در این کنفرانس در مورد تغییرات در فیفا گفت: مردم خیلی باید خوشحال باشند از اینکه این تغییرات در فدراسیون جهانی فوتبال به وجود آمد.

لوئیز فیگو در خاتمه دیدار پیشکسوتان فوتبال ایران و ستارگان جهان اظهار کرد: از لحظه اولی که به استقبال ما آمدند، شرایط فوق‌العاده بود. تماشاگران و فضای استادیوم فوق‌العاده بود و از همه کسانی که برای دیدن بازی آمدند تشکر می‌کنم. برای من این اتفاق و این بازی خیریه بسیار بارزش بود. اینکه به بیماران کمک کنیم و این مسأله لذت بزرگی برای ماست.

وی درباره تغییرات در فیفا و رفتن بلاتر گفت: مردم خیلی باید خوشحال باشند از اینکه این تغییرات در فدراسیون جهانی فوتبال به وجود آمد. مسأله‌ای که من در این شش ماه دیدم مسأله‌ای بسیار عجیب بود. جامعه فوتبال و فیفا باید خیلی شفاف باشد و تنها در آن حرف نباشد بلکه عمل باشد.

ملی ایران بود. در این بازی فابیو کاناوارو، مدافع پیشین تیم ملی ایتالیا هم حضور داشت. در پایان دیدار هم برخی بازیکنان تیم ستارگان جهان در کنفرانس خبری حاضر شدند از جمله فیگو بازیکن تیم ستارگان دنیا در این کنفرانس در مورد تغییرات در فیفا گفت: مردم خیلی باید خوشحال باشند از اینکه این تغییرات در فدراسیون جهانی فوتبال به وجود آمد.

هافبک سابق تیم ملی پرتغال درباره کارلوس کی‌روش تصریح کرد: اگر کی‌روش در ایران نماند، او را به خانه‌ام می‌برم. کی‌روش مربی بزرگی است و علاوه بر آنکه یک مربی خوب است، یک دوست خوب نیز هست. او دین بزرگی در حق ما دارد، چه در تیم ملی پرتغال و چه در رئال. متأسفانه این اتفاق نیفتاد که امروز او را ببینیم. همیشه برای او آرزوی موفقیت کردم و امیدوارم در مقدماتی جام جهانی که پیش‌رو دارد موفق باشد.

ستارگان دنیا و یاران سالگادو و کارلوس در حالی همان شب در ضیافت شامی با حریفشان حاضر شدند که در ست پس از همان مهمانی راهی فرودگاه شدند تا به مقصدهای مختلف پرواز کنند. دیداری که باعث واکنش‌های مثبت بسیاری از آنها در فرادای آن روز و از طریق شبکه‌های اجتماعی و ابراز تشکر از مردم ایران شد.





برجام گامی به سوی سند چشم انداز ۱۴۰۴

۴۶

۱. برجام موفقیت اقتصادی ایران اسلامی در سطح منطقه‌ای را تثبیت می‌نماید. با اجرایی شدن برجام سیل عظیم سرمایه‌های اقتصادی روانه کشور می‌شود و برخلاف ده سال اخیر که حجم سرمایه گذاری در ایران را کاهش داد، در نتیجه برجام این قدرت‌های بزرگ اروپایی هستند که برای رقابت اقتصادی با ایران وارد بازی خواهند شد. نمونه عینی تلاش مجدانه فرانسوی‌ها برای نقش فعال در بازارهای اقتصادی ایران است. در نتیجه برجام ایران با دست بازتری به انتخاب گزینه‌های مورد نظر و برآورد هزینه-فایده می‌پردازد و اتفاقاً اینجاست که قدرت اقتصادی ایران آشکار خواهد شد. برجام حق انتخاب را برای ایران فراهم می‌نماید. در برجام محدودیت‌های سرمایه گذاری برداشته خواهد شد و راه را برای توسعه ایران اسلامی فراهم خواهد نمود.

۲. برجام بسترهای توسعه یافتگی را فراهم می‌سازد. شاخص‌های توسعه ارتباط تنگاتنگی با موازنه تجاری و تعامل سازنده با جهان بیرونی دارد. برجام در شکل حداقلی ایران را از تحریم‌ها

برنامه جامع اقدام مشترک با تمام چالش‌هایی که داشت من حیث المجموع و با نگاه حداقلی و حداکثری و همچنین لحاظ نمودن رویکرد موافقان و مخالفان اقدام تاریخی در سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود. هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ کمیت و نوع مساله برجام در تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران کم نظیر است. فارغ از نگرش‌های موافق و مخالف برجام ارتباط تنگاتنگی با سند چشم انداز ۱۴۰۴ دارد. نوشتار حاضر با بررسی پیوند برجام با سند چشم انداز ۱۴۰۴ درصدد تحلیل سند چشم انداز بر اساس مولفه‌ای قدرت ملی و نتایج حاصل از برجام است.

و چالش‌های ناشی از تحریم‌های هدفمند غرب برای شهروند ایرانی این سوال قابل تحلیل است که تداوم تحریم‌ها و صدور قطعنامه‌های پی در پی که اتفاقاً کاغذ پاره هم نبودند و تأثیرات مخربی هم داشت، دستیابی به سند چشم انداز و تثبیت جایگاه اقتصادی ایران حداقل اگر نگویم ناممکن بلکه روند رسیدن به تحقق سند چشم انداز را کند خواهد نمود. پرواضح است که در حوزه‌های زیر برجام نه تنها یک موفقیت و برنامه‌ای قابل دفاع بلکه عاملی تسریع دهنده برای سند چشم انداز است:

تحلیل مساله

ایران اسلامی از مولفه‌های قدرت ملی و منابع قدرت ساز برخوردار است. در سند چشم انداز به خوبی تصریح شده است که دست یافت به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ای آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل. با نگاهی به این موضوع

برجام الگویی برای حل مسائل هسته‌ای در جهان خواهد بود. برخلاف مدل کره شمالی، ایران رویکردی افراطی اتخاذ نکرد و برخلاف مدل لیبی ایران هرگز از مواضع بحق خود و دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای کوتاه نیامد

برآیند مساله:

با نگاهی عمیق به ضرورت‌های تحقق سند چشم انداز ۱۴۰۴ و نتایج حاصله از برجام بیانگر اهمیت راهبردی برجام است. برجام در عین استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی ایران را نیز حفظ نموده است و هر زمان که طرف خارجی بخواهد در برجام کارشکنی کند، متقابلاً ایران با سرعت بیشتری می‌تواند برنامه هسته‌ای خود را دنبال نماید. برجام با ظرفیت بالایی که در سیل ورود سرمایه‌های اقتصادی به ایران دارد، پل دستیابی به قدرت منطقه‌ای ایران است. نگاهی به وضعیت حال، و آینده سند چشم انداز ۱۴۰۴ بیانگر این موضوع است که حق با عراقچی باشد که گفته بود مخالفت با برجام خیانت به کشور است. برجام یک برنامه مشترک است و از لحاظ خارجی به همان اندازه که ایران برنده است غرب هم برنده است و به همان اندازه که ایران با غرب کارشکنی نمایند متقابلاً هر دو طرف بازنده خواهند شد. بنابراین پرواضح است که منافع مشترک و نیاز مشترک الزامات طرفین به اجرای برجام است. منصفانه باید گفت در ده سال آینده تحولات عديده‌ای در مسیر توسعه ایران خواهد بود. منتقدان باید بدانند که در مسیر دستیابی به سند چشم انداز باید شرایط موجود را در نظر گرفت. بازخوانی گذشته، حال و آینده مذاکرات هسته‌ای درس‌های خوبی برای دستیابی به سند چشم انداز ۱۴۰۴ است. هر تفسیر حقوقی که از برجام داشته باشیم خللی در ظرفیت‌های آن ایجاد نخواهد کرد. ظرفیت‌هایی که برجام دارد، تبلور واقعیت‌هایی است که قاعده برد برد را به تثبیت می‌رساند. با این تفاوت که برد ایران در برجام بیش از آمریکا است. چرا که ایران هیچ وقت دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و نخواهد بود و از آنجا که برنامه ایران از ابتدا صلح آمیز بوده لذا به رسمیت شناختن غنی‌سازی در برجام برابر است با افزایش سطح توسعه و این یعنی تحقق قدرت منطقه‌ای ایران توسعه یافته در سند چشم انداز ۱۴۰۴.

مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) باشد.

۵. برجام منطبق بر الگوی نظام‌مند سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر یعنی تحقق سیاست خارجی با سه اصل عزت، حکمت و مصلحت بود.

۶. برجام نتیجه برنامه‌ای ملی از نظر داخلی هم هست چرا که حاصل اعتماد مردم، رهبری و دولت، مجلس و تیم‌های مذاکره قبلی است. انطباق این برنامه با سند چشم انداز بیانگر همسویی مردم و حکومت است. چرا که در سند چشم انداز بر همسویی مردم و مسئولین حکومتی برای ایجاد جامعه مقتدر و امن تأکید شده است. مهمتر از اصل بازدارندگی که در سند چشم انداز آمده است ناظر بر همسویی ملی در برجام است. سند چشم انداز می‌گوید ایران جامعه‌ای؛ امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت. آیا حمایت رهبری، روسای سه قوه و مردم بیانگر خصیصه بازدارندگی برجام نیست؟ مهمتر از همه آیا برجام در عین استقلال سیاسی استقلال اقتصادی را نیز حفظ خواهد نمود.

۷. از آنجا که در سند چشم انداز ۱۴۰۴ تعامل سازنده و مؤثر با جهان تصریح شده و این مهم مستلزم شرایط صلح است در برجام نیز یک هدف اساسی نهفته است و آن حفظ صلح در برنامه هسته‌ای ایران است. نتیجه این دو هدف همسویی برجام و سند چشم انداز است.

خارج می‌کند و در شکل حداکثری ارتباط مؤثر با قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی را هموار می‌نماید. در چارچوب برجام تحریم‌های اطلاعاتی و تحقیقاتی برداشته خواهد شد و با ارتباط مؤثر با جهان بیرونی موازنه علمی را برقرار خواهیم نمود. همانطور که می‌دانیم در نتیجه تحریم‌ها حتی در مواردی تحریم‌های تحقیقاتی و علمی جامعه علمی ایران را با چالش‌هایی مواجه نمود. با اجرایی شدن برجام قدرت هسته‌ای ایران نه تنها به رسمیت شناخته شد بلکه در حوزه استراتژیک و امنیتی ایران را به یک قدرت جهانی تبدیل نمود. مذاکره شش قدرت جهانی با ایران و اتخاذ مواضع منطقی از سوی ایران بیانگر قدرت جهانی ایران در حوزه استراتژیک بود. این مساله را هم باید روشن نمود که قدرت چند وجهی است و تفوق یک جنبه از قدرت تأثیر مستقیمی بر دیگر جنبه‌های آن خواهد داشت. به طور مثال قدرت استراتژیک ایران در بعد امنیتی تأثیر مستقیمی بر قدرت اقتصادی خواهد داشت. همینطور تضعیف یک جنبه از قدرت نقش مهمی در کاهش دیگر جنبه‌های قدرت خواهد داشت. به طور مثال تداوم تحریم‌ها و انزوای اقتصادی ایران حتی بر بخش‌های امنیتی ایران در بلندمدت تأثیر مخربی بر جای خواهد گذاشت. از این حیث و از این نظر برجام نقش موازنه‌ای دارد. از آنجا که یک قدرت منطقه‌ای بزرگ دارای ارتباط تنگاتنگ با قدرت‌های جهانی است برجام عاملی در راستای تفوق قدرت منطقه‌ای ایران است.

۳. برجام ارتباط مستقیمی با امنیت عمومی و رفاه اجتماعی دارد. گفته می‌شود در نتیجه تحریم‌ها و نوسانات نرخ دلار بسیاری از هموطنان متضرر شده‌اند و در نتیجه این ضرر تنش‌های اجتماعی بیشتر و حتی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق و اعتیاد در نتیجه نوسانات بازار دامن‌گیر جامعه ایرانی شده است. برجام می‌تواند با تثبیت نرخ ارز و توسعه اقتصادی در کاهش تنش‌های اجتماعی مؤثر باشد. برجام می‌تواند به تحقق این امر کمک نماید که جامعه ایران برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد و تبعیض باشد.

۴. برجام الگویی برای حل مسائل هسته‌ای در جهان خواهد بود. برخلاف مدل کره شمالی، ایران رویکردی افراطی اتخاذ نکرد و برخلاف مدل لیبی ایران هرگز از مواضع بحق خود و دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته‌ای کوتاه نیامد. این رویکرد بیانگر تحقق روحیه انقلابی در سیاست خارجی و تحقق دیپلماسی انقلابی بود. برجام ارائه مدلی بود که الهام بخش بودن سند چشم انداز را به اثبات رساند. در بند پایانی سند چشم انداز چنین آمده است. ایران اسلامی باید الهام بخش، فعال و



در معاملات آنلاین، فروشندگان باید به مشتریان خود انتخاب‌های مطمئن و راحتی را برای نحوه پرداخت ارائه دهند، به طوری که بهترین نتیجه را برای مشتری و واحد تجاری در برداشته باشد

در پیچه...

خرید اینترنتی بدون وا همه سرقت

دربازارهای مجازی

با گسترش علم، فاصله بین دنیای مجازی و دنیای حقیقی در حال کمتر شدن است و روابط دنیای حقیقی معادی در دنیای مجازی پیدا کرده است. با گسترش روابط و تعاملات بشر در دنیای مجازی، تبادلات مالی نیز در این سال‌ها در این دنیا جایگاهی پیدا کرده است. با ایجاد فروشگاه‌های آنلاین و گسترش شعبات خرید در این فضا و البته روشهای متفاوت خرید، امنیت مالی کاربران مورد تهدید قرار گرفته است. در این شماره سعی داریم کاربران را با موارد امنیتی مربوط به استفاده از کارت‌های اعتباری در اینترنت آشنا کنیم.

جلوگیری از سرقت اطلاعات کارت اعتباری

یکی از خطرات جدی در خرید و فروش آنلاین، لو رفتن شماره کارت‌های اعتباری و رمز عبور آن‌ها است که سالانه میلیون‌ها دلار خسارت به بانک‌ها و دارندگان کارت‌ها وارد می‌آورد.

۱. خرید از سایت‌های معتبر

یکی از روش‌های متداول سرقت اطلاعات مذکور، تقلید از وب سایت‌های معتبر و فریب خریداران است. هزینه پایین ایجاد یک وب سایت جدید و سادگی تقلید از صفحات وب سایت‌های معتبر، به سادگی امکان ساخت سایت‌های غیرقانونی را که به نظر توسط یک شرکت ثبت شده و معتبر هدایت می‌شوند، ایجاد می‌کند. در حقیقت کلاهبرداران اینترنتی، اطلاعات کارت‌های اعتباری قربانیان را به وسیله ایجاد وب سایت‌های به ظاهر حرفه‌ای که از شرکت‌های قانونی تقلید کرده‌اند، سرقت می‌کنند. واضح است که هوشیاری

خریداران می‌تواند تا حد زیادی این ترفند کلاهبرداران اینترنتی را خنثی کند. خریداران باید از طریق تایپ آدرس وب سایتی که می‌خواهند از آن خرید کنند به سایت وارد شوند و از وارد کردن اطلاعات کارت اعتباری خود در صفحاتی که از طریق لینک‌های مشکوک به آنها وارد شده‌اند، خودداری کنند.

در معاملات آنلاین، فروشندگان باید به مشتریان خود انتخاب‌های مطمئن و راحتی را برای نحوه پرداخت ارائه دهند، به طوری که بهترین نتیجه را برای مشتری و واحد تجاری در برداشته باشد. از جمله روش‌های متداول پرداخت می‌توان به پرداخت وجه به صورت آنلاین اشاره کرد.

۲. توجه به لینک بانک‌های رسمی

معمولاً فروشگاه‌هایی که ارائه دهنده

کاربر برای تشخیص اینکه آیا وب سایتی که به آن وارد شده است، واقعاً وب سایت بانک مربوطه است یا خیر، در مرورگر IE، بعد از ورود به صفحه پرداخت بانک، باید بر روی تصویر یک قفل زرد رنگ که در پایین صفحه مشاهده می‌شود، دو بار کلیک کند. با کلیک بر روی تصویر مذکور، گواهینامه سایت باز می‌شود که در قسمت Issued to آدرس الکترونیکی بانک، مثلاً برای بانک ملی www.bmi.ir نوشته شده است. اگر در صفحه پرداخت، قفل زرد رنگ مذکور مشاهده نشود یا نام داده شده در قسمت Issued to درست نباشد، کاربر نباید شماره کارت و رمز عبور خود را وارد کند، زیرا موارد فوق نشان دهنده این است که سایت از نظر امنیتی تایید نشده و یا اصلاً سایت بانک نیست و اطلاعات کاربر در اختیار افراد دیگری قرار خواهد گرفت.

۳. رعایت نکات امنیتی و فرایند رمزنگاری

یکی دیگر از مواردی که منجر به سرقت اطلاعات کارت‌های اعتباری می‌شود، مربوط به عدم رعایت نکات امنیتی توسط فروشندگان است. زمانی که تراکنش معامله به صورت باز و بدون امنیت و رمزگذاری مناسب به اینترنت ارسال می‌شود، هکرها می‌توانند با استراق سمع این تراکنش به اطلاعات حساسی همچون شماره کارت‌های اعتباری و رمز عبور آنها دسترسی پیدا کنند. به همین دلیل فروشندگان در دنیای مجازی باید اصول امنیتی را کاملاً رعایت کنند که یکی از آنها رمزنگاری اطلاعات حساس مشتریان است. رمزنگاری (Encryption) فرایند تبدیل اطلاعات برای تغییر شکل آن به صورت غیر قابل فهم برای همه بجز برای گیرنده اطلاعات می‌باشد که زمینه سلامت و پوشش مورد نیاز تجارت الکترونیک را برای اطلاعات رد و بدل شده فراهم می‌آورد.

۴. توجه به وب سایت‌های غیرفعال

یکی دیگر از خطراتی که خریداران اینترنتی را تهدید می‌کند، خرید از فروشگاه‌هایی است که عملاً مدت‌هاست غیرفعال شده‌اند ولی وب سایت آنها همچنان در فضای اینترنت موجود است و یا خرید کالاهایی است که متفاوت از کالای ادعا شده در فروشگاه‌های آنلاین هستند. در این مورد هم عامل تأثیرگذار در کاهش خطر، هوشیاری خریداران است.





عناوین مطالب

تماس با ما

آرشیو

دوستان

صفحه اصلی

نابغه شهید ۲۴۰۰ پروژه را اجرایی کرد

حسن آقاسی زاده شهرباف در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در مشهد مقدس، نزدیک حرم حضرت امام رضا (ع) به دنیا آمد. در دوران تحصیل دانش آموزی کوشا و اهل مطالعه بود، و در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ دیپلم شد.

شهید آقاسی زاده علاقه شدیدی به مطالعه داشت، بیشتر وقت خود را به مطالعه کتب مختلف علمی، مذهبی اختصاص می داد؛ کتابهای شهید مطهری (ره) را مطالعه می کرد، رساله حضرت امام خمینی (ره) را در دوران دبیرستان حفظ کرده بود. از هر محفل و مجلسی در جهت نشر سیره ی ائمه اطهار علیه السلام استفاده می کرد.

چندین نوبت در دوران دبیرستان به خاطر توزیع و تکثیر نوارها و اعلامیه های امام (ره) و شعارهای انقلابی، مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار گرفت.

با اوج گیری مبارزات در کشور و اتمام تحصیلات متوسطه بر سر دو راهی قرار گرفت، ادامه مبارزه یا ادامه تحصیل در خارج از کشور؟ که با استعلام از دفتر نمایندگی امام (ره) در قم تأکید آنها و کمک پدر و بعضی از مسؤولین آموزش و پرورش عازم کانادا شد.

با تسخیر لانه جاسوسی فعالیت زیادی در اعتصاب غذای دانشجویان مسلمان در کانادا داشت و مصاحبه های زیادی با رسانه های خارجی از جمله روزنامه لوموند در اثبات حقانیت جمهوری اسلامی و جاسوسی آمریکاییان در ایران نمود.

در سال ۱۳۶۱ با کوله باری از فنون و اعتقادی راسخ در بکارگیری آن در کشور و بویژه در جهت اهداف دفاع مقدس به ایران بازگشت. او که قصد شرکت فعال در جبهه ها را داشت بعد از چند ماه خدمت در جهادسازندگی بلافاصله وارد سپاه شد و عشق به جهاد و شهادت او را به جبهه های حق علیه باطل کشاند و در مهندسی رزمی مشغول انجام وظیفه شد. با لیاقت و شایستگی ذاتی که در مأموریت های مختلف از خود نشان داد به عنوان معاونت فنی مهندسی قرارگاه خاتم الانبیاء منصوب شد.

از سال ۶۱ تا ۶۶ (هنگام شهادت) در ۲۴۰۰ پروژه ی کوچک و بزرگ از خط مقدم تا عقبه ی شهرها شرکت داشت. سردار شهید آقاسی زاده که فردی خاکی، متواضع، متین، مقاوم، صبور، صریح اللهجه، جدی، قاطع و برای بیت المال اهمیت و حساسیت زیادی قایل بود سرانجام در تاریخ ۶۶/۷/۲۸ به فیض شهادت نایل آمد.

۴۹

شاهد جوان شماره ۱۲۲

مادر شهید می گفت: «مدتها بود از من درخواست شهادت داشت. سال قبل از شهادت هم به مکه مشرف شد که آنجا به حاج آقای حسینی (مجری برنامه اخلاق در خانواده) گفته بود نمی دانم چرا شهادت نصیبم نمی شود و من در کنار خانه خدا دعا می کنم و از خدا می خواهم شهادت نصیبم شود. دفعه آخری که می خواست بروم نگذاشت آئینه و قرآن بگیرم و روبوسی هم نکردیم گفت: برمی گردم».

با اینکه شهید آقاسی زاده در آخرین مجروحیت از ناحیه کمر آسیب دیده بود و تمام کارهای اعزامش برای معالجه به اتریش صورت گرفته بود ولی بعد از تماس تلفنی با فرماندهان آرام نگرفته و برای بررسی یکی از مناطق عملیاتی در ماوت عازم منطقه شد. با چند دستگاه ماشین به طرف منطقه حرکت کردند. قبل از شهادت، دستور توقف خودروها را داد و خودش به اتفاق دو تن از همزمانش که از مهندسین قرارگاه بودند رانندگی را به عهده گرفت. در این حرکت شبانه که بخاطر استتار از دید عراقیها چراغ خاموش می رفت، جاده زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت. و با اصابت گلوله توپ به دامنه ارتفاعات مشرف به جاده، سنگهای بزرگ در جاده نظامی ریزش کرد و خودروی ایشان منحرف و به پایین پرتگاه سرازیر شد و بدین سان شهدای دیگری در محضر حق مأوا گرفتند و به فوز ابدی و خواسته دیرینه شان دست یافتند و شهید آقاسی زاده یکی از آنان بود.

ملاحظات رایانه، تبلت و گوشی تلفن همراه هوشمند:

۱. همواره از عدم نصب ابزارهای سرقت کلمه (key logger) سخت افزاری و نرم افزاری بر روی رایانه خود اطمینان حاصل نمایید.
۲. از دریافت (Download) و اجرای نرم افزار و فایل های ناشناس و متفرقه روی رایانه، تبلت و گوشی تلفن همراه خود اجتناب نمایید.
۳. از بروزرسانی مستمر سیستم عامل، مرورگر و سایر نرم افزارهای منصوب روی رایانه، تبلت و گوشی تلفن همراه خود اطمینان حاصل نمایید.
۴. رایانه، تبلت و گوشی تلفن همراه خود را به ضدویروس معتبر مجهز نموده و آن را به صورت مستمر بروزرسانی نمایید.
۵. برای دسترسی به سامانه بانکداری اینترنتی از ابزارهای فیلتر شکن نظیر VPN استفاده نمایید.
۶. پس از اتمام کار در سامانه بانکداری اینترنتی، با استفاده از گزینه خروج، از سامانه مذکور خارج شوید.
۷. رایانه، تبلت و گوشی تلفن همراه خود را طوری تنظیم نمایید که در فواصل زمانی کوتاه با استفاده از روش های امنیتی (PIN, Pattern, Password و ...) قفل گردد.

نمونه های کلاهبرداری

بعد از ذکر موارد امنیتی برای درک درست چند نمونه کلاهبرداری را به عنوان مثال ذکر می کنیم:

در حقیقت ۸ نوع کلاهبرداری در این زمینه وجود دارد.

نوع اول:

کارت های گم شده یا به سرقت رفته هستند. این گروه از شایع ترین هستند و باید برای به حداقل رساندن خسارت به سرعت گزارش شوند.

نوع دوم:

"کنترل بر حساب" نام دارد یعنی زمانی که فرد دارنده کارت بی خبر از همه جا اطلاعات (آدرس منزل نام مادر و غیره) را به مجرم می دهد. مجرم سپس با بانک دارنده حساب تماس گرفته و اعلام گزارش سرقت کرده و سپس با تغییر آدرس، کارت صاحب حساب که حالا دیگر قربانی نام دارد را به کارت جدیدی برای خود تبدیل می کند.

در نوع سوم، کارت های ساختگی و جعلی دخیل هستند. در این حالت کارت از روی انواع مشابه "شبهه سازی" شده و سپس برای خرید استفاده می شود. در منطقه آسیا و اقیانوسیه ۱۰ تا ۱۵ درصد از جرایم نظیر "کارت اسکیمینگ" (کپی غیرقانونی اطلاعات کارت های بانکی) گزارش شده که در دو سال گذشته با توجه به ویژگی های امنیتی متعدد اعمال شده در مورد کارت های اعتباری از جمله تراشه EMV، کاهش قابل توجهی داشته است.

چهارمین نوع، "هرگز دریافت نشده" نام دارد یعنی زمانی که کارت جدید یا جایگزین از ایمیل به سرقت رفته و هرگز به دست صاحب حقیقی نرسیده است. **نوع پنجم،** "درخواست کلاهبردار" نام دارد یعنی زمانی که مجرم با استفاده از نام و اطلاعات فرد دیگری برای دریافت کارت درخواست می کند.

نوع ششم، "چند مهر" نام دارد و به زمانی اطلاق می شود که یک عملیات بانکی در ماشین کارت اعتباری قدیمی با نام "knuckle busters" چندین بار به ثبت می رسد.

نوع هفتم، دسپسه فروشگاه است یعنی زمانی که کارمند فروشگاه با مجرم همدست شده و کلاهبرداری می کنند.

نوع هشتم، کلاهبرداری ایمیل/تلفنی (Mo/To) نام دارد که اکنون شامل تجارت الکترونیک می شود و بزرگترین گروه کلاهبرداری پرداخت در آسیا و اقیانوسیه به شمار می رود و تقریباً سه چهارم موارد کلاهبرداری را در بر می گیرد. صنعت پرداخت در تلاش برای ارتقاء شناسایی کارت و برنامه های امنیتی به منظور پیشگیری از جرایم با عنوان عملیات های بانکی آنلاین "بدون حضور کارت" از طریق ایمیل یا عملیات تلفن است.

بر اساس خاطره‌ای از مادر شهید عبدالرحیم رضوی طهماسبی

عطر سیب‌های سرخ

○ مریم عرفانیان

زن دوباره نگاهی به سیب‌های سرخ و یکدست میان جعبه انداخت. پول میوه‌فروش را که داد؛ گوشه‌ی چادر سیاهش را به دندان گرفت تا از سرش نیفتد. جعبه‌ی چوبی را به سختی از روی زمین بلند کرد و بر شانه گذاشت؛ حتی دلش نیامد به شاگرد میوه‌فروش بگوید که خانه‌مان چند کوچه بالاتر از همین کوچه‌ی باریک است. هیچ وقت برای انجام هیچ کاری از دیگران کمک نمی‌خواست. چهره‌ی فرسوده و استخوانی‌اش حکایت سال‌ها رنج و محنت را داشت؛ سال‌های سختی و سوختن. سوختن در فراق و دوری فرزندی که اگر می‌بود چه کارها که برای مادر نمی‌کرد. سوختنی که پاداشش بی‌گمان بهشت بود. رحیمش که بود تمام کارهایش را انجام می‌داد، از خرید نان گرفته تا کارهای دیگر... رحیمش که بود هیچ‌گاه نمی‌گذاشت بار

زندگی بر شانه‌های مادر سنگینی کند؛ هوای همه کارها را داشت، صبح زود آفتاب سر زده حیاط بزرگ و قدیمی را جارو می‌زد، آب حوض کوچک میان حیاط را عوض می‌کرد؛ برای مرغ و جوجه‌ها دانه می‌ریخت و... زن با این فکر در حالی که به سختی قدم برمی‌داشت زیر لب گفت: «قربان قد و بالایت مادر جان.» آن وقت سلاله سلاله به راهش ادامه داد، گاهی می‌ایستاد، سر بلند می‌کرد و به انتهای کوچه چشم می‌دوخت، در نظرش کوچه بی‌انتهای طولانی‌تر از همیشه آمد! از وقتی رحیم رفته بود تمام کارها را خودش انجام می‌داد؛ آن روز هم در خانه مجلسی زنانه گرفته بود. روضه‌ی عصرانه‌ای به بهانه سالگرد رفتن پسرش رحیم. کار هر ساله‌اش در اواخر پاییز همین بود. آفتاب پاییزی می‌تابید و اما گویی کوچه‌ی

باریک سردتر و خلوت‌تر از روزهای قبل بود؛ نه رهگذری می‌آمد و نه رهگذری می‌رفت. دست‌هایش سست شدند و لرزیدند، طاقتش طاق شد. جعبه‌ی چوبی را روی آسفالت کنده شده‌ی کوچه گذاشت، دست بر کمرش گذاشت و قوسی به کمر داد؛ عرق سرد پیشانی‌اش را با گوشه‌ی روسری پاک کرد. خواست تا بار دیگر جعبه‌ی چوبی را بر شانه بگذارد که قامت جوانی را در برابرش دید. جوان تندی جعبه را بر شانه گذاشت و بی آن که سر برگرداند گفت: «برایتان می‌آورم مادر جان.»

لحظه‌ای درجا خشکش زد، پاهایش سست شدند، نگاهش به دنبال جوان روی شانه‌های مردانه‌اش رها و روان شد. با این که چهره‌اش را نمی‌دید، اما گویی از پشت سر شانه‌هایش آشنا به نظرش آمد! قامت چهارشانه‌ی



جوان با آن موهای لخت و سیاه عجیب به رحیم شباهت داشت! جوان جعبه را بر شانه گذاشته بود و در امتداد کوچه‌ی باریک راه افتاد. یادش آمد که رفتار پسرش با همه‌ی اهل محل خوب بود و همیشه به همسایه‌ها کمک می‌کرد. آن وقت‌ها توی تعاونی محل روستا نفت و گاز می‌دادند. او می‌رفت و کنار در تعاونی می‌نشست تا اگر پیرزن و پیرمردی نمی‌توانست بارش را به خانه‌ی برد کمکش کند. یک بار کیسول گاز پیرزنی را تا دم خانه‌شان برده بود. وقتی دیروقت به خانه بازگشت به او گفته بود: «رحیم! کجا بودی مادر؟»

او جواب داده بود: «کیسول بی بی رباب را به خانه‌اش بردم.» آن وقت با لبخندی ادامه داده بود: «اگه یه روزی من هم نبودم و شما پیرشده‌ی یه نفر هم به کمک شما میاد مادر جان.»

با این فکر لحظه‌ای اشک مجال رفتنش را گرفت و اما با دور شدن جوان یکباره به خود آمد. او دور شده بود؛ اما انگار دل زن نزدیک‌تر از روزهایی که همیشه به رحیم بود؛ حتی نزدیک‌تر از روزهایی که تنهای تنها بر سر مزارش می‌رفت. پسر در حالی که جعبه سیب‌های سرخ را بر شانه داشت همچنان پیش می‌رفت و عطر سیب را با خود می‌برد. زن خیس‌ی گوشه‌ی چشمش را با روسری‌اش گرفت و دنبالش روان شد.

حال عجیبی پیدا کرده بود، خواست دست

بلند کند و بگوید: «رحیم! مادر! مگر شهید نشده بودی؟» اما انگار زبانش بند آمده بود که حرفی نمی‌توانست بر زبان بیاورد. دوست داشت بگوید که چه لحظه‌های سختی را سپری کرده است؛ دوست داشت بگوید که چقدر دل‌تنگش شده است و باز هم بگوید مگر قرار نبود سری از مادر پیرت بزنی؟ پس چرا آنقدر دیر به سراغم آمدی؟ دیرتر از آنچه فکرش را می‌کردم. زن با خود فکر کرد که حالا همه چیز خوب است این حال روا نیست و رحیم با اوست. زیر لب گفت: «کاش این کوچه تمامی نداشت...» نمی‌خواست این حال خوش را از دست بدهد. حرف‌هایش را دوباره در ذهن مرور کرد تا بر زبان بیاورد: «پسرم، شکر خدا حال همه‌ی اقوام خوب است؛ دایی مجید دیگر از درد پا نمی‌نالد... دکتر گفت بعد از رفتن تو غصه‌ات را خورده بود و این‌طور زمین گیر شد؛ حالا بهتر شده و صبح‌ها می‌رود سرکار. حتماً می‌دانی که عمو علی و همسرش هم چند روز پیش رفتند مکه. بچه‌هایشان حالا خیلی بزرگ شده‌اند و همه‌شان ازدواج کردند. مسعود را که کوچک‌تر بود یادت هست؟ او که هیچ‌وقت از بازی گل کوچیک با توپ چند لایه پلاستیکی خسته نمی‌شد، حالا مربی تیم شده و... راستی علی نوه‌ی بی بی رباب همسایه‌ی دیوار به دیوارمان گاهی احوالم را می‌پرسد. دختر خواهرت هم برای خودش خانمی شده و این روزها می‌رود دانشگاه. راستی، درخت گردوی

حیات‌خانه‌مان هم گردو می‌دهد، همان درخت گردویی که بادست خودت کاشتی.»

هر دو به در خانه‌ی پیرزن رسیده بودند که جوان ایستاد؛ پیرزن هم ایستاد. نفهمید با چه سرعتی کوچه را پشت سر گذاشتند و به در خانه رسیدند. حالا دیگر شکش به یقین رسیده بود که او رحیم است. رحیم آدرس خانه‌ی پدری‌اش را خوب به خاطر داشت. همان خانه‌ی قدیمی با در آهنی بزرگ سبز رنگ و ...

جوان بی آن که سر برگرداند جعبه‌ی سیب‌های سرخ را روی اولین پله سنگی، کنار در سبز رنگ گذاشت. پسرش در تمام طول کوچه با او همراه بود و حالا وقت رفتن بود... پیرزن سراسیمه سرخم کرد تا کلید آویخته به گردنش را بیرون بیاورد و در را باز کند؛ ولی سر که بالا آورد با تعجب جای او را خالی دید!

با خودش فکر کرد: «راستی؛ نتوانستم یک بار دیگر چشم‌هایت را ببینم...» و از این فکر لبخند کمرنگی گوشه لبان باریک و چروکیده‌اش نشست. دیگر نگران نبود و می‌دانست پسرش همیشه و در همه حال با اوست. زیر لب گفت: «تو آسمانی‌ترین تکه‌ی وجودم هستی رحیم...»

حالا پیرزن مانده بود و کوچه‌ای بی‌انتها که عطر سیب‌های سرخ فضایش را آکنده ساخته بود.



چراغ سنگر

شب آخر هنوز یادم هست
خیمه زد عطر سیب در سنگر
خیمه تاریک شد، و این یعنی
روژه خوان گفت از شب آخر
گفت این راه و این سیاهی شب
عشق چشمان خویش را بسته است
ما سحر قصد آسمان داریم
از زمین راه کربلا بسته است
خشک می شد گلوی او کم کم
روژه خوان تشنه بود در باران
یک نفر استکان آب آورد
السلام علیک یا عطشان
استکان را بلند کرد ولی
عکس یک مشک روی آب افتاد
مشک لرزید و محو شد کم کم
اشک سید که توی آب افتاد
نفست گرم روزه خوان تا آن شب
دل به دریای آن نگاه زدی
دم گرفتی میان خون خودت
چه گریزی به قتلگاه زدی...

سید حمید رضا برقی

به یاد مردهای آسمانی

سراپا وسعت دریا گرفتند
همان مردان که در دل جا گرفتند
تمام خاطرات سبزشان ماند
به بام آسمان ماوا گرفتند
به دوش ما چه مانده ای دل، که وقتی
خدا را شاهی تنها گرفتند
چه شد ای دل، که در این راه رفته
جواز وصل را بی ما گرفتند
مگر مردان غریبی می پسندند
غریبانه ره دریا گرفتند؟

مهری حسینی

قاف قنوت

در حیرتم ای مرد! پایت را چه شد؟
بغضی که فرسوده ست نایت را چه شد؟
شب بود و اشک و مشک و آه و کربلا
کام کبود خیمه هایت را چه شد؟
جاری نمودی جلوه ی ایثار را
پا را که بخشیدی عصابت را چه شد؟
هان ای برادر! این چنین از خود می پرس
اعجاز شب های دعایت را چه شد؟
گیرم که بی دردی گهی خندید و گفت
عشق عروج تا خدایت را چه شد؟
یا زورقی بی سو که موجش می برد
گفت ای سفینه ! ناخدایت را چه شد؟

مهدی رضانی

شعله ای بودی

شعله ای بودی و دریا را به آتش می زدی
با نگاهی خسته دل ها را به آتش می زدی
ما که خشکیدیم در این خشکسال ناگزیر
کاش در این تیرگی ما را به آتش می زدی
ای اهورا مرد در تصویرت چه بود
جذبه ی گرمی که سرما را به آتش می زدی
خسته می دیدی زمین را ، رنگی از ماندن نبود
وقتی از دنیای ما پا را به آتش می زدی
روی دوش ابرها رفتی ، فراتر از نسیم
شعله ای بودی دریا را به آتش می زدی

سمیه خسروی

حماسه

و خون سرخ تو ای لاله همچنان جاریست
حضور پر تپشت در دل جاریست
صدای پای تو در ذهن خاک گل کرده ست
سرود رود تو در بستر زمان جاریست

فرشته ها به تو سوگند می خوردند ای کوه
شکوه نام بلندت در آسمان جاریست
به خاک مدفن تو بوسه می زند خورشید
چرا که سرخ ترین آسمان در آن جاریست
اشاره ای است به پروانه ی عاشقانه ی تو
حماسه ای که در آثار شاعران جاریست
هر آنچه شعر سرودیم، رو به اتمام است
و خون سرخ تو ای لاله، همچنان جاریست
سید محمد جواد شرافت

لباس های خاکی

ندیدم آیینهای چون لباس خاکی ها
همان قبیله که بودند غرق پاکی ها
به عشق زنده شدن «عند ربهم» بودن
شده ست حاصل آنها ز سینه چاکی ها
دلیل غربتشان، اهل خاک بودن ماست
نه بی مزار شدن ها، نه بی بلاکی ها
به آسمان که رسیدند رو به ما گفتند:
زمین چقدر حقیر است ای خاکی ها!

سید محمد جواد شرافت

سرزمین ماندگار

می ستایمت هنوز، سرزمین ماندگار
ای ترنم شکیب در نشیب روزگار
در طنین کوچه ها رد پای از خدا
بر زمین خفته ات، آیه آیه اقتدار
در هجومی از خطر در تهاجم شر
پا به عهد و پایدار، ای سراسر افتخار
در نگاه آیت موج می زند خروش
نسل پاک آب ها صاف و آینه تبار
بر ضریح سبز تو دست های منتظر
یک ترنم آرزو یک تبسم انتظار
نیض جاودانگی می تپد برای تو
ای نوای ماندنی، ای صدای ماندگار

مسعود کاج

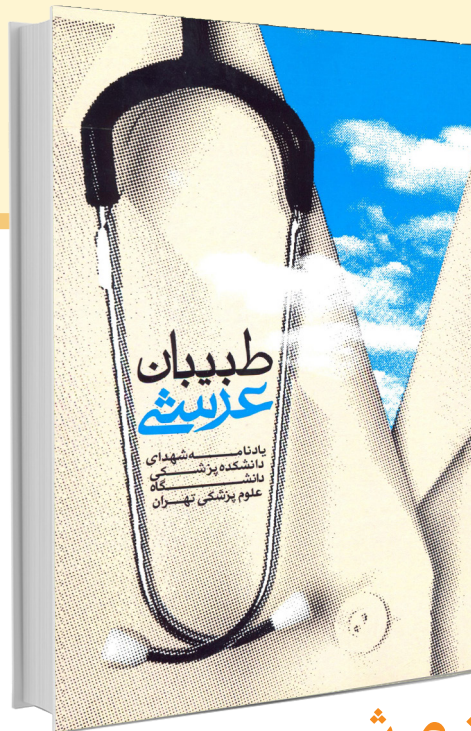
از خامنه تا خرمشهر

مؤلف: اسماعیل اسماعیلی مشنقی
انتشارات: سوره مهر

کتاب «از خامنه تا خرمشهر» خاطرات خودنوشت اسماعیل اسماعیلی مشنقی است. این کتاب بازگو کننده خاطرات گردان ۴ از گردانهای پادگان ولی عصر است که بعدها این گردانها هسته اولیه تشکیل تیپ محمدرسلول الله بودند. مشنقی، درباره این کتاب گفت: علاوه بر روایت خاطرات دوران کودکی و خاطراتم از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سعی کردم خاطرات چهره‌های سرشناس دوران دفاع مقدس از جمله شهید بروجردی، شهید همت و خاطراتی از حاج احمد متوسلیمان را نیز بازگو کنم. مشنقی ادامه داد: «از خامنه تا خرمشهر» خاطرات یک رزمنده معمولی است که سعی دارد در حد توان اطلاعاتی از دوران انقلاب و ظلم‌های رژیم سابق تاریخ و اتفاقاتی که در دوران مقدس شاهد آنها بوده را به خواننده امروزی ارائه کند. این نویسنده همچنین گفت: به علت محرمانه بودن برخی از خاطراتم در این کتاب نیامده ولی سعی دارم بخشی از خاطرات مأموریت‌های خارجی‌ام که قابل انتشار باشد را در کتاب دیگری بیان کنم.

در بخشی از این کتاب آمده:

«فرمانده گردان ما، یعنی گردان حبیب‌بن‌مظاهر، برادر علی موحد دانش بود. ایشان بچه حصار بوعلی شمیران بود. یک دستش در عملیات قطع شده بود؛ دست قطع شده‌اش ایست خاصی به او می‌داد. ارتش‌های خیلی از او حساب می‌بردند، چهره‌ای دوست‌داشتنی داشت. گاهی شوخی‌های بامزه‌ای می‌کرد؛ در مرحله سوم عملیات خرمشهر، ایشان به من گفت: «امشب می‌خواهید دخل عراقی‌ها را بیاورید؟» من هم گفتم: «می‌ترسم عراقی‌ها دخل ما را بیاورند.» گفت: «خیالت راحت باشد، عراقی‌ها را کیش بکنی، همه فرار می‌کنند.» دستواره، مسئول پرسنلی تیپ؛ حاج‌احمد وقتی ایشان را معرفی می‌کرد، حالت خجالت زیبایی چهره دستواره را پوشانده و گوش‌هایش قرمز شده بودند. آن موقع ایشان را به چشم یک پشت میز نشین نگاه کردیم. بعدها ایشان جانشین لشکر شد و به درجه رفیع شهادت نائل آمد. فرماندهان گروهان، دسته و تیم هم مشخص شدند. لطفی، موحد، جسور و من، در یک تیم سازمان‌دهی شدیم؛ تک‌تیرانداز بودیم. آن قدر در پادگان دوکوهه اذیت شده بودیم که می‌خواستیم هرچه سریع‌تر آنجا را ترک کنیم، حتی روزهای جمعه هم استراحت نداشتیم. همه‌اش راهپیمایی، رزم شبانه، صبحگاه، دویدن دور میدان، ورزش و نرمش، مطلقاً استراحت نداشتیم، از کلمه «برپا» حالمان به هم می‌خورد.



طیبیان عرشی

مؤلف: جمعی از نویسندگان
انتشارات: نشر شاهد

یادنامه شهدای دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران به همت جمعی از نویسندگان؛ محسن پرویز، نقی شهبانی مجد، علی نجفی، علی میری طامه، فاطمه بکشلو و زهرا اجاقلو گردآوری و تنظیم شده و به تازگی توسط انتشارات شاهد عرضه شده است.

زندگینامه مستند و مشروح، خاطرات، وصیت نامه و اسناد و احکام تحصیلی و شغلی شهدای این دانشگاه: شهید حسین الماسی، شهید علی رضا ایران‌دوست، شهید امیر حکمت الله امیدوار، شهید حبیب برادران توکلی، شهید علی اکبر پیروزیان، شهید سید حسن حسینی، شهید ایرج خسروی، شهید حسین دلخواه، شهید حسینعلی ذاکری معین آبادی، شهید سید احمد رحیمی، شهید حمید سلمان زاده، شهید محمد حمید شاهرخ شاهی، شهید سید محمد شکر، شهید سیدعباس صفوی، شهید حاج محمد علیم عباسی گراوند، شهید اکبر عرب زاده، شهید محمد جواد عزلت نجفی کازرونی، شهید حمید رضاعسگری قورتانی، شهید رحیم علی اکبری شان‌دیز، شهید رحیم غروبی، شهید محمد علی فیاض بخش، شهید احمد فتحی، شهید عنایت الله کارگرفرد، شهید دکتر علی رضا کاظمیان، شهید عزت الملوک کاووسی، شهید سعید کبگانیان، شهید سید محمدباقر لواسانی، شهید مرتضی لبافی نژاد، شهید محمد منتظر الظهور، شهید فرید مهکام، شهید نور الله میرزایی پور گلورخواه و شهید دکتر احمد هجرتی در این اثر منتشر شده است.

«طیبیان عرشی» در ۲۴۰ صفحه، با تیراژ ۱۱۰۰ نسخه و به بهای ۱۲۰ هزار ریال در فروشگاه‌های معتبر نشر شاهد در سراسر کشور به علاقمندان عرضه می‌شود.

قبل از هر چیز باید بگویم که کشته شدن من و هزاران جوان مسلمان دیگر فقط به جرم اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت محمد بن عبدالله (ص) می‌باشد و بدانید که این کشته شدن‌ها یک نوع باختن نیست بلکه یک فوز عظیم است که خدا هر کدام از بندگان را که شایسته این فوز بداند، او را به این نعمت بزرگ مفتخر می‌سازد. بنابراین بدیهی است که برای چنین کشته شدنی هیچ گونه حزن و اندوهی و سوز و آهی روا نیست و این نکته را بیشتر به پدر و مادر و برادران و خواهرانم تذکر می‌دهم.

پس باید به جای آه و سوز و گداز بیشتر، روی این شهادت‌ها مطالعه کرد که این چه هدفی است که این قدر والا است که در راه رسیدن به آن، این همه پیر و جوان، کوچک و بزرگ جانشان را بر کف دست گرفته‌اند و آنگاه که این هدف را شناختید، بکوشید که شما هم قدم در این راه بگذارید ...

باشگاه مهربانی پل ارتباطی ما و شماست. با ما در تماس باشید و شماره‌ی خود را هم برآیمان بفرستید، شاید روزی صدای گرم شما هم، دلگرممان کند

محمد ملکپور - اهواز

- سلام. وقتتون بخیر. از مجله شاهد جوان تماس می‌گیرم. سلام. بفرمائید.
- شما مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟ بله.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟ بین الملل، حماسه آفرین، و صفحات ورزشی.

زهرا قربانی - سمیرم

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان بفرمایید.
مجله شاهد، مجله‌ای است با مخاطبین جوان. مجله‌ای که تمام تلاشش را می‌کند که فرهنگ ایثار و شهادت را نشر می‌دهد و تقریباً در این راه موفق شده است.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟

صفحات که در مورد شهداست و البته صفحه مطبخ را هم دوست دارم. چند غذا هم درست کردم.

مینا بیگم آبادی - کرمان

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان؟ خیلی وقت است که مجله را دریافت نکرده‌ام، اما زمانی که مجله را مطالعه می‌کردم مجله خوبی بود.
- برای پیشرفت مجله نظری ندارید؟ چون مدت زیادی است مجله را دریافت نکرده‌ام نظر خاصی ندارم.

شیوا حق پرست - تهران بزرگ

- مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟ بله، مدت ۴ سال هست مجله شاهد را دریافت می‌کنیم و تقریباً تمام خانواده مطالعه می‌کنند.
- چه صفحاتی را می‌پسندید؟ معمولاً همه صفحات را می‌خوانم.

علی رضوی - تربت

حیریه

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟ بله، مدت زیادی است که جزو مخاطبین این مجله هستیم.
- کجا با مجله‌ی شاهد جوان آشنا شدید؟ در بنیاد شهید.
- نظرتان را در مورد این مجله بفرمایید؟ چون کار شما یک کار فرهنگی است بسیار ارزشمند است.

زهرا اسادات موسوی - اهواز

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟ مجله‌ی خوبی است من هر ماه دریافت می‌کنم البته با تأخیر. مطالب خواندنی زیادی دارد.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟ همه صفحات را دوست دارم مخصوصاً خاطرات شهدا.
- با آمدن مهرماه چه چیزی در ذهن شما تداعی می‌شود؟

مهرماه یعنی بوی مهر، بوی علم. اول مهر کلاس‌های ما شروع می‌شوند و امیدوارم همه محصلین و دانشجویها سال تحصیلی خوبی داشته باشند.

رویا شکوهی - فلاورجان

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟ مجله شاهد یک مجله ارزشمند برای مخاطبینش هست.
- شما برای مهرماه چه برنامه‌ای دارید؟ امسال در خانواده ما یک سال اولی هست. درگیر تهیه لوازم التحریر برای مدرسه رفتن پسر هستیم.
- بسلامتی. موفق باشید. نظر خاصی برای پیشرفت مجله ندارید؟ مجله خدا رو شکر در حال رشد است.

مهران سعید - سقز

- نظرتان در مورد شاهد جوان چیست؟ مدت زیادی از اتمام عضویت من در مجله گذشته. خیلی وقت هست که مجله را دریافت نکرده‌ام و از محتوای مجله اطلاع ندارم.



سو دابه همتی - بابل

- نظر تان در مورد مجله شاهد جوان چیست؟
خدا رو شکر چند وقت است که تغییری در مجله شما بوجود آمده و باعث پیشرفت مجله شما شده.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
مصحاح با مادران شهدا و شهدای مدافع حرم را خیلی دوست دارم. چون کمتر جایی به زندگی این بزرگواران پرداخته شده. امیدوارم که کار زیبای شما ادامه داشته باشد.

مریم افشار - اصفهان

- شما چند سالتان است و چند وقت مشترک مجله هستید؟
هر چند همیشه سن خانمها یک موضوع سکر است اما این دفعه این راز را فاش می کنم من ۳۴ سال سن دارم. چون از فرزندان شهدا هستم از نوجوانی با مجلات شاهد آشنا شدم.
- چه پیشنهادی برای مجله دارید؟
چند شماره به موضوع مناطق عملیاتی دفاع مقدس پرداخته اما اگر می شد در مورد عملیاتها به صورت اختصاصی بپردازید خیلی خوب می شد. چون می توانستید مطالب مفیدی را به مخاطبین انتقال دهید.

ابراهیم رضایی - قم

- با شاهد جوان در کجا آشنا شدید؟
نمایشگاه مطبوعات.
- کدام بخش مجله را دوست دارید؟
تقریباً تمام مطالب را می خوانم. چون مطالب این نشریه با موضوعات مختلف هستند نمی توانم با هم مقایسه کنم.

علیرضا موسویان - قم

- مجله شاهد را دریافت می کنید؟
بله، معمولاً مرتب دریافت می کنم اما به دلیل موقعیت جغرافیایی منزل ما مأمورین پست دیر مجله را به دست ما می رسانند.
- نظر شما جهت پیشرفت مجله؟
بنده دوست داشتم این مجله یک مجله تخصصی باشد با موضوع شهادت و صفحات موضوع آزاد حذف شوند.

کمیل رمضان - اصفهان

- مجله شاهد را دریافت می کنید؟
بله. من چند سال است که مخاطب مجله شاهد جوان هستم.
- نظر تان در مورد تغییرات مجله را بفرمایید؟
خیلی خوب است. وجود این مجله مایه دلگرمی خانواده شهداست که هنوز کسانی هستند که به یاد این عزیزان هستند.

امیر حسابی - کرمانشاه

- نظر تان در مورد مجله شاهد جوان چیست؟
مجله نسبتاً خوبی است.
- از بین صفحات مجله، کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
موج سازان، اجتماع، حماسه آفرین، دور و نزدیک و

مریم زندی - فارس

- با کدام صفحه شاهد جوان ارتباط بهتری برقرار می کنید؟
رو به رو، موج سازان و حماسه آفرین. صفحات دلخواه من، همان صفحاتی هستند که به معرفی یک شخصیت می پردازند.

کبری عزیزنیا - کرج

- مجله شاهد جوان را دریافت می کنید؟
بله
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
همه صفحات.

- ماه مهر چه چیزی را در ذهن شما تداعی می کند؟
ماه مهر معرف آغاز سال تحصیلی است. و البته آمدن فصل پاییز.

محبوبه پارسا - کرمانشاه

- نظر تان در مورد مجله شاهد جوان چیست؟
مجله بدون حاشیه و خوبی است.
- صفحات مورد علاقه شما کدام صفحات هستند؟
تمام صفحات با موضوع شهادت را دوست دارم.

زهرارئسی - کرمانشاه

- مجله شاهد جوان را دریافت می کنید؟
بله، مدت نسبتاً زیادی است که دریافت می کنم.
- چطور با این مجله آشنا شدید؟
توسط بنیاد شهید آشنا شدم.
- چه پیشنهادی برای پیشرفت مجله دارید؟
اول اینکه بیشتر مخاطبین این مجله خانواده های ایثارگران هستند، این کار خوبی است اما اگر این مجله در جامعه وجود داشت تا همه از آن استفاده کننده بازدهی بیشتری داشت.
دوم اینکه در ۸ سال دفاع مقدس ما شهدای زن زیادی داشتیم که این شهدا بسیار مظلوم واقع شده اند کاش می شد به معرفی این عزیزان بپردازید.
- ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

نامه های رسیده

زهرای یعقوبی - کرج، رضایحیی آبادی - گرمسار،
راضیه یاری - اصفهان، نازنین کرمی - سمیرم،
رضاناظری - فارس، نریمان علوی - فلاورجان،
غلامعلی نامداری - ایلام، حسین مهرزادی -
اهواز، مینو مهرپور - تهران، لیلا مرغزاری -
قم، سعید مؤمنی - سقز، زهرا گراوند -
سمیرم، محمد کاظمیان فر - قم، حسین فتاحی -
پاوه، فیروز محبی - تهران، رضا پورفرید - قم،
عاطفه عبدی - سقز، زهرا ظفری - بابل، پیمان
جعفری زاده - کرمان



راستش در این شماره هم به نیت شما «متولدین هر ماه» تفرّلی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینده وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

تقال

فروردین

شما را به تقوا و ترس از خدا سفارش می‌کنم و اینکه دنیا را نخواهید، هر چند شما را بخواهند. به کالای دنیا دل نبندید، هر چند در دسترس شما باشند. و اندوهناک نباشید به چیزی که از شما گرفته باشند و راست و درست سخن بگویید و برای آخرت کار کنید و ستمگر را دشمن و ستم‌دیده را یار و مددکار باشید.

شهید غلامحسین اله مرادی

اردیبهشت

ای دوستان من بدانید که حساب ما از حساب امت‌های دیگر بسی مشکل‌تر است زیرا ما در زمان و دوره امام حاضر و فرزند زهرا زندگی می‌کنیم پس مواظب خود باشید از شما می‌خواهم که هر روز بیش از پیش به این انقلاب خدمت کنید اگر چه من حالا لیاقت شهادت در راه خدا را نداشتم ولی خوشحالم از اینکه این لیاقت را پیدا کردم.

شهید والی‌الله رهنما

خرداد

سخنانی با شما ای امت حزب الله و شهید پرور، شما قدر این پیر جماران را داشته باشید و بدانید که راه او راه الله و راه حسین (ع) است و مطیع امر او و فرمان‌های او باشید و به سخنان او گوش دهید و مبدا او را تنها بگذارید و دیگر اینکه مبدا خود را از روحانیت مبارز و و متعهد جدا کنید زیرا که آنها بودند که این انقلاب را بدین جا رسانده‌اند.

شهید غلامعلی سمیعانی

تیر

ای مخلصین سنگر مقدس درس را ارج و ارزش نهید و علاوه بر درس در مسائل انقلاب شرکت کنید و تا وارد مرحله آموزش عالی نشده‌اید هدف خود را خالص کنید که همان خدمت به اسلام و مردم است.

ای دانشجویان مواظب باشید به خاطر مشکلات عادی جذب گروهک‌ها نشوید و همیشه به کم قانع باشید.

شهید فرج‌الله دیده‌بان

مرداد

چه والا است جهاد مقدس مؤمنان بر علیه باطل و تحمل سختی‌هایی که در این راه برای بندگان خاص خدا موجود است و چه زیباست مشاهده پیروزی حق بر باطل و لمس کردن قدرت مسلمین و ذلت دشمنان اسلام و چه زیباست اطمینان قلبی که در نبرد با باطل بر مؤمنان جان‌برکف خداجوی حکمفرماست و چه شیرین است جان دادن در راه تحقق آرمان‌های الهی و پیوستن به یارانی که از ما سبقت گرفتند و به دیدار حق شتافتند.

شهید عباس غلامی دهنوی

شهریور

سفارشم آن است که امت قهرمان خصوصاً شما ارتشیان، سپاهیان و بسیجیان عزیز که الگوی این جامعه اسلامی هستید همیشه اخلاق اسلامی را سرمشق و سر لوحه امور خویش قرار دهید و همیشه با عمل نیکنان مبلغ اسلام باشید که بهترین شیوه در اسلام عمل نیک است.

شهید سید مهدی زایری امیرانی

مهر

از دوستان ورزشکار خود می‌خواهم که در کنار ورزش به وضع مملکت هم توجه داشته باشند و همواره به انقلاب اسلامی هم کمک کنند دوستان عزیز اگر از دوست حقیر خودتان ابراهیم آزاد داور ناراحتی و بدی یا چیزی دیگری دیده‌اید امیدوارم بخوبی خودتان مرا ببخشید.

شهید ابراهیم آزادداور

آبان

هم اکنون در سعادتگاه عشق و شهادت در حجله‌گاه خون عروس سرخ شهادت را در بر می‌گیرم و به دنبال خط سرخی که از لایه‌لای گونی‌های سنگرم و اثر بیابان‌های تفتیده خوزستان گذشت می‌روم تا به کاروان شهدا که آرام آرام به سوی تجلی‌گاه حق در حرکت است بپیوندم.

شهید داود توکلی بنیزی

آذر

این یکی از وظایف هر مسلمانی است که با تجاوز به اسلام و ناموس و وطن در مقابل هر تجاوزگری ایستاده آخرین نیرو آنان را نابود و اخراج نماییم و اکنون زمانی فرا رسیده یورش به متجاوزین عراقی که از هرگونه عمل غیر اسلامی و غیر انسانی مضایقه نمی‌کنند نشان دهیم که دین خدا تا چه حد می‌باشد.

شهید مرد علی روح‌الهی

دی

خدایا به همه انسان‌ها آن درک و فهم اسلام را بده و آنها را در این راه کمک کن. خدایا تو قادری تو ارحم الراحمین تو کرامت و با فضیلتی تو آنقدر بخشش و رحمانیت داری که حتی در فکر ما نمی‌گنجد پس خدایا همه گناهانم را چه در آشکار بوده یا پنهانی سهوا بوده یا عمدا از روی جهالت بود یا از روی عقل بزرگ بوده یا کوچک ببخش و بیامرز.

شهید مرتضی کاظمی

بهمن

ملت عزیز بدانند که تنها راهی که شما را از سقوط حفظ می‌کند و باعث عزت شما در سراسر جهان است در خط ولایت فقیه و اطاعت از امام، چرا که هرچه تا بحال شکست به ظاهر داشته‌ایم همه‌اش از این خود محوری‌ها سرچشمه گرفته است.

شهید حسین صابری حسین آباد

اسفند

برادران معلم شما هم مواظب خودتان باشید معلمی شغل انبیاء است شما که کم در آمدترین قشر جامعه هستید مواظب آخرت خود باشید کار شما معنوی است و راه شما مکتبی است و رسالت شما سنگین است. جبهه شما مدرسه است و اسلحه‌تان قلم و ارزش آن بالاتر از همه چیز است.

شهید حسن بدیع



According to Martyr Ali Mahani's mother:

I left dirty clothes and went out of house to return and wash them. When I came back, I saw him came back of war fronts and sat in the corner of the yard and clothes have been washed and were hung on the rope.

I went to him and greeted him and told: "My dearest! How did you wash the clothes with one hand?"

He answered: "My dear mother! Even I had no hands at all, my conscience did not accept to be at home and you work."

ترجمه‌ی شماره قبل

تا مدتها پس از نخست وزیری آقای رجائی، من با (ماشین) هیلمنی که هنوز هم در اختیار دارم ایشان را به منزل می‌رساندم، بدون اینکه حتی یک نفر راننده و محافظ همراهان باشد. ایشان تا روز آخر هم اجازه نداد حتی یک پلیس جلوی منزلشان نگهبانی دهد و این مسأله پس از شروع ترورها هم ادامه داشت. مدتی بعد وقتی ایشان متوجه شد که از طرف شهرداری کوچه ایشان را آسفالت کرده‌اند بسیار عصبانی شد و با شهردار آن منطقه دعوا کرد و گفت: چرا این کار را کردی؟ اینها رسوم طاغوتی است که تا یک نفر پست و مقامی پیدا می‌کند جلوی منزلش را آسفالت می‌کنند. منبع: کتاب سیره شهید رجائی



از شما خوانندگان عزیز مجله می‌خواهیم در صورت تمایل متن فوق را ترجمه کرده و به آدرس ما ارسال کنید. به بهترین ترجمه جایزه داده می‌شود.

برنده ترجمه‌ی شماره گذشته:
عاطفه معصومی، ساری



کتاب خوان عنوان نشست هایی است که به منظور به اشتراک گذاری کتاب های خوانده شده و با هدف ترویج و تبلیغ مطالعه در قالب معرفی کتاب برگزار می گردد. این جلسه در فضایی صمیمی تلاش دارد تجربیات مطالعاتی افراد کتابخوان را برای سایر علاقمندان کتاب و کتابخوانی به اشتراک گذارد. این نشست ها در سطوح استان و شهرستان برگزار می گردد. افرادی که در این نشست ها به ارائه و معرفی کتاب ها می پردازند کلیه اقشار جامعه اعم از کتابداران، نویسندگان، فعالین رسانه حوزه کتاب، اعضای کتابخانه های عمومی و سایر علاقمندان خواهند بود.

برای کسب اطلاعات بیشتر به پورتال نهاد کتابخانه های عمومی کشور مراجعه فرمایید.

www.iranpl.ir





بهترین لحظات خود را با مجله شاهد جوان تجربه کنید

